

هیأت / ۳

- صلوات / سیمای عالمان در سخن امیرالمومنین (ع) ■ ۴
- هیأت / گزارشی از یک هیأت عزاداری متفاوت ■ ۵
- پیر غلام / توصیه‌هایی از بزرگان مدح و مرثیه ■ ۶
- آداب / آداب عزاداری ■ ۸
- هیأت / معرفی حسینی‌ه هدایت ■ ۱۰
- تکیه / نقدی بر اندیشه‌ها بیت در تخریب قبور ■ ۱۴
- آداب / نرخ یک مداح ■ ۱۶

هنر و ادبیات آیینی / ۱۹

- بحر طویل / دل‌تنگ اذان حرم کرب و بلایم ■ ۲۰
- به آیین مرثیه ■ ۲۳
- زمزمه ■ ۲۶
- ضرورت ایجاد مدرسه مدح و مرثیه ■ ۲۸
- محرم آمد و عیدم عزا شد ■ ۳۱
- جایگاه واقعی تعزیه در اعتقادات مردم است ■ ۳۲

تاریخ و اندیشه / ۳۵

- دائرة المعارف عاشورایی ■ ۳۶
- شمر شناسی ■ ۴۲
- مبانی و منابع عاشورا پژوهی ■ ۴۳

جامعه / ۴۵

- منتخبان مردم بر هیئت‌ها نظارت کنند ■ ۴۶
- وظیفه دولت در قبال نهادهای مردمی ■ ۴۷
- تهدیدها و فرصت‌های نظارت حاکمیت بر هیئت‌های مذهبی ■ ۴۸



صاحب امتیاز: محمدرضا زائری

مدیر مسئول: مرتضی وافی

همکاران این شماره: میثم غضنفری، علی

حقیقت، علیرضا پورامید، مجید سلیمیان، داوود

بهلولی، سعید غضنفری، جلال بیطرفان، سید

حجت سجادی زاده،

جواد جواهری، امیر عیسی ملکی، الهام حسینی،

هانیه خاکپور، محسن واحدی، حسین

سخنور، جواد محمدی، محمد علی بیطرفان، فرامرز

رحمانی، محمد جواد اسماعیلی‌نژاد، یدالله

جباری، فاطمه ایدوست،

سلیمان جهان دیده،

ویراستار و تصحیح:

محسن احمدنیا

طراح نامواره: حمید عجمی

صفحه آرا: مهیار سپهری، علی اکبر محمد خانی

طرح روی جلد: بیتا پورحسینی

مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید.
خیمه‌د رویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
برگشت دادن مطالب ارسالی امکان پذیر نیست.
بهر است برای مکاتبه از پست الکترونیکی استفاده کنید.

چاپ: سه‌هنگ گرافیک / ۳۰۰۰۰ هزار نسخه

گفت و گو با مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

پیرامون نظارت بر عزاداری‌ها ■ ۴۹

نگذاریم فرصت‌ها به تهدید تبدیل شود ■ ۵۳

خبر و گزارش / ۶۱

اخبار کوتاه ■ ۵۴

گزارشی از دیدار شعرا با مقام معظم رهبری ■ ۶۲

گلایه مدیر کانون رهپویان وصال از روند رسیدگی به

پرونده حادثه شیراز ■ ۶۳

بها همکاری مرکز مطالعات راهبردی خیمه
با حمایت سازمان تبلیغات اسلامی



دفتر ماهنامه خیمه: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به تقاطع استاد نجات‌اللهی، ساختمان شماره ۲۱۳، طبقه چهارم، واحد ۹

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰-۰۲۱ تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۲۳

آدرس الکترونیک: www.kheimh.com پست الکترونیک: info@kheimh.com



مناسک آیینی پیرایه‌ها، آرایه‌ها

مرتضی وافی

سرانجام روز دهم محرم فرارسید، روزی پراهمیت... زیرا این روز شاهد آفرینش آدم و حوا، بهشت و جهنم، زندگی و مرگ بوده است. ولی برای شیعیان، محرم لحظه‌ای بسیار ژرف‌تر و پرمعنی‌تر است، چرا که شهادت امام حسین (ع) در این روز روی داده است.^{۱۰}

مناسک عزاداری، رکن حیات دینی

ماه محرم و مناسک عزاداری به عنوان جزئی مهم از زندگی مردم شیعی است. البته این بدین معنا نیست که دیگر مسلمانان و یا حتی غیر مسلمانان با امام حسین (ع)، عاشورا و آثار آن نامأنوس و غریبند، بلکه نقطه تمایز آن است که مناسک عزاداری در جامعه ما یکی از ارکان اصلی دینداری محسوب شده و می‌شود. این مناسک در ساده‌ترین و در عین حال گسترده‌ترین وجه ممکن، تقدس، توکل و توسل را به درون زندگی مردم تزریق می‌کند. آن هم زندگی که گاه سرشار از ناکامی و فشارهای مادی و معنوی است.

به همین سبب، این مناسک به عنوان مهم‌ترین رکن حیات دینی جامعه، عامل اصلی «ذهنیت دینی مردم» بوده و آمیختگی شدیدی نیز با «وجدان جمعی» آن‌ها داشته است. جامعه شیعی در خلال این مناسک می‌توانسته «احساس حادثی از خویشتن» داشته باشد. از این رو هم بیشترین میزان «نمادهای مقدس» در فرهنگ مردم ناشی از این مناسک بوده و هست و هم بالعکس، در این گفتمان بیشترین میزان ممکن حضور مفاهیم و مقوله‌های زندگی مردم، دیده می‌شود.

ارتباط باورهای دینی و مناسک آیینی

هر چند باورهای دینی مردم می‌تواند لااقل به دو طریق فرم و رو بنایی و گاه در قالبی ساختاری و درونی ظهور پیدا کند، اما به نظر می‌رسد که باورهای دینی بیش از آن که در اعمال و مناسک آیینی مفهوم واقعی و یا شکل پایدار خود را باز یابد، در افکار و عقاید که گاه کمتر نمایان می‌گردد و ناملموس می‌ماند، ثبت می‌شوند. برای مثال به صورت آثار ادبی مکتوب و یا عامیانه و... در یک جمعیت نفوذ می‌کند.

در حقیقت باورهای دینی را نباید تنها در قالب مناسک (قالب‌های مناسکی که می‌توانند گاه به جامعه زشت و گاه زیبایی تعبیر شوند) مورد توجه قرار داده و بر این مبنای هارارزیابی کرد، کاربرد مناسک در باورها، بیش از آن که نشان دهنده کیفیت و یا اندازه‌گیری آن گروه یا جامعه باشد، ابزار پویایی، دعوت و یا تبلیغ و یا توسعه آن، به‌ویژه در بستر اجتماعی خویش است.

مناسک آیینی، آرایه و یا پیرایه بر بیکره دین بحث از خلوص مناسک آیینی به این مفهوم که در یک مذهب، همه مناسک و مؤلفه‌ها و درون‌مایه‌ها از صفر خلق می‌شوند، بحث بیهوده و مهملی است. تاریخ نظریات اسطوره و مناسک به خوبی نشان می‌دهد که مناسک در طی تاریخ بسته به شرایط اجتماعی و تاریخی تحول می‌یابند. چرا که نظام آن همان‌گونه که منشور اجتماعی و مبنای فرهنگی است، همراه با آن تغییر هم می‌کند. شاید بتوان عوامل مؤثر بر مناسک را به سه دسته تقسیم کرد:

- عوامل توسعه دهنده مثل مبلغان، معلمان، و خود معتقدین به مناسک.
- عوامل باز دارنده مثل مخالفان، معاندان، مناققان، مجادلان، مغرضان و...
- عوامل خنثی کننده که گاه هم در مقابل مبلغان و هم در برابر مخالفان موضع می‌گیرند.

که قطعاً تأثیر گذاری عوامل دوم و سوم کم نبوده و با احتساب گذشت زمان طولانی می‌توان انحراف در برخی از ارکان مناسک آیینی را ناشی از همین عوامل دانست.

انحرافات که باعث شده در حال حاضر مناسک آیینی در دو قالب، آرایه، با کارکرد مثبت و پیرایه، با کارکرد منفی^۲ بر بیکره دین ظاهر شود. در این زمینه چند نکته قابل ذکر است:

۱. همان‌طور که در بالا اشاره شد، وجود پیرایه‌هایی در مناسک آیینی رانمی‌توان دلیل انحراف در اعتقادات و باورهای دینی یک جامعه دانست. چه بسا اگر انجام دهندگان این مناسک فرصتی برای تأمل بیابند، نتوانند در محکمه عقل خویش، پیوندی بین این فعل و نظام باورهای خود پیدا کنند. شاید بتوان گفت آموزش، به‌ویژه سبک سنتی آن (منبر، وعظ، خطابه و مداحی) مهم‌ترین بستر تأثیر گذاری بر این سیر حرکت است.

۲. با توجه به شکل‌گیری پیرایه‌ها در طول تاریخ و در مدت زمان طولانی، فرآیند تبدیل پیرایه‌ها، آرایه‌ها، زمانی متناسب با روند شکل‌گیری را می‌طلبند، آن هم در بستر حرکتی فرهنگی.

۳. یکی دانستن مناسک آیینی و باورهای مذهبی به‌ویژه از سمت معتقدین به این مناسک، تأثیری جدی بر وجهه دین داشته و بر این اساس هر نوع آسیب عملکردی به مثابه نقص و عیب در نفس دین تعریف خواهد شد. آسیبی که بویژه در چند سال گذشته به ابرازی تبلیغی برای اسلام ستیزان با هدف گسترش اسلام‌هراسی (اسلام‌فوبیا) تبدیل گشته است.^۳ و از این روست که آسیب‌شناسی مناسک نیز بر خورد و تعارض با دین به حساب آمده و منتقدان این مناسک، افرادی مغرض، منحرف و گاه مرتد به شمار می‌آیند!! ■

پی‌نوشت:
۱. بسیاری از سفرنامه‌نویسان به این مسئله اشاره داشتند که ایام ماه محرم، اوج شور و هیجان اجتماعی و مذهبی ایرانیان و اصلی‌ترین دوره برگزاری مناسک مذهبی است (دل‌واله، ۷۰-۷۱، ۱۳۸۱). کمپفر، ۱۸۰، ۱۳۶۰، پولاک، ۶۷، ۱۳۶۳، بروکشی، ۱۳۷۴ (...). به قول یکی از ناظران خارجی که در ایام محرم در ایران بوده، «... سرانجام روز دهم محرم فرارسید، روزی پراهمیت... زیرا این روز شاهد آفرینش آدم و حوا، بهشت و جهنم، زندگی و مرگ بوده است. ولی برای شیعیان محرم لحظه‌ای بسیار ژرف‌تر و پرمعنی‌تر است، چرا که شهادت امام حسین (ع) در این روز روی داده است.» (بل، ۱۳۶۳).

۲. هر چند در این صورت دیگر نمی‌توان از آن به عنوان مناسک آیینی نام برد. اما به دلیل ممزوج شدن سره و ناسره با هم و این که هنوز نمی‌توان در سطح عموم، شاخص و خط‌کشی برای تفکیک آرایه‌ها و پیرایه‌ها ارائه کرد، مجموعه‌ی همه‌ی آداب و رسوم را مناسک آیینی می‌خوانند.

۳. نمونه‌ی اخیر آن فیلم فتنه بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَلَيْكَ عَسَدُ اللَّهِ
السَّلَامُ يَا أَبَا

هَيَات





سپهای عالمان و عالم نمایان درسرخن امیرالمومنین

تفسیری از خطبه ۸۷ نهج البلاغه

راند و مفاهیم ژرف را به مخاطبانش می فهماند. سکوت می کند و از آفات سخن نابجا در امان می ماند... و نخستین نماد عدالت و ورزی اش ز دودن هوای نفس از جان خویش است. «حق» را توصیف و تبیین می کند و خود به آن عمل می کند. هیچ خیر و کمالی نیست مگر آنکه آن را فرو نمی گذارد و به قصد وصول به نهایت آن می کوشد. هیچ مورد گمان خیر و رشدی نیست، مگر آنکه همت خویش را در رسیدن به آن به کار می گمارد. اوزمام امور خود را به قرآن سپرده است. از این رو قرآن پیشوا و امام اوست؛ هر جا قرآن فرمان رفتن دهد، می رود و به پیش می راند. و هر جا که قرآن دستور فرود فرماید و منزل گزیند، وی نیز بار می افکند و فرو می نشیند.

عالم نمایان

در برابر آن عالمان پارسا و دانایان رهنما «عالم نما» (دیگری نیز هست که نام خود را عالم نهاده اما عالم نیست؛ بلکه:

نادانی های (علم نما) را از جاهلان فرا گرفته و گمراهیهای (هدایت نما) را از گمراهان برگرفته.

و با آنها دام هایی با طناب ها و بند های نیرنگ و دروغ به هم بافته و بر سر راه مردمان گسترانده است!

قرآن را مطابق آرای خویش تاویل و تفسیر می کند و امیالش را بر قرآن تحمیل می کند.

و «حق» را آنگونه که خود می خواهد جلوه می دهد آدمیان را از فرو غلطیدن در ورطه های هولناک در امان می نمایاند.

و انجام گناهان و جنایت های بزرگ را آسان می شمارد.

برای فریب مردمان خود را «احتیاط کار» می نمایاند و می گوید: «من نزد مرزهای شبیه ها می ایستم و در قلمرو امور شبیه ناک و غیر شفاف گام نمی نهم.» اما به واقع چنین نیست؛ بلکه به آسانی خویشتن را به دامان شبیه ناک ها می افکند!

و می گوید: «من از بدعت ها و نسبت دادن امور ناروا به دین دوری می گزینم.» و حال آنکه در بدعت ها غوطه ور است.

از این روست که چنین آدمی چهره ای انسانی دارد؛ اما دل و روحش حیوانی است.

راه هدایت و سعادت را نمی شناسد تا در آن ره بیماید.

و بیراهه هلاکت را نیز نمی داند تا از ورود به آن باز ایستد.

او مرده ای است زنده نما و مرده متحرکی است در میان زندگان! ■

از مردمان را چنان ترسیم می کند که بهتر از آن نمی توان چنین کرد. آن دو گروه یکی شان که به حق شایسته اقتدا و امامت اند، «عالمان راستین» اند؛ دانایان پارسا و مجاهدان کوشا. خداوند رحمان آنان را فرماید و دیگری شان که باید از آنان پر هیز کرد و در انزوایشان کوشید «عالم نمایان ناراستین» اند؛ با سوادان نادان و مدعیان ناپارسا.

عالمان راستین

ای بندگان خدا! از محبوب ترین وار جمندترین بندگان نزد خدای سبحان آن بنده عالم و صالح است که خداوند وی را در میدان نبرد با خواسته های ناروای نفسش یاری فرموده است؛ از این رو (و در پر تو عنایت خاص الاهی این بنده چنین شده است:) «جامه ای از «حزن» بر خویشتن پوشانیده (آن هم «حزن سبز» و نه «اندوه سیاه» ۱)، و نیز لباسی دیگر از خشیت الاهی بر قامت جان خویش آراسته است... و وظایف بزرگ را که بر دیگران سنگین و گران می آید، بر خویشتن هموار و آسان کرده است... و جامه های چرکین هوس های حیوانی را یکجا از جان خویش بر می کند و به دور می افکند! و نیز زنگار غصه های حقیر دنیایی را از گوهر دل و روح خود می زداید و تنها یک اندوه را در جان خویش می پروراند... از خصلت کور دلی بیرون شد. و از همراهی با گروه هواپرستان فاصله ای فراوان گرفت... از این رو یقین قلبی او چونان نور خورشید است. جان خویش و تمامی هستی اش را به خداوند سبحان اختصاص داد و خویشتن را برای اطاعت اوامر الاهی در فراترین و عظیم ترین امور مهیا ساخت؛ تا که:

الف) هر کار پیچیده و سترگی بروی درآید گره آن را واگشاید و سامانش بخشد.

ب) و هر جزء و فرعی که پیش آید آن را به کل و اصل آن باز گرداند و به سامان رساند....

رهپویان حقیقت جوی صحراهای پهناور را به سر منزل حیات هدایت می کند. سخن می



نمایاند چهره خوبان و بدان تا مردمان ادب آموزند و موعظت اندوزند و به خوبان اقتدا کنند و به راه آنان روند و چونان آنان شوند، از بدان روی بر تابند و به روش آنان نروند و چونان آنان نشوند از شیوه های امامانه امام المتقین (علیه السلام) است. در این خطبه امیرمومنان (ع) چهره دو گروه

«سام علیکم داداش، خوش اومدی آجے»

گزارشی از یک هیات متفاوت عزاداری عیاران و داش مشتئی ها

ایمان پاک نهاد

روی پای چپش نشسته و پای راستش را تکیه گاه دستش کرده. حاج محمد محمودی که بین اعضای هیات ورزشکاران شهرداری (انصار الحجه) به «داش ممد» معروف است، گر داننده هیاتی است که با دیگر هیات های عزاداری متفاوت است.

کمی در جای خود جا به جامی شود می گوید: «اگر می بینید که این هیات تو دهن همه پیچیده یک دلیل دارد. این جام منم نداریم و کسی رئیس اون یکی نیست.»

بیمارستان فیروز آبادی را که به سمت حرم شاه عبدالعظیم رد کنی، کوچه ای است به نام شهید محمدی، حدود ۱۰۰ متر که داخل کوچه شوی، حیاط هفت هشت خانه با پارچه برزنتی پوشیده و حدود ۱۰۰ متر از خود کوچه هم مفروش شده است. آدم هایی که به این هیات می آیند، از نظر ظاهری با مردم عادی فرق دارند. بیشتر آنها سبیل دارند و برخی هم پاشنه کفش هایشان را خوابانده اند و تقریباً همه آنها تسبیح به دست دارند. از محمد محمودی می پرسیم: «معمولاً چه جور آدم هایی به هیات شما می آیند؟»

سعی می کند خنده اش را زیر سبیل هایش پنهان کند. انگار متوجه منظورم شده است: «در این هیات به روی همه باز است، اما بیشتر اعضای هیات را داش مشتئی ها، عیاران، لوطی مسلک ها و کلاه شاپویی ها تشکیل می دهند.»

دو انگشت اش را به هم می چسباند و دیگر انگشت هایش را جمع می کند تا به اسم پدرش که بر پارچه بزرگی نوشته و به دیوار نصب شده است، اشاره کند: «مرحوم حاج احمد محمودی، پدرم، یکی از بانی های این هیات بود؛ آن موقع ۲۰-۳۰ نفر بودند ولی نم نم جمعیت بیشتر شد و حالا این فضای بزرگ



هم جواب نمی دهد. «هنوز مراسم زیارت عاشورا شروع نشده و کم کم دارد به تعداد افراد حاضر اضافه می شود.»

گاه صدای صلوات شنیده می شود. دقت که می کنم وقتی بزرگی به جمع اضافه می شود، یکی از افراد از حاضران درخواست صلوات می کند تا احترام او حفظ شود. او افراد مشهوری را هم نام می برد که به این هیات رفت و آمد می کنند: «همین امروز بهمن مفید، بازیگر سینما زنگ زد و گفت که امشب می آید. به علاوه از هم دوره ای های طیب، حسین آقای رمضون یخی، مصطفی دادکان معروف به مصطفی دیوونه و... اینجا همه عیارانند. عیارها و پیشکسوت ها دوست دارند احترام شان حفظ شود. این جا هم همه حرمت ها حفظ می شود.» پرسش بعدی این بود: «آیا زن ها هم در هیات شما حضور دارند؟» «داش ممد» پاسخ داد: «همان طور که به مردها احترام می گذاریم با زن ها هم رفتار محترمانه ای داریم. اصلاً رفتار ما با همه انسان ها یکی است. دین و مذهب آدم ها هم برای ما مهم نیست. هر کسی وارد این خانه

شود، قدمش بالای سر ماست.» «دو تا چایی بردار بیار» این را به یکی از حاضران می گوید و اضافه می کند: «امام حسین قدرت طلب نبود بلکه قدرت شکن بود. او آزادی خواه بود و برابری طلب. بچه های این هیات هم بلد نیستند فقط پشت میکروفن داد و بیداد کنند و کور کورانه گریه کنند. سعی می کنیم راه امام حسین را به طور عملی ادامه دهیم.» اما این مجموعه، بیش از آن که یک هیات عزاداری باشد، یک نهاد مدنی و خیریه هم هست.

آنها تا حالا جهیزیه ۹۲ عروس را تامین کرده و ۷۰۰ بچه بی سرپرست را زیر پوشش قرار داده اند: «۱۵۰ تا از بچه یتیم هایی که اسم شان را «فرزندان خدا» گذاشته ایم در مولوی تحت پوشش ما هستند، ۴۰۰ تا در میدان غار و ۱۵۰

تا هم در بی بی زبیده.» حاج محمد محمودی، به عنوان سرمری تیم کشتی ناشنویان کشور، سه بار قهرمان المپیک شده. عکسی را نشان می دهد. او در این عکس پیشانی مادرش را بوسیده. او این حالت را با عکس زنده یاد تختی در همین حالت مقایسه می کند: «ما که به پای مرحوم تختی نمی رسیم ولی دوست داریم مسلکش را ادامه دهیم.» یکی از دوستانش که آنجا ایستاده، پیشنهاد تیتراژ می دهد: «بنویسید تختی هنوز نمرده، چون محمد محمودی زنده است.»

یک نفر به اسم «داوود حسن» خودش را مامور صلوات هیات معرفی می کند: «کارم فقط صلوات فرستادن است. با این کار تحویل بازاری راه می افتد که نگو. هر شب هزار تا صلوات می فرستم. شاید تا حالا ۱۰۰ هزار تا تو این هیات صلوات فرستاده ام.» وقتی می خواهیم خدا حافظی کنیم، حاج محمد محمودی تا دم در می آید، پاشنه کفشش را می کشد و می گوید: «قدم رنجه کردید، قربونتون برم، یا علی، در امان حق...» ■



توصیه‌های خواندن از بزرگان مدح و مرثیه



و به اجرای برنامه مداحی دیگران دقت کنی . حتی به ایستادن ایشان و از تمام اینها درس بگیری.»

■ حاج علی آهی / تهران

حاج علی آهی در بحث عقیدتی اشعار در محضر بزرگانی همچون حضرات آیات سید محمد هادی میلانی، سید محمدرضا گلپایگانی، میرزا جواد آقای تهرانی، مرحوم حاج شیخ محمد جواد خراسانی، حاج شیخ علی نماز شاهرودی، حاج شیخ حسین وحید خراسانی، ناصر مکارم شیرازی و در منظومه شاگرد آیت الله سید رضی شیرازی و به صورت نامه نگاری با حضرات آیات حاج سید ابوالقاسم خوئی و حاج سید عبدالحسین دستغیب بهره‌های فراوانی برده است.

از سخنان ایشان است:

«مادر این کشور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انجمن‌های ادبی زیادی

غالب اوقات خود را صرف یادگیری و خواندن قرآن و ادعیه و زیارات کرده‌ام. در امر مداحی نیز اشعار و نوحه‌های مورد نیاز را از استاد خود می‌شنیدم و حفظ می‌کردم و در مجالسی که دعوت می‌شدم همان‌ها را می‌خواندم.»

حاج حسینعلی حیدر پور با وجود گذشت بیش از ۸ دهه از عمر پر برکت خویش هنوز هم به مجالس دعوت می‌شود و با وجود آنکه چند سالی است که از نعمت بینایی ظاهری بی‌بهره است، اما نوحه خوانی و حضور در جمع عزاداران حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را کنار نگذاشته است.

■ حاج محمدرضا مشکین / اصفهان

اولین مرتبه‌ای که در مجلس اهل بیت (علیهم السلام) شعر خواندم، پدرم گفت: «فکر نکنی حالا که مداح شده‌ای و در آینده که به تو مرشد می‌گویند، دیگر در هر محفل و مجلسی باید بخوانی. بیشتر باید گوش کنی

■ حاج حسینعلی حیدر پور جبری متولد ۱۳۰۴، از ۸ سالگی شروع به مداحی به شیوه سنتی جنوبی کرد.

او در مورد استاد خود در رشته مداحی می‌گوید: «استاد خاصی در این زمینه نداشته‌ام، اما از ابتدا به یادگیری مداحی در خدمت مشهدی خلیل از مداحان روشندان استان بوشهر پرداختم. شیوه مشهدی خلیل اینگونه بود که از آنجایی که از نعمت بینایی ظاهر محروم بود اشعار و نوحه‌های مورد استفاده در مجالس را حفظ می‌کرد، حافظه‌ای بسیار قوی داشت که این از الطاف خدا نسبت به او بود.

اگر در جلسه‌ای حضور می‌یافت این قسمت را داشت که سخنان و اشعار گویندگان و نوحه خوانان را به ذهن سپارد و بعد هنگام مداحی از همان اشعار استفاده می‌کرد.»

این مداح با سابقه اهل البیت «علیهم السلام» در مورد ارتباط خود با قرآن می‌گوید: «از سن کودکی کار من قرآن و دعا بوده است و



و تغییری در معنای شعر بوجود نیاید، معلوم می شود که آن شعر برای حضرت سید الشهداء علیه السلام نبوده و در شأن آن حضرت نیست. شعر معصومین علیهم السلام باید تنها بیانگر اوصاف و ویژگی های خاص ایشان بوده و با شعرهای دیگر تفاوتی آشکار داشته باشد و این امر نیازمند معرفتی جامع به شأن والای آن حضرات است.

■ حاج غلامرضا سازگار (میثم) / تهران

سبکی بخوانید که مطابقت داشته باشد با قداست و حرمت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام. سبکی بخوانید که در حینی که می خوانید مردم گریه کنند. سبک ها در سوز اندن همچنان محتوایی اثر نیستند، بلکه اثر دارند، به شرطی که انسان در انتخاب سبکها تا بتواند بیشتر از مردم اشک بگیرد.

چرا می گویند نوحه؟

نوحه یعنی زاری کردن، یعنی جانسوز خواندن، با حزن خواندن، اگر غیر از این بود می گفتند سرود.

اینکه نوحه می گویند یعنی از سوز دل، از عمق جان، با اشک دیده و با حال حزن خوانده شود که هم خواننده محزون شود، هم شنونده. ■

ناروایی اعم از مقاله، کاریکاتور و فیلم نسبت به ساحت مقدس حضرات معصومین علیهم السلام به ویژه حضرت خاتم النبیین (ص) هستیم، مداحان اهل بیت در دفاع از حریم رسالت و ولایت، بار بسیار بزرگی بر دوش دارند که دیگر با بیان مطالب و نقل قول های تکراری و بعضاً غیر معتبر نمی توان آن بار را به مقصد رساند.

■ حاج فیروز زیرک کار / تبریز

حاج فیروز زیرک کار، پیر غلام دلسوخته آستان حضرت معصومین علیهم السلام خود را شاگرد استاد حسن فراهتی (جهازچی) می داند.

ایشان در بیان شعر آیینی مطلوب مخصوصاً پیرامون حضرت سید الشهداء علیه السلام می گوید: «شعر باید در قامت سید الشهداء باشد، یعنی اگر در شعری که حاوی نام سید الشهداء علیه السلام است در صورتی که نام حضرت را برداشته و نام فردی معمولی گذاشته شود

داریم ولی انجمنی که در آن دفاع از مکتب شریعت محمدی شود و شعر عقیدتی در آن نقد و بررسی نشود نداریم، زیرا در شعر آیینی واژه هایی که مغبوض اهل بیت علیهم السلام است بسیار دیده می شود.

شعر آیینی باید از محتوای غیر دینی و غیر شیعی و همچنین از الفاظ خاص مکاتب غیر شیعی خالی باشد.»

■ حاج عبدالحمید دشتی فرد (ناخدا) / بوشهر

متولد سال ۱۳۳۷ ه. ش

حاج عبدالحمید دشتی فرد، مداح با اخلاص حضرات معصومین علیهم السلام و دارای مخاطبان بسیار زیادی در سطح استان بوشهر است. وی به شیوه سنتی جنوبی نوحه خوانی می کند و در وادی مداحی و فرهنگ آن دارای دغدغه های بسیار ارزشمندی است.

دشتی فرد در خصوص مسئولیت مداحان و شاعران آیینی در شرایط کنونی می گوید: «در زمانه ای که هر روز آن شاهد مطالب

آداب عزاداری



۱) سیاه پوشی :

از نظر فقهی پوشیدن لباس سیاه مکروه است ولی در عزاداری امام حسین (علیه السلام) وائمه معصومین (علیهم السلام) استثناء شده است، زیرا این کار نشانه حزن و اندوه و نمودار پاسداشت شعائر و حماسه ها است.

۲) تسلیت گوئی :

اصل تسلیت گفتن در شرایط مصیبت و اندوهی که بر کسی وارد شده در اسلام مستحب است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «هر کس مصیبت دیده ای را تسلیت گوید، پاداشی همانند او دارد.»

(سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۸۸)

این سنت در بین شیعیان رایج است و با جمله «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَكُمْ» همدیگر را تسلیت می دهند.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «وقتی شیعیان به هم می رسند در مصیبت ابا عبدالله (علیه السلام) این جمله را تکرار کنند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَ جَعَلْنَا وَ أَيْكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِنَاهِ مَعِ وَلِيهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.» خداوند اجر ما را به سوگواری و عزاداری بر امام حسین (علیه السلام) بیفزاید و ما و شما را از خونخواهان او همراه با ولی خود امام مهدی از آل محمد (علیهم السلام) قرار بدهد.

(مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۲۱۶)

۳) تعطیلی کار در روز عاشورا :

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «کسی که روز عاشورا را تعطیل کند، یعنی دنبال کسب و کارش نرود و به کوری چشم بنی امیه که روز عاشورا را متبرک می دانستند، اگر کسی برای معیشت روزانه اش هم فعالیت نکند، خداوند حوائج دنیا و آخرتش را بر آورد و کسی که روز عاشورا روز حزن و اندوه او باشد، در عوض فردای قیامت که برای همه روز هول و ترس است برای او روز شادی خواهد بود.»

(امالی شیخ صدوق، ص ۱۲۹)

۴) زیارت و زیارت خوانی :

علقمه بن حضرمی از امام باقر (علیه السلام) در خواست کرد که مرادعایی تعلیم بفرما که از راه نزدیک یا دور و از خانه ام در این روز (روز عاشورا) بخوانم.

امام فرمودند: «ای علقمه! هرگاه خواستی (دعا بخوانی) دور رکعت نماز بخوان، بعد از آن

۷) نماز جماعت ظهر عاشورا :

سید الشهداء و باران با وفای او همه کشته راه نماز شدند. از این رو در زیارت مطلقه امام حسین خطاب به آن حضرت می گوئیم: اشهد انک قد اقمت الصلاه و اتیت الزکاه و امرت بالمعروف و نهييت عن المنکر.

(۷ تا ۱) سوگنامه عاشورا، ص ۸۰-۶۷)

۸) پرهیز از لذت ها

باید مقداری از لذت های زندگی را که از خوردن و نوشیدن و حتی خوابیدن و گفتن بدست می آید ترک کرده (مگر آن که لازم باشد) و دیدار با برادران دینی را ترک کرده و آن روز را روز گریه و اندوه خود قرار دهد و مانند کسی باشند که پدر یا فرزند خود را از دست داده است.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «در روز عاشورا از کارهای لذت بخش دوری شود و آداب و سنن سوگواری بر پا گردد و تا زوال خورشید از خوردن و آشامیدن خودداری شود و بعد از آن همان غذایی خورده شود که سوگواری می خوردند.»

(میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۷۸۳)

۹) رعایت اخلاص :

عزاداری را به خاطر رسم و عادت انجام نداده و سعی کنیم این کار را با نیتی خالص و برای رضای خدا انجام داده و در خلوص خود نیز صادق باشیم، زیرا کار کوچکی که با نیت خالصانه و صادقانه همراه باشد بهتر از کارهای بزرگی است که خلوص و صداقت در آن نباشد، حتی اگر چندین هزار برابر باشد. این مطلب به خوبی از عبادتهای حضرت آدم (علیه السلام) و شیطان فهمیده می شود، زیرا عبادت های چندین هزار ساله شیطان او را از جاودانگی در آتش نجات نداد ولی یک توبه حضرت آدم (علیه السلام) باعث بخشش خطا و برگزیدن او شد.

در هنگام انجام اعمال نیز باید مواظب باشد که ریا و دوستی ستایش مردم در نیت او وارد نشود.

۱۰) زیارت تسلیت

در آخر روز عاشورا زیارت تسلیت را بخواند، و روز عاشورا را با توسلی... اصلاح حال و پذیرش عزاداری را [از خداوند] خواسته و از کوتاهی خود معذرت بخواند. (۸ تا ۱۰ ترجمه المراقبات، ص ۵۳، ۴۷)

این زیارت (عاشورا) را بخوان. ایشان ادامه دادند: «پس اگر تو این زیارت را بخوانی، دعا کرده ای به آنچه که ملائکه برای زائر حسین (علیه السلام) دعای می کنند و خداوند صد هزار هزار درجه برای تو بنویسد و مثل کسی هستی که با حسین (علیه السلام) شهید شده باشد تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در جمله شهیدانی که شهید شده اند با آن حضرت و نوشته شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبری و رسولی و ثواب زیارت هر که زیارت کرده حسین (علیه السلام) را از روزی که شهید شده است.»

(مصباح المتجهد، ص ۷۱۴)

[اگر می توانید زیارت عاشورای معروفه را با صد لعن و صد سلام بخوانید و اگر وقت ندارید برای صد لعن و صد سلام، زیارت عاشورای

عزاداری را به خاطر رسم و عادت انجام نداده و سعی کنیم این کار را با نیتی خالص و برای رضای خدا انجام داده و در خلوص خود نیز صادق باشیم

غیر معروفه را که در اجر و ثواب با زیارت معروفه یکسان است، هر روز بخوانید. (هر دو زیارت در مفاتیح الجنان هست.)

۵) تباکی و گریستن :

در حدیث قدسی آمده که خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) فرمود: «ای موسی! هر یک از بندگانه در زمان شهادت فرزند مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) (روز عاشورا) گریه کند یا حالت گریه به خود بگیرد و بر مصیبت سبب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تعزیت گوید، همواره در بهشت خواهد بود.» (مستدرک سفینه البحار، ج ۷، ص ۲۳۵)

۶) برگزاری مجالس عزاداری :

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «مجلس گرفتن شما را دوست می دارم. در مجلس خود «امر ما را» زنده بدارید. خداوند رحمت کند کسی که امر ما را زنده بدارد.» (وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۳۵)



معرفی حسینیه هدایت (محبین)

امیر عیسی ملکی



مؤسسه اسلامی و حسینیه هدایت در سال ۱۳۵۸، در زمینی به مساحت ۲۲۰۰ متر مربع با کمک خیرین متدین با هدف سامان دادن به فعالیت های دینی و انسجام در حرکت های مذهبی، تشکیل جلسات و نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، چاپ و توزیع کتب اسلامی، ارایه آثار اهل بیت (ع) در ایران و سراسر جهان، توسط حجت الاسلام و المسلمین حسین انصاریان آغاز به کار کرد. آقای انصاریان پس از خرید ملک مزبور اقدام به وقف آن برای مؤسس اسلامی و حسینیه هدایت کرد و در وقف نامه تنظیمی، ایشان به عنوان تولیت مادام الحیات تعیین و انتخاب تولیت بعدی نیز به عهده ایشان قرار گرفته است و در صورتی که برای ملک مورد وقف بعد از ایشان متولی تعیین نشود، تولیت آن با مرجع تقلید شیعه در ایران خواهد بود. تولیت مؤسسه اسلامی و حسینیه هدایت به دلیل مشغلات حجت الاسلام انصاریان در سال ۱۳۶۰ با وکالتنامه ای به «مدیر هیئت و مؤسس محبین الائمه (ع)» واگذار شد.

منطقه ۱۲، دارالمؤمنین تهران

مدیر داخلی مؤسسه، سعید حاجی ملا حسینی، با اشاره به مکان مؤسسه یعنی، تهران، میدان قیام، خیابان ری، کوی شهید رقیب دوست، حسینیه هدایت، می گوید این مؤسسه در منطقه ۱۲ تهران واقع شده است که به دار المؤمنین شهرت دارد، زیرا تراکم هیئات مذهبی در این منطقه بالاست و حدود ۱۹۸ مسجد در این منطقه وجود دارد؛ با این وجود، مراسم «محافل قرآنی ضیافت نور» که با حضور استادان برجسته قرآن کریم و قاریان ممتاز بین المللی از جمله؛ حاج حسین سعیدیان، حاج کریم منصوری، حاج محمد

عباسی، حاج مهدی قره شیخلو، حاج مسعود گرجی، حاج حسین فردی، حاج حامد ذاکر نژاد، حاج مهدی عادل، حاج جعفر فردی، حاج حسین یزدان پناه، در ایام ماه مبارک رمضان در این حسینیه برگزار شد با استقبال پر شور مردم مواجه شد. این جلسات از ساعت ۹ تا ۱۱ شب با اقامه نماز جماعت و سخنرانی «حجت الاسلام والمسلمین شریفی صادقی» آغاز و با مداحی و تلاوت قرآن ادامه داشت؛ در این جلسات گروه های تواشیح از جمله «گروه طاها» اجرای برنامه داشتند و هر شب چند صفحه از دعای ابو حمزه ثمالی قرائت می شد.

چشم انداز فعالیت های مؤسسه اسلامی و حسینیه هدایت

مرحله اول (در حال اجرا)

۱- ساماندهی اماکن، اموال و فضاهای حسینیه

- ۲- آماده سازی سالن ها و امکانات مجموعه
- ۳- اقامه نماز جماعت
- ۴- برگزاری مجالس مذهبی و محافل انس با قرآن
- ۵- پذیرش مجالس ختم، ترحیم و جلسات هیئات مذهبی
- ۶- تبلیغات عمومی ایام الله و مناسبت های مهم
- مرحله دوم (در حال برنامه ریزی و اجرا)
- ۱- تأسیس کتابخانه عمومی و تخصصی و قرائت خانه
- ۲- تأسیس دارالقرآن کریم
- ۳- ایجاد واحد فعالیت های خیریه
- ۴- ایجاد صندوق قرض الحسنه
- ۵- تأسیس واحد های فرهنگی، تبلیغی و آموزشی
- ۶- تأسیس واحد جوانان و اوقات فراغت
- ۷- تأسیس واحد مشاوره و پاسخگویی به



تلاش می‌کنیم بهترین شرایط را برای بانوان فراهم کنیم و در ایام تابستان نیز با برپایی کلاس‌های احکام، حفظ و قرائت قرآن و همچنین مشاوره دینی برای بانوان، سعی در پرباری اوقات فراغت بانوان جوان داشته‌ایم.» حاجی ملا حسینی در باره فروشگاه کتاب‌های فرهنگی و دینی موجود در حسینیه هدایت گفت: «در این فروشگاه آثار استاد انصاریان و نویسندگان برتر حوزه علم و دین با تخفیف ویژه ۴۰،۳۰ درصد و در برخی موارد ۵۰ درصد ارابه می‌شود که علاقه‌مندان می‌توانند از این امکانات استفاده کنند.»

مدیر داخلی حسینیه هدایت ضمن ابراز رضایت از اینکه در سال‌های اخیر در برنامه‌های تلویزیون بعد از اذان، اقامه نماز پخش می‌شود، افزود: «حضور مراجع تقلید در برنامه‌های تلویزیون بسیار مفید و سازنده است و صدا و سیما باید پل ارتباطی میان علما، مراکز فرهنگی-مذهبی و جامعه باشد؛ پوشش خبری برنامه‌های فرهنگی و مذهبی مؤسسه‌ها و حسینیه‌ها باعث رونق بیش از پیش این مجالس خواهد شد و این به نوبه خود در اقبال عمومی جوانان به مباحث معنوی تأثیر گذار خواهد بود.»

حاجی ملا حسینی با اشاره به اینکه حضور جوانان در محافل قرآنی ضیافت نور، حضور چشمگیری بوده است بر لزوم برنامه ریزی دقیق و هدفمند برای اوقات فراغت جوانان تأکید کرد و این مهم را وظیفه همه نهادها و ارگان‌های فرهنگی کشور دانست. ■

- سؤالات (حضور و تلفنی)
- ۸- تأسیس پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی و پاسخگویی به سؤالات و شبهات اعتقادی، اخلاقی و فقهی از طریق اینترنت
 - ۹- تدوین برنامه چشم‌انداز ۲۰ ساله فعالیت‌های مؤسسه اسلامی و حسینیه هدایت
 - مرحله سوم (در حال برنامه ریزی)
 - ۱- ایجاد بخش آموزش تخصصی معارف اسلامی و دوره‌های تخصصی تبلیغ
 - ۲- برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی دینی و فرهنگی
 - ۳- مرمت و تعمیرات اساسی ساختمان حسینیه
 - ۴- نوسازی و تجهیز حسینیه و احداث سالن‌های تخصصی برگزاری همایش‌ها
 - ۵- ایجاد زمینه تأسیس دانشکده و پژوهشگاه علمی و تحقیقاتی دینی
 - ۶- تعاملات و ارتباطات ملی و بین‌المللی سازنده در عرصه دینی و فرهنگی

رفتار نامناسب با بانوان در هیئات مذهبی

حاجی ملا حسینی با انتقاد از رفتار نامناسب برخی از حسینیه‌ها و هیئات مذهبی با خانم‌ها، با اشاره به اینکه همیشه کمترین امکانات به آن‌ها تخصیص می‌یابد و گاهی در حسینیه‌ها و هیئات، مکان مناسبی برای آنها در نظر گرفته نمی‌شود، گفت: «این که در مراسم مذهبی آقایان داخل هیأت می‌نشینند ولی بانوان بیرون از هیأت روی فرش و گاهی روی زمین، اصلاً درست نیست؛ ما در حسینیه هدایت

نقدی بر اندیشه وهابیت در تخریب قبور

به انگیزه هشتم شوال سالروز تخریب بقیع



حرم ائمه بقیع به سال ۴۹۵ ه. ق یعنی اواخر قرن پنجم دارای گنبد و بارگاه شده است. ابن جبیر، جهانگرد معروف که در قرن هفتم به حجاز سفر کرده، در دیداری که از بقیع داشته است آن را این گونه توصیف می کند: «و آن قبه ای مرتفع و سر به فلک کشیده است که در نزدیکی در بقیع واقع شده». در قرن هشتم قمری، بعد از گذشت ۱۵۰ سال از سفر ابن جبیر، ابن بطوطه سفری به مدینه نموده و مشاهدات خود را این گونه بیان می کند: «حرم ائمه بقیع، قبه ای است سر به فلک کشیده و از نظر استحکام، بدیع و اعجاب انگیز است». در قرن معاصر، صاحب کتاب «مراه الحرمین» جناب ابراهیم رفقت پاشا، ۱۹ سال قبل از تخریب حرم ائمه بقیع سفر حج کرده و توصیفاتش دارد: «عباس و حسن ابن علی و ائمه سه گانه در زیر یک قبه قرار گرفته اند که بزرگ تر از همه قبه های موجود در بقیع است». در طول تاریخ سه بار بقیع تعمیر شده است. بار اول در سال ۵۱۹ ه. ق توسط المستنصر بالله و برای بار سوم در اواخر قرن سیزدهم توسط سلطان محمود غزنوی. کتیبه هایی که جهانگردان در سفرهای شان از بقیع خوانده اند، گویای این مطلب است.

نخستین ویرانی

نیروهای وهابی به سرکردگی عبدالعزیز بن سعود در سال ۱۲۲۱ ه. ق بعد از محاصره طولانی مدینه، ساکنان شهر را در تنگنا قرار دادند و مردم بی گناه بی شماری را قتل عام کردند. سپس خادمان آستان پیامبر را یک جا جمع کردند و برای آن که محل جمع آوری و نگهداری هدایا را نشان دهند، آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. بعد از غارت کردن

آنها را ولو به صورت ظاهری جلب کند و بدین منظور جلسه ای تشکیل شد. شیخ عبدالله از حاضرین پرسید: «در باره تخریب این گنبد و بارگاه ها چه می گوئید؟» بسیاری از آنها از ترس جانانشان جواب ندادند، بعضی دیگر هم اظهار موافقت کردند. وهابی ها نیز مردم را با زور اسلحه جمع کرده و به سوی بقیع حرکت دادند و آن چه گنبد و ضریح در شهر مدینه و بیرون از شهر بود، ویران کردند. از جمله آنها گنبد و بارگاه ائمه بقیع، گنبد های متعلق به عبدالله و آمنه، والدین پیامبر اسلام (ص)، قبر ام البنین مادر ابوالفضل العباس (ع)، اسماعیل پسر جعفر صادق (ع) و حرم دختران و همسران پیامبر اسلام (ص) و حرم ابراهیم فرزند پیامبر اسلام (ص) و گنبد مالک ابن انس و عثمان نیز تخریب شد. وهابی ها ضریح فولادی ائمه بقیع که در اصفهان ساخته شده بود و بر قبور امام حسن (ع)، امام سجاد (ع)، امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) قرار داشت از جای در آورده و بردند. وهابیون از ترس عواقب کار خود، از تخریب حرم نبوی خودداری کردند. این روز بعدها به نام «یوم الهدم» در حافظه تاریخ ثبت شد.

حرم نبوی، هنگام بازگشت به نجد که محل استقرار وهابیون بود، از بقیع گذشتند و عبدالعزیز دستور تخریب تمامی بارگاه ها را صادر کرد. گفتنی است آنها در این حمله چهار صندوق مملو از جواهرات مرصع به الماس و یاقوت گرانبها و حدود یکصد قبضه شمشیر با غلاف های طلا به طلای خالص و تزیین شده به الماس و یاقوت و... به یغما بردند. در این زمان، خلافت عثمانی به والی خود محمدعلی پادشاه دستور داد که حجاز را از سلطه وهابی ها نجات دهد و کنترل حجاز را به دست گیرد. پس از جنگ خونین به سال ۱۲۲۷ ه. ق وهابی ها شکست سختی خوردند و مردم به بازسازی اماکن متبرکه که همت گماشتند.

ویرانی دوم

هشتم شوال سال ۱۳۴۴ ه. ق پس از سلطه دوباره ابن سعود و تسلط بر شهر مدینه در ماه رمضان همان سال شیخ عبدالله، قاضی القضاات خود را از مکه به مدینه اعزام کرد تا موضوع تخریب مقابر موجود در مدینه را با علما و سران این شهر مطرح و موافقت

وهابیان، ساختن گنبد، ضریح و بقعه و ... بر روی قبور را حرام و تخریب آن را واجب می‌دانند. آنان ساختن این چیزها بر روی قبور را نوعی شرک و کفر می‌پندارند. صغانی می‌گوید: «مشاهد به منزله بت‌ها هستند و همان کاری را که عرب جاهلی با بت‌های مختلف می‌کرد، پرستندگان قبور، امروزه با مشاهد و قبور انجام می‌دهند و تغییر نام، عمل را عوض نمی‌کند.» به گمان آنها، ساختمان کردن قبرها، بدعتی

قبرستان‌ها و نماز خواندن در آنها و روشن کردن چراغ، نیز به مفاد حدیث ابن عباس ممنوع است ... و اما توجه به سوی حجره نبوی (ص) در موقع دعا کردن، بهتر است که از این عمل نیز جلوگیری بشود، چنان‌که از کتب معتبر استفاده می‌شود، چون بهترین سمت‌ها، سمت قبله است و همچنین طواف بر قبور و بوسیدن و به‌طور کلی دست کشیدن به آنها اعمالی است حرام و ممنوع! و نیز ذکر خواندن و رحمت فرستادن در مواقع نامبرده



است که بعد از عصر تابعین رخ داده و در قرون نخستین اسلامی نبوده است. آنان در این مسأله پیرو پیشوای خود، ابن تیمیّه و شاگرد او ابن جوزیه هستند. از این رو آنان در چند قرن گذشته، تامی توانستند مشاهد و زیارتگاه‌ها را ویران کردند و حتی قبور ائمه بقیع و قبر امام حسین (ع) را نیز استثنانکردند.

آنان در تخریب قبور بقیع، استفتایی تنظیم کردند و به نزد یکی از علمای مدینه فرستادند و او در جواب چنین نوشت:

«ساختن و بنا کردن روی قبرها به اجماع مسلمین حرام است و در این زمینه احادیث صحیح روایت شده و از این رو بسیاری از دانشمندان به وجوب خراب کردن آن ساختمان‌ها فتوا داده‌اند و از جمله احادیثی که راجع به لزوم خراب کردن قبور مورد استناد قرار گرفته حدیثی است که علی (ع) به ابی‌الهیاج می‌گوید: من تو را برای کاری می‌فرستم که رسول خدا مرا برای آن کار فرستاده: اگر مجسمه‌ای دیدی آن را بشکن و هرگاه قبر بلندی دیدی آن را با خاک یکسان کن. در صحیح مسلم هم این حدیث روایت شده است؛ اما موضوع مسجد قرار دادن

همگی بدعت است و این، چیزی است که نظر ما به آن رسیده است.»

آنان این فتوا را مستمسک تخریب قبور ائمه در بقیع و نیز تخریب دیگر بقعه‌ها و زیارتگاه‌ها قرار دادند؛ در پاسخ به این فتوا باید گفت:

۱. ادعای اجماع در این باره کاملاً بی‌اساس است؛ پیروان بیشتر مذاهب اسلامی در اعصار گوناگون این عمل را جایز می‌دانستند و این سیره مستمر مسلمانان بوده است. مسلمانان بر قبور آنان که از دنیا می‌رفتند، بقعه می‌ساخته‌اند و نسبت به عالمان و بزرگان خود در این مسأله، حساسیت بیشتری نشان می‌داده‌اند.

۲. حدیث ابی‌الهیاج، حدیث ضعیفی است؛ چه این‌که در سلسله راویان آن، راویان غیر ثقه وجود دارند که از جمله آنها سفیان ثوری است. دیگر آنکه این حدیث، به فرض صحت سند، نمی‌تواند ادعای وهابیان را اثبات کند؛ چون حدیث مذکور، امر به مسطح کردن قبر می‌کند و این‌که آن را همانند پشت ماهی نسازند؛ کلمه مُشرف در حدیث به معنای بلندی بیش از حد است. از این رو آن حضرت دستور داده تا قبرهای بیش از حد بلند را

مساوی کنند و کوتاه کنند، نه آن‌که قبر را تخریب کنند! چه این‌که تمام مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند که می‌توان، بلکه مستحب است قبر بالاتر از زمین ساخته شود.

۳. درباره برخی از احادیث منسوب به پیامبر (ص) که از ساختمان ساختن بر روی قبرها و گنج‌کاری قبر نهی فرموده، باید گفت که سند این احادیث ضعیف است و متن آنها نیز دارای اضطراب است. نیز باید گفت: نهی اعم از کراهت و حرمت است و به فرض که این احادیث ضعف متن و سند نداشته باشند، ممکن است مقصود از آنها کراهت باشد و کراهت آنجایی است که بر ساختن گنبد و بارگاه، فایده عقلایی مترتب نباشد، و گر نه آنجا که ساختن بارگاه، از شعائر اسلامی باشد و منافع فراوان معنوی را به دنبال آورد، امر بسیار پسندیده‌ای است.

۴. در آغاز اسلام، مسلمانان بسیار فقیر بودند. برخی از آنان خانه نداشتند و بی‌سرپناه بودند؛ شاید نهی از ساختمان بر روی قبر ناظر به آن روزگار بوده که بسیاری بی‌سرپناه بوده‌اند، نه در دوره‌های بعد که مسلمانان تمکن مالی فراوان پیدا کردند و به ثروت بسیار دست یافتند.

۵. پیامبر (ص) در خانه خود دفن شد؛ اما هیچ‌یک از صحابه نکوشید که خانه پیامبر را ویران کند تا به حدیث پیامبر (ص) مبنی بر نهی از ساختمان بر قبور عمل کند! این نیز دلیل دیگری بر رد سخن وهابیان!

۶. آیا وهابیان هرگز نسبت به مصالح عظیم جامعه مسلمانان اندیشیده‌اند؟ آیا آنان به فکر جلوگیری از نفوذ استعمارگران در بلاد اسلامی بوده‌اند؟ آیا آنان در برابر نفوذ صهیونیست‌ها در بلاد اسلامی واکنش نشان داده‌اند؟ آیا این قدر که از بوسیدن قبر پیامبر خدا (ص) عصبانی می‌شوند، از محاصره اقتصادی کشورهای مسلمان ناراحت می‌شوند؟ ■



یا کاشف الحقایق



به مناسبت ۲۵ شوال سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع)

همزمان با حکومت عباسیان بود.

عصر امام صادق (علیه السلام)

عصر امام صادق (علیه السلام) یکی از طوفانی ترین ادوار تاریخ اسلام است که از یک سو اغتشاش ها و انقلاب های پیاپی گروه های مختلف، بویژه از طرف خونخواهان امام حسین (علیه السلام) رخ می داد که انقلاب ابو سلمه در کوفه و ابو مسلم در خراسان و ایران از مهمترین آنها بوده است. از دیگر سو، عصر بر خورد مکتب ها و ایدئولوژی ها و عصر تضاد افکار فلسفی و کلامی مختلف بود که از بر خورد امت اسلام با مردم کشورهای فتح شده و نیز روابط مراکز اسلامی با دنیای خارج به وجود آمده و در مسلمانان نیز شور و هیجانی برای فهمیدن و پژوهش پدید آورده بود. عصری که کوچکترین کم کاری یا عدم بیداری و تحرک پاسدار راستین اسلام یعنی امام (علیه السلام)، موجب نابودی دین و پوسیدگی تعلیمات حیاتبخش اسلام، هم از درون و هم از بیرون می شد. زمان امام صادق (علیه السلام)، زمان تزلزل حکومت بنی امیه و فزونی قدرت بنی عباس بود و این دو گروه مدتی در حال کشمکش و مبارزه با یکدیگر بودند. از زمان هشام بن عبدالملک تبلیغات و مبارزات سیاسی عباسیان آغاز شد

و در سال ۱۲۹ وارد مرحله مبارزه مسلحانه و عملیات نظامی شد و سرانجام در سال ۱۳۲ به پیروزی رسید. بنی امیه در این مدت، گرفتار مشکلات سیاسی فراوانی بودند، لذا فرصت فشار و اختناق نسبت به شیعیان را نداشتند. عباسیان نیز چون از دستیابی به قدرت در پوشش شعار طرفداری از خاندان پیامبر و گرفتن انتقام خون آنان عمل می کردند، فشاری از طرف آنان مطرح نبود. از این رو این دوران، دوران آرامش و آزادی نسبی امام صادق (علیه السلام) و شیعیان بود و آن حضرت از این فرصت استفاده کرده و تلاش فرهنگی وسیعی را آغاز کرد. پیشوای ششم در چنین دورانی به فکر نجات افکار توده مسلمان از الحاد و بدبینی و کفر و نیز ممانعت از انحراف اصول و معارف اسلامی از مسیر راستین بود، و از توجهات غلط و وارونه دستورات دین که به وسیله خلفای وقت صورت می گرفت جلوگیری می کرد. اینجا بود که امام (علیه السلام) دشواری فراوان در پیش و مسئولیت عظیم بر دوش داشت. او آن قدر فقه و دانش اهل بیت را گسترش داد و زمینه ترویج احکام و بسط کلام شیعی را فراهم ساخت که مذهب شیعه به نام او به عنوان «مذهب جعفری» شهرت یافت. آن

پدرش ۲۶ ساله بود که او زاده شد. ۱۲ تا ۱۵ سال بنا بر اختلاف از عمر شریفش را در کنار جدش امام سجاد (علیه السلام) و نوزده سال را در کنار پدرش امام باقر (علیه السلام) گذراند. پیامبر اکرم (ص) در خصوص انتخاب نام و لقب امام ششم فرموده است: «وقتی که فرزندم جعفر متولد شد نام او را صادق بگذارید، زیرا فرزند پنجمش جعفر است و ادعای امامت می کند و او در نظر خداوند جعفر کذاب است.» ابن بابویه و قطب راوندی روایت کرده اند که از حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) پرسیدند که امام بعد از تو کیست؟ فرمود: محمد باقر شکافنده علوم است. پرسیدند: بعد از او امام که خواهد بود؟ فرمود: جعفر که نام او نزد اهل آسمان ها صادق است. امام ششم شیعیان و رئیس مذهب تشیع در سال ۱۱۴ هجری قمری در سن ۳۱ سالگی به امامت رسید و ردای ولایت بر دوش گرفت که حدود هجده سال آن (۱۳۲-۱۱۴) همزمان با حکومت امویان و شانزده سال آن (۱۴۸-۱۳۲)

اندازه که دانشمندان و راویان از دانش امام بهره برده و از ایشان حرف و حدیث نقل کرده اند از هیچ یک از ائمه دیگر نقل نکرده اند.

لیکن طولی نکشید که بنی عباس پس از تحکیم پایه های حکومت و نفوذ خود، همان شیوه ستم و فشار بنی امیه را پیش گرفتند و حتی از آنان گوی سبقت ربودند.

وضع به حدی ناگوار شد که همگی باران امام (علیه السلام) را در معرض خطر مرگ قرار می داد، چنانچه زبده هایشان جزو لیست سیاه مرگ بودند. امام صادق (علیه السلام) که همواره مبارزی نستوه، خستگی ناپذیر و انقلابی در میدان فکر و عمل بود، کاری که امام حسین (علیه السلام) به صورت قیام خونین انجام داد، در لباس تدریس و تأسیس مکتب و انسان سازی انجام داد و جهادی راستین کرد.

رحلت امام را به سبب مسمومیت دانسته اند ارتکاب این جنایت را منصور در توان خود نمی دید لذا به جعفر بن سلیمان، پسر عمومی خویش و والی وقت مدینه محول کرد. فرزند برومندش امام موسی بن جعفر (علیه السلام) او را دو جامه سفید مصری که در آن احرام می بست و در پیراهنی که می پوشید و در عمامه ای که از امام زین العابدین (علیه السلام) به او رسیده بود، کفن نمود و بر آن نماز خواند و او را در بقیع در کنار قبر پدر بزرگوارش سید الساجدین (علیه السلام) به خاک سپرد.

سلام بر او از میلاد تا میعاد

شخصیت علمی امام صادق (علیه السلام)

در دوره امامت امام صادق (علیه السلام) مسلمانان بیش از پیش به علم و دانش روی آوردند و در بیشتر شهرهای قلمرو اسلام به ویژه در مدینه، مکه، کوفه، بصره و... مجالس درس و مناظره های علمی دایر و از رونق خاصی برخوردار شد.

در این زمان با استفاده از فرصت به دست آمده امام صادق (علیه السلام) توانست نهضت علمی فرهنگی پدرش امام باقر (علیه السلام) را ادامه داده و علوم و معارف اهل بیت را بیان کرده در همه جا منتشر کند. سفرهای اجباری و اختیاری امام به عراق و به شهرهای حیره، هاشمیه و کوفه و بر خورد با اربابان دیگر مذاهب فقهی و کلامی نقش بسزایی در معرفی علوم اهل بیت و گسترش آن در جامعه داشت.

در این شهرها گروه های مختلف برای فراگیری دانش نزد آن حضرت می آمدند و از دریای دانش او بهره می بردند. بر خورد وی



با گروه های مختلف مردم سبب شد که آوازه شهرتش در دانش و بینش دینی، علم و تقوی، سخاوت و جود و کرم و... در تمام قلمرو اسلام طنین انداز شود و مردم از هر سو برای استفاده از دانش بیکران وی هجوم بیاورند. در این دوره علوم و فلسفه ایرانی، هندی و یونانی به حوزه اسلامی راه یافت و بازار ترجمه علوم گوناگون از زبان های مختلف به زبان عربی گرم و پر رونق شد.

همچنین مکتب های کلامی و مذهبی و فقهی در این عصر پایه گذاری شد.

امام صادق (علیه السلام) با تمام جریان های فکری و عقیدتی آن روز برخورد کرده و موضع اسلام و تشیع را در برابر آنها روشن ساخته و برتری بینش اسلام تشیع را ثابت کرده است. مناظرات امام صادق (علیه السلام) با اربابان دانش های گوناگون چون پزشکان، فقیهان، منجمان، متکلمان، صوفیان و... به ویژه مناظرات وی با ابوحنیفه مشهور و در منابع شیعه و سنی ثبت است.

شاگردان امام باقر (علیه السلام) پس از درگذشت آن حضرت به گرد شمع و جود امام صادق (علیه السلام) حلقه زدند.

امام (علیه السلام) نیز با جذب شاگردان جدید به تأسیس یک نهضت عظیم فکری و فرهنگی و بالنده مبادرت ورزید، به گونه ای که طولی نکشید مسجد نبوی در مدینه منوره

و مسجد کوفه در شهر کوفه به دانشگاهی عظیم تبدیل شد. درگیری شدید بین بنی عباس و بنی امیه، آنان را آن چنان به خود مشغول کرده بود که فرصتی طلایی برای امام صادق (علیه السلام) و یارانش به دست آمد.

آن حضرت با استفاده از این فرصت به بازسازی و نوسازی فرهنگ ناب اسلام پرداخت و شیفتگان مکتب حق از اطراف و اکناف، از بصره، کوفه، واسط، یمن و نقاط مختلف حجاز به مرکز اسلام یعنی مدینه سرازیر شدند و چون پروانه ای دلباخته به گرد شمع و جود امام صادق (علیه السلام) تجمع کردند.

امام صادق (علیه السلام) هر یک از شاگردان خود را به رشته ای که با ذوق و قریحه او سازگار بود، تشویق و تعلیم می کرد و در نتیجه، هر کدام از آنها در یک یا دو رشته از علوم مانند حدیث، تفسیر، فقه و کلام، تخصص پیدامی کردند.

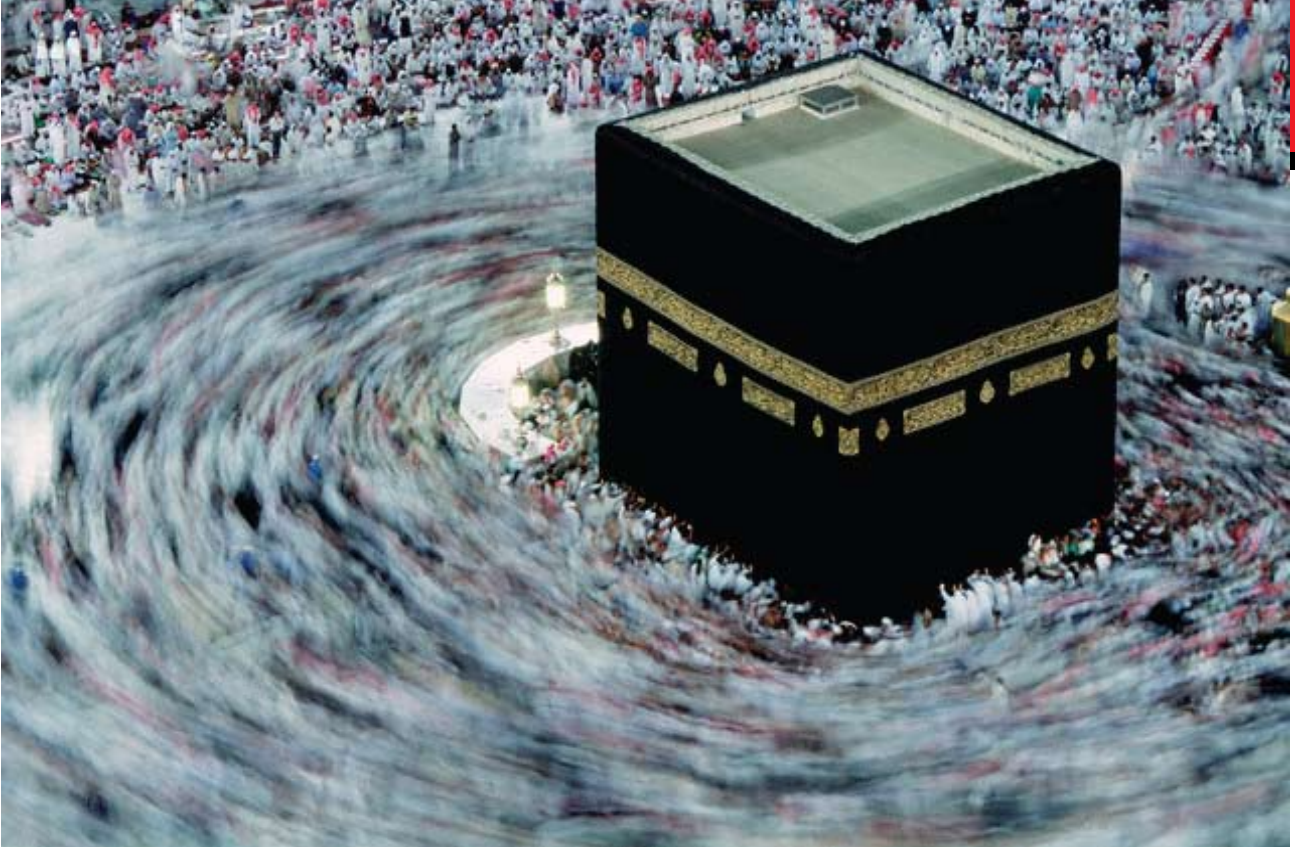
در دانشگاهی که امام بوجود آورده بود شاگردان بزرگ و برجسته ای همچون هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مومن الطاق، مفصل بن عمر، جابر بن حیان و... تربیت کرد که هر یک از آنها شخصیت های بزرگ علمی و چهره های درخشانی بودند که خدمات شایانی انجام دادند. به عنوان نمونه، هشام بن حکم ۳۱ جلد کتاب و جابر بن حیان بیش از ۲۰۰ جلد کتاب در زمینه علوم گوناگون به ویژه رشته های عقلی طبیعی و شیمی کتاب نوشته است و به عنوان «پدر علم شیمی» مشهور است.

دانشمندان علم حدیث شمار کسانی را که مورد اعتماد بوده اند - راویان ثقه - و از آن حضرت نقل کرده اند تا چهار هزار نفر نوشته اند.

شاگردان دانشگاه امام منحصر به شیعیان نبوده، بلکه پیروان اهل تسنن نیز از مکتب آن حضرت برخوردار می شدند.

بزرگان اهل سنت چون مالی بن انس، ابوحنیفه، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، ابن جریح، روح ابن قاسم و... ریزه خوار خوان دانش بیکران او بودند. ابوحنیفه که دو سال شاگرد امام بود این دوره را پایه علوم و دانش خود معرفی کرده و می گوید:

«اگر آن دو سال نبود (نعمان) از بین رفته بود.» ■



نرخ یک مداح

سخنی با ذاکرین اهل بیت (ع)

دکتر محمد رضا سنگری

روضه کوچکی می خواند. کل افتخار میکائیل در عالم ملکوت به این است که بگوید من برای اباعبدالله (ع) دو بیت شعر خواندم. و شما می دانید تمام اسباب این عالم به اذن پروردگار به دست میکائیل است. اشاره ای بکند طوفان ها خواهند وزید، پس ارزش خود را بشناسید.

پیامبر عاشق مداحان است

همه شما این جمله را شنیده اید که پیغمبر فرمود: «حسین منی و أنا من حسین». این جمله ادامه دارد ولی متأسفانه آن را نمی خوانند منی و انامن حسین احب الله من احب حسینا خدا دوست دارد هر کس را که حسین را دوست داشته باشد. وبعد از آن دعاست «الهم انی احبه» خدایا من حسین را دوست دارم و «واحب من احبه» هر کس هم حسین را دوست داشته باشد، من عاشق او هستم. برادری که می آید در این مجلس و مداحی می کنی یک عاشق داری کنارت، پیغمبر (ص) عاشق توست. من در جایی دیدم که زهیر یک ارادتی

مرثیه خوانی پیامبر

انبیا تمام عشقشان این بود که برای اباعبدالله (ع) زمزمه ای داشته باشند. همه آنها از آدم تا خاتم مرثیه خوان اباعبدالله (ع) بوده اند. پیغمبر (طبق مطالعات من) پنج بار برای اباعبدالله (ع) مرثیه خوانده است و آن زمان هنوز اباعبدالله (ع) بچه بود.

پیغمبر در خانه می نشست و برای اباعبدالله مرثیه می خواند و چند نفر هم مستمع او بودند و یکی از آنها حضرت زهرا (س) بود. وقتی امام حسن (ع) آخرین لحظه به امام حسین (ع) فرمود: «لایوم کیومک یا اباعبدالله (ع)» این جمله معروف را از زبان پیامبر شنیده بود. برادران! وقتی شما مرثیه می خوانید مجرای حنجره شما نامی راز زمزمه می کند که فرشتگان بافتخار از او یاد می کنند. شوقشان این است که پروبالشان را به حسین بزنند و بگویند من از کنار این گهواره گذشتم.

امام زمان (عج) در گوشه ای از زیارت ناحیه مقدسه می فرماید: «افتخار جرئیل و میکائیل این بود که پای گهواره حسین بنشینند». و میکائیل کنار گهواره حسین

حضرت علی (ع) فرموده اند: «لیس لانفسکم ثمن الاالجنه، خودتان را به کمتر از بهشت نفروشید.» هر کس از شما پرسید ارزش و قیمت شما چیست؟ بگویید: بر گه ی کوچکی روی بدن ما زده اند به نام بهشت. تازه این کم آن است. البته بالاتر از بهشت هم داریم که ما نمی دانیم چیست.

لذا گفته اند: «در حلقه روز قیامت که حضرت زهرا (س) در قلب آن قرار می گیرد اولین کسانی که دور حضرت زهرا (س) طواف می کنند آنها بی هستند که در این دنیا برای حضرت اباعبدالله (ع) شعر خوانده اند.» این قیمت ماست. این اعتبار عمل ماست. این اثر ماست.

بنابر این برادر عزیز من، وقتی که اینجایم آبی فکر نکن با پای خود آمدی هیچ منتی هم بر کسی نداری. تا می توانی هم منت پذیر باشی.

بگو خدایا از تو ممنونم که مرا اینجا آوردی، اباعبدالله (ع) از تو ممنونم که اسمت را روی من گذاشتی.

از تو سپاسگزارم که این عنوان را به من داده ای.

درست بخوانند. این خیلی بد است و شأن خدشه دار می شود. خودتان را در این بُعد سرشار کنید. وقتی در مجلس شما جمعیت حس و حال گرفتند، آرام آرام از پایین به بالا بیایید و سری هم به حوزه عقل و مخاطب بزنید و با یک سخن، نکته یا پیامی از عاشورا عقل هار پرورش بدهید.

در این دو سه سال اخیر سعی کردم فهرستی از درس های کربلا را تنظیم کنم و شروع به نوشتن کردم. دیدم صدا درس شد، صدوده تادرس، صدو بیست تادرس، هدفم این بود که درس هارا به برادران مداح بدهم.

ببینید برادران شما هیئت راه می اندازید و چندین ساعت آدم ها در اختیار شما هستند. ممکن است که تعداد کم یا زیاد باشد.

کاری که برای اباعبدالله (ع) باشد آدم نباید به هیچ چیز دیگری حساس باشد. بنده این نکته را که در کودکی برایم اتفاق افتاد، چندین بار در این محافل گفته ام ولی دوباره می گویم، زیرا که واقعاً از آن درس گرفتم.

یک روز وارد مسجد شدم. در آن زمان بچه بودم دیدم کسی آمد و رفت روی منبر شروع به روضه خوانی کرد، به او گفتم فلانی کسی که در اینجا نیست، برای که روضه می خوانی؟ آن شخص گفت: «من یقین دارم که الان فرشتگان خدا دارند صدایتان را می شنوند.» پیغمبر به شما عشق می ورزد مهم نیست که سر چهار راه مجلس داشته باشی یا جای دیگر. جمعیت زیاد باشد یا کم.

چرا که اگر اینها برای شما مهم باشد الاتبتلوا صدقاتکم بالمن و الاذی می شود. کار خود را با این چیزها باطل نکنید.

اینکه می گویند یک قطره اشک برای اباعبدالله (ع) آتش جهنم را خاموش می کند شعار نیست، واقعاً در روایات داریم. تازه از اینها هم بالاتر است. در روایت است که وقتی شما اشک می ریزید فرشتگان خدا آن را می برند و ماموریت دارند که این اشک ها را «فیمزّ جونها بماء الحیون فیدفعونها الی خزنه الجنة» ببرند و با آب حیات آمیخته کنند و دست نگهبانان بهشت بسپارند تا وقتی شما خواستید وارد بهشت شوید به شما تحویل دهند.

حالاینکه تحویل دهند معنایش چیست، بماند.

بنابراین مداحی که فقط نوحه می خواند هنوز به طور کامل مورد تایید اباعبدالله (ع) نیست و هنوز چیزهایی کم دارد



به اباعبدالله نشان داد. زهیر دنبال امام حسین (ع) دوید و خاکی را از زیر پای حسین برداشت و بوسید، پیغمبر این صحنه را دید. زهیر را گرفت و او را مثل حسین بوسید و فرمود: «وقتی کسی حسین مرا دوست داشته باشد مثل حسین با او رفتار می کنم.»

یکی از مداحان بزرگ در آخرین لحظه زندگی به پسر و دخترش گفته بود که زیر بازوهای مرا محکم بگیرید، هر وقت یواش فشار دادم، مرا بلند کنید آن لحظه آقا به دیدنم آمده. مگر ممکن است کسی را که من یک عمر به او عشق ورزیدم، آخرین لحظه حیات به دیدارم نیاید؟

بعد از لحظاتی فشار داد، گفت: بلندم کنید آیا اباعبدالله (ع) دارد می آید.

ارتباط مداحان ارتباط عاطفی است

شما مقام، شأن، منزلت و موقعیت بالایی دارید و این خیلی مهم است، چون ارتباط شما از تباط عاطفی است.

انسان دو بخش عمده وجودی دارد، یکی عقل و دیگری عواطف و احساسات.

صدر و سینه پایگاه عواطف و احساسات و سر، پایگاه تعقل و اندیشه است. اگر کسی این دو را به هم گره بزند، می شود «اولولالباب». در قرآن هر کجا این واژه آمده به معنی کسانی است که عاطفه و تعقل را با هم دارند.

کار مداح بیشتر با عاطفه ارتباط دارد. عاطفه را هم برمی انگیزد و هم بر آن اثر می گذارد. در اینجا کار با دل است و دل هم جایگاه خداست.

رسالت پیغمبر (ص) هم کار با عقل است و هم کار با دل. ایشان مداح و ذاکری را دوست می دارد که هم پلی به دل ها بزند و هم عقل ها. عقل نور است و دل و عاطفه، آب.

خوب است شما هم نور بدهید و هم آب، هم اشک بگیرید و هم عقل ها و مغزها را تغذیه کنید.

بنابر این مداحی که فقط نوحه می خواند، هنوز به طور کامل مورد تایید اباعبدالله (ع) نیست و هنوز چیزهایی کم دارد.

باید در حوزه های تعلق هم خودتان را تقویت کنید.

روایات و آیات قرآن را بلد باشید و درست هم بخوانید، چون گاهی وقت ها بعضی از دوستان را می بینیم که حداقل روایت را نیز نمی توانند



برسان. نگران نباش من هم پشت سر تومی آییم.»

چون گاهی وقت ها درست است که صحابه از رفتن به بهشت شاد بودند، اما غصه آنها این بود که با امام نمی روند و دارند از او جدا می شوند. به همین علت امام (ع) می فرمود: «خوشحال باش چند دقیقه ی دیگر من هم به تومی پیوندم.»

این رفتار امام (ع) را به عنوان یک درس در هیات مطرح کنید. شما خیلی مهم هستید. حالت شما، شکل موی شما، نوع لباسی که به تن دارید، خنده ای که می کنید، گفت و گویی که می کنید، همه اینها مهم است. پس خیلی توجه کنید و خواهش من این است که شأن آن بزرگوار را حفظ کنید. ■



وقتی در مجلس شما جمعیت حس و حال گرفتند آرام آرام از پایین به بالا بباید و سری هم به حوزه عقل و مخاطب بزنید و با یک سخن یا نکته یا پیامی از عاشورا عقل هار پرورش بدهید

اینکه بلند شده آمده باید به او حرمت بگذاری. امام تا آخرین لحظه سر یارانش را روی زانوهایش می گذاشت و خون را از صورت آنها پاک می کرد. او نیز آرام چشمانش را باز می کرد تا بار دیگر امام را ببیند. امام (ع) هم ابراز لطف می کرد و او را تشویق می کرد.

همه آنها از امام سوال می کردند: «اوفیت یابن رسول الله، پسر پیامبر وفا کردیم؟ آیا تأیید می کنی؟ راضی هستی؟ و امام می فرمود: «نعم انت امامی فی الجنه. خوشابه حالت توزود تراز من به بهشت می رسی. سلام مرا به مادرم زهرا (س) پدرم علی مرتضی (ع) و جدم رسول خدا (ص)

این شأن و مقام و منزلت خیلی مهم است. وقتی که هیأت دارند سینه و زنجیر می زنند یک لحظه بگویند عاشقان حسین (ع) اجازه بدهید از آن لب های خون چکان یک جمله برای شما بگویم و یک هفته با این جمله زندگی کنید.

یک درس از زندگی اباعبدالله (ع) مطرح کنید. مثلاً بگویند امام حسین (ع) با همسر و فرزندان این طوری زندگی می کرد، شما نیز این چنین باشید. یا حسین (ع) در کربلا با یارانش این گونه ارتباط داشت، شما نیز چنین باشید.

حضرت اباعبدالله (ع) طبق گفته شیخ جعفر شوشتری، هفتاد بار در کربلا هروله کرد، یعنی هفتاد بار مانند سعی صفا و مروه را پیمود.

اگر شما حج رفته باشید می دانید که این سعی صفا و مروه هفت بار است و آدم وقتی به دور پنجم و ششم و هفتم می رسد، چه حالی دارد؟ نفس بند می آید؟ حالا امام حسین (ع) هفتاد بار این کار را کرد چون می خواست به یارانش احترام بگذارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ادبیات
ہندو



دلنگ اذان حرم کرب و بلایم...



شبی ساکت و دلگیر، خودم بودم و قلبی که ز غم بسته به زنجیر، و نزدیک اذان بود که پیچید به آفاق، همه نغمه تکبیر، نوشتند که هنگام اذان دست به دامان خدا باش، و مشغول دعا باش که باز است به درگاه الهی در رحمت، و آن لحظه بود لحظه شیرین اجابت، شدم غرق عبادت، دو چشمم همه ام اشک شد و روی لبانم همه سوگند که یارب تورهایم کن از این بند، و گفتم به خدا بین دعایم که دلنگ اذان حرم کرب و بلایم.

همان جا که دل از سوز فراغش شده بی تاب، همان جا که زده دست به دامان زمین خوشه مهتاب، همان وادی سوز و عطش و درد، همان وادی شرمندگی آب، همان وادی پاک حرم حضرت ارباب، همان جا که زمینش همه نور است، پر از شور و شعور است، حماسه است، غرور است، شرمنده تر از وادی طور است و

فرش حرمش از پر حور است و بر مهدی زهرا همه شب راه عبور است، همان جا که حرم خانه دل هاست و عشقش همه در آب و گل ماست، زیارتگه زهراست، عبادتگه موسی است، دخیل حرمش حضرت عیسی است، و زیباست، خدامحو تماشا است که یک سو حرم شاه، و یک سو حرم حضرت سقا است.

مکانی که قدم نجه نموده است گل یاس، تمامش کند از عشق و احساس، به لبه اش بود ذکر ابالفضل، و دریای دو چشمش همه الماس، همان کعبه کوچک کف العباس، مکانی که در آن عشق زند موج، همان جا که زنده پر به هوایش دل من هر دم و هر شب، همان جا که به هر جای زمین هست نشان از قدم محترم حضرت زینب، همان خاک که هم بدر واحد، خندق و احزاب و حنین است که دل از عالم هستی برآید، خیابان پهبستی که معروف به بین الحرمین است.

در دست نوشته هایی که از نوحه سرایان سنتی عصر قاجاریه و دوره مشروطیت به بعد به جای مانده، به بحر طویل های عاشورایی فراوانی برمی خوریم که روایتگر تاریخ مصور عاشورا و صحنه های پر شور و در عین حال تکان دهنده کربلا هستند.

ضرباهنگ های «تند» و «مدام» و «یکسان» این بحر طویل های عاشورایی - که غالباً از وزن (فعلاتن) پیروی می کنند - در جذب مخاطبان و حضور آنان در مراسم (شبیه خوانی) تاثیر فراوانی داشته است. در این بحر طویل ها هر از گاه مطالب نادرست و خرافی و غیر مستندی دیده می شود که ریشه در تحریفات عاشورا دارد.

خصلت عمده این بحر طویل ها در حالت رجزی، روایی و تاریخی آنها است که شنیدن آنها از زبان یکی از شخصیت های عاشورایی آن هم بالحن دامنه دار در مراسم «شبیه خوانی ها» و عزاداری های نمایی و سنتی با تاثیر مضاعفی همراه بوده است.

سجعی که در این بحر طویل ها وجود دارد به مجریان آنها این امکان را می داده که پس از قرائت فراز های همگون، توقف کوتاهی داشته باشند، هم برای - به اصطلاح معروف - نفس تازه کردن و هم برای ایجاد آمادگی در ذهن مخاطبان برای شنیدن فراز های همگون دیگر.

چاوشی - یکی از بحر طویل سازان عاشورایی - بحر طویل معروفی دارد در دو بند (دو قسمت) دارد. بند اول آن به حکایت حضرت آدم و حوا اختصاص دارد که در بهشت، قصر زیبایی می بینند که متعلق به حضرت زهرا (س) است و در بند دوم، حضرت آدم از جبرئیل در باره آن قصر و مالک آن سؤال هایی می کند و جواب هایی می شنود و در نهایت در جریان شهادت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) قرار می گیرد. فراز هایی از این دو بند را مرور می کنیم:

بند اول:

... توبده گوش که پرواز کند از سر تو هوش / از این تحفه حکایت که نمودند روایت زمه
برج حیا شافعه روز قیامت که در او هست
فزون قدر و کرامت / ز همه خلق جهان بیش،
بزن چنگ به دامانش میندیش



بحر طویل نار چکنجھ مرواری بتر



مرکب و صد مکر و فن اندوخته در سینه و
افزود به دل کینه دیرینه و / بنهاد
به بالین حیل ، خیره سر خویش
بیفسرد ز غم تیره دل ریش / از آن
سو، دو گل گلشن مسلم به الم توام و بیتاب /
به صد غم شده در خواب ...

به ناگاه بدان حجره رسیدی به نواز مزمه
گریه شنیدی / به درون رفته بدیدی دو پسر
بلکه دو تابنده قمر / پهلوی هم خفته و در
گردن هم دست در آورده و پدرود ز جان کرده
/ دو شمسندل افروز و همان ناله جانسوز از آن
هر دو بود / بانگ بر آورد که ای هر دو گهر دانه!
که باشید و درین خانه که ره داده شما را؟! ...

دو غریب و دو یتیم و دو اسیر یم کنون ، هم به
سر خوان تو مهمان تو هستیم / دگر از حسب
واز نسب ما طلبی ما که ز غم زار و ملولیم ، دو
نورسته گل باغ رسولیم / دو شهزاده اسلام و دو
نوباوه مسلم ...

سخت بزد بر زخشان سیلی و بنمود ز
سیلی رخ همچون مهشان نیلی و / بر بست به هم
گیسوی آن هر دو غزال حرم عصمت و / سرزد
چو خور از مشرق محنت / به لب شط فرات آمد و
آورد به همراه خود آن هر دو غمین را ...

نه خوفی ز خدا کرد و نه شرمی ز رسول دو سرا و
نه یادی ز جزا کرد به شمشیر ستم سرز تن هر دو
جدا کرد / ز غم ، خون به دل خیر نسا کرد و / تن
هر دو بیفکند به دریاوسر انورشان برد به همراه
خودای داد ازین کینه و بیداد! که خون کرد دل زار
صغیر و جگر خلق زمین ، اهل سمارا .

مطلبی که در پایان این مقال عنوان می
شود در واقع کامل کننده مشخصه های
بحر طویل عاشورایی است . همان
گونه که در بحر طویل مرحوم صغیر
اصفهانی ملاحظه کردید و در هر اثری از این
دست ، چندین فراز « فرعی » و « اصلی » است و

شاعر پس از چندین فراز متوالی و همگون ،
سجع پایانی آن را با قافیه وردیف مشخصی می
آراید و آن را بدین گونه از دیگر فراز های فرعی
جدامی کند مانند : (که ره داده شمارا !؟!)
و (اهل سمارا) که دارای کلمات ردیف و قافیه
مجزا و همسانند . در متن اصلی - و
نه برگزیده و منتخب - بحر طویل
صغیر ، همین شاخصه در موارد متعددی به
کار رفته که ما برای پررئیزی از اطاله کلام ، از
نقل آنها خودداری کردیم . ■

هنوزم به تن اندک رمقی هست / که
فرصت رود از دست / دگر ای غمزده و
صاف ! مگو وصف شه تشنه لب کرب و بلا را .
در پایان این مبحث ، فراز هایی از بحر طویل
مرحوم صغیر اصفهانی در مصیبت طفلان
حضرت مسلم بن عقیل (ع) را مرور می کنیم :
دارم از جور فلک شکوه بسیار و دل زار و دو
چشمان گهر بار / که این ظالم غدار به ذرّیه
شاهنشاه ابرار / چه ها کرد ؟ ز کین ترک
وفا کرد / ز اندازه برون ، جور و جفا کرد / چو
شد مسلم زار از وطن آواره و در کوفه گرفتار
شد از کین به کف لشکر خونخواره / و آن گاه
در مهر بیستند و ره کینه گشوندند / ز
بیداد شهیدش بنمودند و / دو فرزند یتیمش
بگرفتند و فکندند به زندان / ستم خویش
رساندند به پایان ...

پس چه شد نیمه شب آن مرد به صد
بیم و تعب / هر دو برون کرد ز زندان ، بگرفتند
در آن ظلمت شب راه بیابان / بدیدند به هر
خار مغیلان بفتادند که از وحشت عدوان / چو
سر گیسوی خود هر دو پریشان چو غزالی که
ز صیاد رمد هر دو هر اسان / بنمودند ره بادیه
طی ، هر قدمی یک نظر افکنده به پی ...

به ناچار بیامد به سوی خانه ولی بیخبر از قصه
کاشانه / پس آن تابع شیطان که ز رحمان
شده بیگانه / رسید از ره و بنمودرها

بند دوم :

گفت جبریل به آدم که آیا مفر آدم ! شنو
این قصه تواز من که بود فاش و میرهن / به
فلک هست یکی اختر تابنده که هر
سیصد و آلف سنه یک بار ، شود طالع و من
سیصد و الف دگرش دیده ام او را و ازین قصر
و درونش خبری نیست مرا ...

وصاف کاشی ، بحر طویل دو بندی
دیگری دارد در رثای قمر بنی هاشم (ع) که
این گونه شروع می شود :

می کند ورد زبان از دل و جان / غمزده
(وصاف) حزین ، وصف مهین / یگه سوار فرس
شیر دلی ، زاده سلطان ولی ، فارس میدان
یلی ، حضرت عباس علی / ماه بنی هاشم و سقای
شهیدان جفا ، صفدر میدان بلا ، شیر صف
معرکه (کرب و بلا) میر و سپهدار / برادر که
شه تشنه لبان را همه جا یار / و ظهیرست
به هر کار مشیرست ، به هر رزم وزیرست ، گه
رزم چو شیرست ، به رخسار منیرست ...

و فراز پایانی این بحر طویل این گونه رقم
می خورد :

چه شود گر به دم باز پسین شاد کنی خاطر
ناشاد مرا شاد کنی یادم و بیستانی ازین
لشکر کین دادم و / سر وقت من آبی که
سرم از ضربت شمشیر / ببینی که بود دیده
ام اما جگه تیر / فتاده ز تنم دست / بیا تا که

به آیین ترین مرثیه

بخش اول

دکتر سیدحسن سادات ناصری

از اسلام نیز از ابوالحسن انباری، ابوالطیب المتنبی و ابوالعلاء معری، عبدالمجید بن عبدون الفهری و بهاءالدین زهیر، صفی‌الدین حلی، جمال‌الدین بن نباته و بعضی دیگر از گویندگان تازی در موضوعی یا در موضوعات گوناگون مرثیه‌هایی پرسوز و گداز، استادانه، جاوید و ماندگار سروده‌اند. قدیمی‌ترین مرثیه‌ها را در پارسی دری از استاد شاعران ابوعبدالله رودکی می‌شناسیم که در رثای ابوالحسن مرادی و استاد شهید بلخی و دیگران سروده است و آثاری قوی‌مایه از وی بر جای مانده و دیگران چون فرخی سیستانی و حکیم انوری ایبوردی پیروی او کرده‌اند و تنها فردوسی، خاقانی و عبدالرحمان جامی در مرگ فرزند سخنانی تازه گفته‌اند یا سعدی در فتح بغداد و قتل مستعصم و خواجه حافظ در قتل شاه‌شیراز ابواسحاق و مولوی در مرگ یاران خویش سخنانی نوآیین از رنگی دیگر دارند. امارتای مذهبی نسبت به دیگر اغراض شعری از موضوعاتی است که هنوز بیش از شش-هفت سده از پیدا آمدن و چهار-پنج سده از رواج آن نمی‌گذرد و این نوع سخن‌پردازی اختصاص به شیعیان دارد و قدیمی‌ترین مرثیه‌های مذهبی را باید در اشعار شاعر عارف نامدار نیمه دوم سده هفتم و سرآغاز سده هشتم سیف‌الدین فرغانی یافت که دیوان وی در سه جلد توسط دکتر ذبیح‌الله صفا به چاپ رسیده است.

ای قوم در این عزا بگریید
بر کشته‌کر بلا بگریید
با این دل مرده، خنده تا چند
امروز در این عزا بگریید
فرزند رسول را بکشند
از بهر خدای را بگریید
از خون جگر سرشک سازید
بهر دل مصطفی بگریید
وز معدن دل به اشک چون دُر
بر گوهر مرتضی بگریید
با نعمت عاقبت به صد چشم
بر اهل چنین بلا بگریید
دل خسته ماتم حسینید
ای خسته‌دلان هلا بگریید
در ماتم او خمش مباحشید
یا نعره ز نید و یا بگریید
تا روح که متصل به جسم است
از تن نشود جدا بگریید
در گریه سخن نکو نیاید
من می‌گویم، شما بگریید
بر دنیی کم‌بقا بخندید
بر عالم پر عنا بگریید
بسیار درو نمی‌توان بود
بر اندکی بقا بگریید
بر جور و جفای آن جماعت
یک دم ز سر صفا بگریید
اشک از پی چیست؟ تا بریزید
چشم از پی چیست؟ تا بگریید
در گریه به صد زبان بنالید

اظهار تألم و اندوه را به زبان شعر در ماتم عزیزان، رثا یا مرثیه یا سوگ و سوگنامه گویند. تاریخ رثا در ادب تازی، کهن و در ادب پارسی، بسیار کهن است. سوگ سیاوش و مرگ زریر در اساطیر ایران سابقه‌ای بس قدیم دارد، چنان که سوگ سیاوشان به نام آهنگی مشهور از آن واقعه جانکاه یادگار است و یادگار زریران (ایانکاری زریران) که از آثار منظوم بازمانده پهلوی است و این هر دو به صورتی کامل در شاهنامه جاویدان حکیم ابوالقاسم فردوسی جزو حماسه ملی مردم ایران زمین آمده است. رثا در شعر تازی هم از اغراض عمده شعری است و نامورترین شاعران عرب در دوره جاهلی که در این موضوع سخنانی استوار و ماندگار گفته‌اند، یکی مهلهل تغلبی (۵۳۱م) و دیگری خنسا (پیش از ۴۶ق) از طایفه بنی‌سلیم است که نخستین، مرثیه‌هایی برای برادرش کلیب سروده است و این دیگر، که قدیمی‌ترین زن شاعره بنام تازی است و عصر نورانی پیامبر گرامی اسلام (ص) را درک کرده است، هم در مرثیه برادر خویش، صخر، در دیوانی به حجم اندک و پر مضمون خود، با سوزی تمام آثاری به جای نهاده است. هم‌چنین بعد

است. به موجب روایت دولتشاه سمرقندی در تذکر الشعرا یک بار به زیارت رفته است و هنگام بازگشت به نجف رفته و قصیده‌ای در ستایش امیرالمؤمنین سروده است. بعضی سروده‌های وی در مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری آمده است.

وی در عهد سلطنت الجایتو یعنی سلطان خدابنده ایلخان مغول می‌زیسته است. در جوانی وفات یافته و در جانب قبله سلطانیه مدفون شده است. بعدها به دستور شاه اسماعیل صفوی، عمارتی بر بالای قبر او ساختند و باغچه‌ای در آنجا طرح انداختند که محل زیارت معتقدان شد.

شهرت مولانا حسن کاشی در منقبت‌پردازی چندان بود که در این کار هنرش را به کرامت پیوسته‌اند. دولتشاه سمرقندی در تذکره الشعرا و قاضی نورالله در مجالس المؤمنین از این کرامت یاد کرده‌اند و چون مأخذ قاضی همان تذکره الشعراست، پس از نوشته دولتشاه می‌خوانیم:

«گویند که مولانا حسن بعد از زیارت کعبه معظمه و حضرت رسالت، به عزم زیارت امیرالمؤمنین مشرف شد و این منقبت بر روضه مطهره منوره آن حضرت خواند:

ای ز بدو آفرینش پیشوای اهل دین
وی ز عزت هادی بازوی توروح‌الامین
در آن شب حضرت شاه ولایت پناه را به خواب
دید که عذر خواهی او می‌کند که از راه دور و
دراز آمده‌ای و تو را دو حق است بر ما. یکی
حق میهمانی و یکی حق صلّه شعر، اکنون
باید که به بصره شوی و آنجا بازگانی است که
او را مسعود بن افلح می‌گویند. از ما سلامش
می‌رسانی و گویی که در سفر عمان در این
سال در آب، کشتی تو غرق خواست شدن،
یک هزار دینار بر ما نذر کردی و ما مدد کردیم
و کشتی و اموال تو را به سلامت به ساحل
رساندیم. اکنون از عهده آن به درآیی و از
خواجه بازرگان زرستان. کاشی به بصره آمد و
آن خواجه را پیدا ساخت و پیغام امیرالمؤمنین
به بازرگان رسانید. بازرگان از شادی چون گل
بشکفت و سوگند خورد که من این حال به
هیچ آفریده نگفته‌ام و فی الحال زر تسلیم
مولانا حسن کرد و خلعتی بر آن مزید ساخت
و شکرانه آن که فریادرس او شاه ولایت شده
دعوتی مستوفاهت جهت صالحان و فقرای شهر
بداد.»

و این همان قصیده هفت بند یا به اصطلاح متداول و درست امروز، ترکیب‌بندی است که قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین آورده است. و درباره آن نوشته: «و اکثر

فطرت را به هم پیوند دادند و به خصوص در ذکر مناقب ائمه اطهار که سابقه کهن‌تری هم داشت به صدر ادبیات فارسی و روزگار رودکی، کسائی و حکیم فردوسی و سپس سنایی و عطار و مولوی می‌کشید، پرداختند و بالاخص شرح ماجرای جانسوز کربلا را که بزرگ‌ترین مصیبت‌ها و دردناک‌ترین وقایع روزگار است، به نظم آوردند که از مشاهیر آنان می‌توان کمال الدین غیاث شیرازی، بابا سودایی ایبوردی، تاج‌الدین حسن تونی سبزواری، ابن حسام قهستانی صاحب خاوران نامه به بحر متقارب در شرح غزوات حضرت امیرالمؤمنین علی، خواجه واحد سبزواری، لطف‌الله نیشابوری، کاتبی ترشیزی را یادآور شد.

اما جز این که آورده‌ایم، از شاعران شیعی که در منقبت‌سرایی کوشش‌های پراچ کرده‌اند، از بردن نام بدرالدین قوامی رازی، شاعر نامدار سده ششم هجری که دیوانش به کوشش دانشمند فقید میر جلال‌الدین محدث ارموی به سال ۱۳۳۴ به طبع درآمده است و هم‌چنین شاعر قوی مایه حسن کاشانی آملی معروف به حسن کاشی از گویندگان بنام سده هشتم هجری ناگزیریم. به ویژه این مولانا حسن که در اصل از مردم کاشان بوده است، اما چون در آمل مازندران ماندگار شده، به آملی نیز شهرت یافته است. وی از ستایش شهریاران و بزرگان روزگار روی در کشیده و چون مذهب شیعه داشته است، بیشتر اشعارش در مناقب معصومان به ویژه حضرت علی (ع)

در پرده به صدنوا بگریید
تا شسته شود کدورت از دل
یک دم ز سر صفا بگریید
نسیان گنه صواب نبود
کر دید بسی خطا بگریید
وز بهر نزول غیث رحمت
چون ابر که دعا بگریید

و دو قرن پس از این، ملاحسین واعظ کاشفی، خویشاوند و هم‌طریقت مولانا عبدالرحمن جامی و معاصر سلطان حسین میرزا بايقرا صاحب کتاب مشهور «روضه الشهداء» را در ده باب و یک خاتمه، به روضات مختلف تقسیم کرده و در هر روضه قسمتی از مصایب وارده بر بعضی از پیامبران و معصومان پاک به ویژه حضرت سیدالشهدا (ع) و یاران گرامی آن بزرگوار را نقل کرده است. این کتاب را قدیماً در ایام عزاداری مجالس و تکایا بر سر منبر می‌خواندند، یا مطالبش را به مناسبت اوقات معین بر مستمعان القا می‌کردند و اصطلاح روضه‌خوانی از همین جاننشات یافته و متداول شده است.

از همان روزگار ملا حسین کاشفی که خود و فرزندش فخرالدین علی بن حسین از فاضلان با ذوق روزگار بودند و هر دو در مسجد جامع هرات و نیشابور و سبزواری به طور موظف به واعظی اشتغال داشتند، شعر او را باب شور و حال، به نظم آوردن موضوعات مذهبی توجه کردند و این دو بزرگ سرمایه احساس و

استادان متأخرین در تتبع آن درها سفته‌اند و به آن لطافت تا غایت چیزی نگفته‌اند.»
آن‌گاه سروده مولانا حسن را با مطلعی دیگر، جز آن چه در بالا آوردیم، و خود هم در مجالس المؤمنین به نقل از تذکره الشعرا دولت‌شاه سمرقندی آورده بود، چنین آورده است:

السلام ای سایهات خورشید رب العالمین
آسمان عز و تمکین آفتاب داد و دین
معنی هر چار دفتر، خواجه هر هشت خلد
داور هر شش جهت، اعظم امیر المؤمنین
عالم علم سلونی، راز دار لو کشف
ناطق حق، نفس پیغمبر، امام‌المتقین
مقصد تنزیل بلغ، مرکز اسرار غیب
مقطع تیله شاهد، مقطع حبل‌المتین
صورت معنی فطرت، معنی ایجاد خلق
سر اصل نسل آدم، نفس خیر المرسلین
صاحب یوفون بالندر، آفتاب انما
قره‌العین لعمرک، نازش روح‌الامین
در جهان از روی حکمت، چون جهانی در
جهان

در زمین از روی رفعت آسمانی بر زمین
مثل تو چون شبه ایزد، در همه حالی محال
ور بود ممکن، نه الا رحمة للعالمین
هر که مداحش خدا همدم رسول‌الله بود
گر کسی همتاش جویی هم رسول‌الله بود
ای به غیر مصطفی نادیده همتای تو کس
بسته بر مهر تو ایزد، مهر حور‌العین و بس
مهره مهر از گلوی صبح بر نارد فلک
گر نه از مهر تو آید صبح صادق را نفس
چیست با قدرت سپهر و چیست با رای تو مهر
آن ز قدرت مستعار و این ز رایت مقتبس
کاروان سالار جاهت، چون کند آهنگ راه
چرخ را بر دست پیش‌آهنگ بندد چون جرس
گر دل دریا مثال موج بر گردون زدی
لجه گردون برد گردان نماید هم‌چو خس
ور شکوهت را به میزان معالی بر کشند
ار ز خفت کم بیاید بوقیسی از یک عدس
آن زمان روح‌القدس گوید به مدحت آشکار
لافتی الاعلی لا سیف الا ذوالفقار
ای سپهر عصمت از فر تو زیور یافته
آفتاب از سایه چتر تو همسر یافته
بر امید مثل رویت دست نقاش ازل
نقش‌ها بر بسته لیکن چون تو کمتر یافته
باز قدرت هر کجا بال جلالت کرد باز
طایران سدره را در زیر شهپر یافته
آن که مهر مهر تو بر صفحه جان کرد نقش
مخزن دل را چو کان از زر توانگر یافته
آن که دست حاجتی بر جود تو برداشته



آفتابی کآسمان در دامن اقبال اوست
پرتوی از لمعه گوی گریبان شماس
هر کجا در مجمع قرآن عذرا آیتی است
از کمال لطف و رحمت خاص در شان
شماس
آن چه گردون را بدان چشم جهان بین روشن
است
جز دو قرصی نیست وان هم فضله خوان
شماس
هر گهر کاندر صمیم کان امکان بوده است
صورت اظهار آن موقوف فرمان شماس
درد پنهان پیش درمان چند بتوان داشتن؟
عاقلی نبود ز درمان درد پنهان داشتن

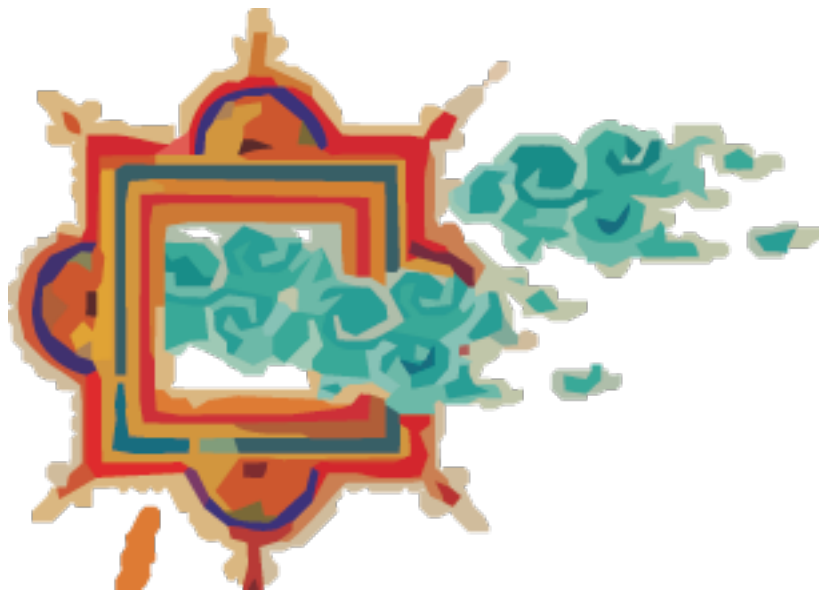
بعد از استقرار صفویان و رسمیت یافتن تشیع، زمینه ایجاد و انتشار این گونه آثار و اشعار بیش از پیش فراهم شد و بازار منقبت‌گویی و مرثیه‌سرایی و به طور کلی سرودن هر نوع اشعار مذهبی رونقی تمام یافت و دربارهای پادشاهان که تا این زمان شعر و هنر و علم و ادب را برای تبلیغ حشمت و شوکت و قدرت خویش بهترین وسیله از وسایل رسانه‌های گروهی می‌شمردند، شهریاران صفوی با اتکا به قدرت شگرف مذهب و یکپارچه ساختن مردم در وحدت آمال و آرزوها و اهداف هیچ چیز را مهم‌تر از ترویج تشیع نمی‌دانستند و حق آن است که بسیاری از ایشان با آن که از ارتکاب مناهی و ملامتی چندان دوری نمی‌جستند، با به دست آوردن قدرت و از گوشه خانقاه به سلطنت رسیدن به هر گونه که بود رعایت ظاهر را می‌کردند و حتی المقدور خود را به حسن اعتقاد و دینداری می‌آراستند و مردمی معتقد و دیندار بودند.

شاه اسماعیل صفوی مؤسس نامدار این سلسله خود را مبعوث ارواح مقدسه طاهرین می‌دانست و مکرر در مکرر می‌گفت که مرا بدین کار داشته‌اند و توفیق و ظفر را از انفاس قدسیه معصومان پاک می‌جست و در اندک مایه اشعاری که از او مانده است، به ترکی و پارسی، مدح مولی‌الموالی حضرت علی (ع) آمده است. هم‌چنین فرزند دیندار و توبه‌کار وی شاه طهماسب در رعایت آداب شرع کارش به وسواس کشید.

و نواده این هر دو، شاه عباس نخستین که چون نیا و جد در احترام بزرگان دین مجاهدت می‌کرد و قدر علمار می‌دانست و در ساخت و تعمیر مشاهد مشرفه و بقاع متبرکه امامان بزرگوار و امام‌زادگان عالی‌مقدار و بنای مساجد و بقاع و تکایا و اختصاص موقوفات بسیار برای کارهای مرضی خالق و خلق

دست خود را تا قیامت حاجت‌آور یافته
ساقی کوثر نه چندان مدح باشد مر تورا
ای ز تو دریای فطرت عین کوثر یافته
گر نبود ذات پاک آفرینش را سبب
تا ابد حواسترون بودی و آدم عزب
گر چه در عالم به اقبال تو شاها کرده‌ام
آن چه حسان گفت وقتی در زمان مصطفی
لاف مداحی نمی‌یارم زدن در حضرتت
ای ثناخوان تو ایزد بر زبان مصطفی
رفع حاجت بر تو حاجت نیست می‌دانی که
چیست

حال اخلاص من اندر خاندان مصطفی
روی رحمت بر متاب از کام جان از روی من
حرمت جان پیمبر را نظر از سوی من
ای گزیده مر خدایت یا امیر المؤمنین
خوانده نفس مصطفایت یا امیر المؤمنین
خاطر هم‌چون منی شوریده خاطر چون کند
وصف قدر کبریایت یا امیر المؤمنین
با همه بالانشینی عقل کل نابرده راه
زیر شادروان رایت یا امیر المؤمنین
گر بدی بالاتر از عرش برین جای دگر
گفتمی کآنجاست جایت یا امیر المؤمنین
مدح اگر شایسته ذات تو باید گفت و بس
کیست تا گوید ثنایت یا امیر المؤمنین
فهم انسانی چه داند عزت کار تو را
کافرینش بر نتابد بار مقدار تو را
ای که فرمان قضا موقوف فرمان شماس
دور دوران فلک دوری ز دوران شماس



شش گانه نوشته است که در مجله ارمان سال‌های چهاردهم و پانزدهم به طبع رسیده و جز غیاث‌الدین میرمیران حاکم یزد که از مداحان خاص او بوده است، ده‌ها تن از رجال و امیران و علمای عصر صفوی او را مدح گفته و نیز پادشاهان جز رکن‌الدین و جلال‌الدین اکبر پادشاه و بعضی از امرای هند را ستوده که یاد آن همه را در نوشته‌ای که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۳ در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران از ص ۸۷ تا ۱۲۳ نگاشته‌ام، از خاطر دور نداشته‌ام.

ادامه دارد..... ■

کار به بزازی مشغول بود و در شعر طبعش بد نبود. و به قول مصمصام‌الدوله شاهنواز خان در بهارستان سخن، نخست به شعر بافی اشتغال داشت و پس از آن در وادی سخن طرازی قدم زد.

محتشم ظاهراً این پیشه شعر بافی و بزازی را از پدر به ارث برده است و سپس به شاعری روی نهاده و در این فن شاگردی مولانا سلطان محمد صدقی استرآبادی کرده است. وی با شاعران روزگار خویش چون حیرتی، تونی، حالی گیلانی، مجاهد‌الدین خوانساری، امیر شمس‌الدین محمد کرمانی، میرزا اسلمان جابری اصفهانی، ضمیری اصفهانی، وحشی بافقی و بعضی دیگر ارتباط داشته و چند تن از شاعران زمان نیز شاگردی او کرده‌اند، چون میر تقی‌الدین کاشانی، صاحب خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار و ملا محمد رضا نوعی خبوشانی و مظفر‌الدین حسرتی کاشانی و ظهوری ترشیزی.

محتشم شاعری قصیده‌سرا و مدح‌گستر بود و پادشاهان بزرگی مانند شاه طهماسب و شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خدابنده میرزا، پسران شاه طهماسب و شاه عباس اول و حمزه میرزا و پریخان خانم دختر شاه طهماسب و شاهزاده صدر میرزا فرزند شاه طهماسب را در قصایدی استادانه ستوده است و هم‌چنین از آنجا که در ماده تاریخ‌سازی دستی قوی داشته است، به هنگام جلوس شاه اسماعیل دوم شش رباعی تمام ساخته که از آنها ۱۱۲۸ ماده تاریخ در سال به تخت نشستن وی استخراج می‌شود و میرزا محمد احمد و قار شیرازی فرزند میرزا محمد شفیع وصال شیرازی به خواست فرهاد میرزا عم ناصر‌الدین شاه قاجار فاضلانه در شرح استخراج این ماده تاریخ‌ها از رباعیات

مذهبی سر از پای نمی‌شناخت و همه جا خود را کلب‌آستان علی می‌گفت و می‌خواند و می‌نوشت و دیگر صفویان هم غالباً بر همین روش بودند و دست کم خیر دنیا و دین خود را در این می‌دیدند.

باری در عصر صفوی کار شعر و شاعری و رسم تألیف و نویسندگی تا حدی زیاد، گونه‌ای دیگر گرفت و از هر سوی شاعران و نویسندگانی پیدا شدند که دیگر برای ادامه کار خویش چندان به دربار و دستگاه‌های حکومتی امید نمی‌بستند و ظاهر آن است که در این دوره به مناسبات عدیده، اهل فضل و ذوق و کمال هم در میان مردم بارفاه نسبی که پدید آمده بود بیشتر شدند و شعر و سخن بیشتر در میان مردم عادی راه جست و شاعر و نویسنده خردک خردک به مسایلی که مورد علاقه همگان بود، توجه نمود و یکی از مهم‌ترین این مسائل، توجه شدید مردم به مذهب بود که دستگاه حکومت هم خود را پایبند آن قلمداد می‌کرد. از همین زمان است که دیوان‌ها و کتب در مناقب معصومان، مرثیه‌های شهیدان کربلا و فضایل و بزرگ‌منشی‌های پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) طاهرین پرداخته شد ولی بسیاری از این آثار و اشعار فاقد جنبه ادبی و مستندات تاریخی است و نمی‌توان آنها را در زمره ذخائر گرانبهای ادبی زبان فارسی به حساب آورد.

با ظهور مولانا محتشم کاشانی فرزند خواجه میراحمد که از خاندانی متمکن از مردم کاشان و نراقی‌الاصل بود، مرثیه‌سرایی جانی تازه یافت و این شاعر نامدار با سرودن ترکیب‌بند دوازده‌بندی مشهور خود معروف‌ترین و پرآوازه‌ترین مرثیه‌سرای ادب فارسی شد.

وی بنا به نوشته‌های میرزای صفوی در ابتدای

به سان زمزم

م. مؤید

دلیم برآمده در جستجوی حضرت صادق
 که باز تازه کند جان ز بوی حضرت صادق
 مدینه در حرم شوق تا نماز بخواند
 از این نماز که خوانم به کوی حضرت صادق
 فرشتگان خدا را به استماع ببینید
 به منبری که بود گفتگوی حضرت صادق
 ششم امام که باشد ضمیر عالم و آدم
 وصال آینه‌ها روبه‌روی حضرت صادق
 تمام فقه بود و امدار مکتب فضلش
 کمال عشق بود راز گوی حضرت صادق
 روایتی است کرامت از آن وجود مکرّم
 حکایتی است شفاعت ز خوی حضرت صادق
 پیمبران نرسیدند بر مقام نبوت
 که جرعه‌ای نزدند از سبوی حضرت صادق
 به سان زمزم و تسنیم و سلسبیل روان است
 علوم آل محمد ز جوی حضرت صادق
 ز کهکشان فضیلت طنین فکنده به عالم
 خروش عدل علی از گلوی حضرت صادق
 قیام علمی او چون قیام سرخ حسینی
 فکنده لرزه به کاخ عدوی حضرت صادق
 کمر به کشتن او بست دشمنش چون نظر کرد
 که هست غالب دل‌ها به سوی حضرت صادق
 فرشته جسته تقرب، بهشت یافته رونق
 به قطره قطره‌ی آب وضوی حضرت صادق
 بود تجلی والشمس ز آن جمال مبارک
 بود مفسر واللیل روی حضرت صادق
 چراغ راهنمای بشر به عالم تو حید
 همیشه وقت بود گفتگوی حضرت صادق
 کتاب جابر حیان حدیث فضل مفضل
 یکی است ز آن همه راز مگوی حضرت صادق
 اگر به علم در خشد کی آفتاب گرفته
 ز راه ذره‌ای از مهر روی حضرت صادق
 هشام حشمت علمی گرفته از حشم او
 که کرده تر لب جام از سبوی حضرت صادق
 بگو فلاسفه را تا برای درک حقایق
 نهند رو به ره مهرپوی حضرت صادق
 نماز پایهی دین است و بود لحظه‌ی آخر
 نماز حرمت آن گفتگوی حضرت صادق
 بخوان دعای فرج را به آرزوی اجابت
 که بوده صبح فرج آرزوی حضرت صادق
 گدعاست برای فرج بیا که بخوانیم
 خدای را همه بر آبروی حضرت صادق
 قلوب شیعه حریمش بود ولی به بقیعیش
 دل شکسته کند جستجوی حضرت صادق
 مبین به قبر خرابش، بین که چشمه‌ی خورشید
 بجوشد از افق خاک کوی حضرت صادق
 خدا کند که صبا بر مشام ما برساند
 شمیمی از حرم مشکبوی حضرت صادق
 خدا کند من آلوده باز هم چو مؤید
 سر نیاز بسایم به کوی حضرت صادق

روز غم

حبیب‌الله چایچیان
 امروز روز حزن و ملال محمد است
 از غم گرفته شمس جمال محمد است
 آمد فرود ضربت دیگر به قلب او
 زیر اوقات صادق آل محمد است

قرآن بدون جلد

حبیب‌الله چایچیان
 حضرت موسی بن جعفر گفت با اطرافیان:
 در همان منزل که صادق داد مظلومانه جان
 تا سحر هر شب چراغ حجره‌اش روشن کنید
 راضی از این کار قلب داغدار من کنید
 جای دار د گویم اکنون ای امام هفتمین
 این زمان آرامگاه حضرت صادق بین
 آن حریم بی‌چراغ و خلوت بی‌زائرش
 چون کلام‌الله بی‌جلد است قبر طاهرش
 بارگاه آن جناب از کینه‌ی دشمن خراب
 روز و شب در معرض باران و باد و آفتاب
 در شگفتم دشمن آیا شرم از زهرانکرد
 کاین بنای علم و تقوی را چنین ویرانه کرد؟
 می‌کشد غیرت مرا ای حجت ثانی عشر
 تا به کی مظلوم و بی‌کس عترت خیر البشر
 دشمن از هر سو به قصد محو قرآن در کمین
 العجل ای مجری عدل خدایی در زمین
 تا به کی در انتظارت چشم یاران اشکبار
 بی‌توای دل‌بند زهر اشد خزان صدها بهار
 شیعه‌ی مضطر دعاگویت بود «امن یجیب»
 العجل ای منجی عالم که پایان شد شکیب
 العجل ای چشمه‌ی فیاض و لطف دائمه
 این تویی تنها تسلی بخش قلب فاطمه
 من «حسانم» ریزه‌خوار خوان احسان توام
 هر کجا در سایه‌ی لطف تو مهمان توام

استاد دانشگاه دین

حبیب‌الله چایچیان
 از درد می‌پیچم به خود، حال من ای مادر بین
 افتادم از پا عاقبت، از جور منصور لعین
 یا فاطمه زهر جفا سوزد سر پای مرا
 گیرد قرار از یاد تو این قلب مسموم حزین
 از درد جانم بر لب است پایان عمرم امشب است
 فرزندم! ای موسای من، یک دم کنار من نشین
 بعد از پدر برهان تویی، مولای انس و جان تویی
 جان من و قرآن تویی هستی امام هفتمین
 یارب چه خوش باشد اگر هنگام جان دادن پدر
 فرزند خود گیرد به بر، در لحظه‌های واپسین
 آه از حسین و اکبرش، بر نیزه سرگردان سرش
 و آن غرقه در خون پیکرش افتاده بر روی زمین
 گرید جهان از یاد او و غصه‌ی سجاد او
 آن زاده‌ی آزاد او در بندهای آهنین
 آه از حسین و اصغرش، آن گل‌عذار پرپریش
 در پیش چشم مادرش گهواره‌اش خالی بین
 پراشک رحمت ابر او، پر لاله لاغ صبر او
 خاک حریم قبر او مهر نماز مؤمنین
 عشق حسینی‌ها «حسان» از درس‌های صادق است
 باشد رئیس عاشقان استاد دانشگاه دین

چنان که شیعی پاک تو رفت بین تنور
ز سینه ناله بلند است در مصیبت تو
خدا ز یاد نماید عذابت ای منصور!
خدا کند که نبینند این که قبله‌ی شهر
چنین به نیمه‌ی شب می‌کند ز کوچه عبور
ولی چه خوب به تشییع، مردم آمده‌اند
و باز می‌رسد آوای کربلا از دور:
سری به نیزه بلند است در برابر زینب
تنی نمانده به جازاز هجوم سم ستور
ولی هنوز نمرده است نام و راه حسین
خوش آن که نام نویسیم در سپاه حسین



شقایق

جواد محمدزمانی
چه شد که در افق چشم خود شقایق داشت
مدینه‌ای که شب پیش صبح صادق داشت
میان حوزه‌ی علمیه اختلاف نبود
که بهر رحلتش استاد، میل سابق داشت
و تا همیشه دگر بی‌مراد می‌مانند
چهار هزار مریدی که مرد عاشق داشت
به سمت مغرب اگر رفت عمر خورشیدش
هزار قلعه‌ی پرنور در مشارق داشت
چه باشکوه، غم خود به دل نهمان می‌کرد
چه شکوه‌ها که از آن فرقه‌ی منافق داشت
به غیر داغ محرم گلی ز باغ نجید
چقدر روضه‌ی گودال در دقایق داشت
خلیل بود ولی آتشش سلام نشد
همان که در نفسش، عطری از حدائق داشت
هزار طائفه آمد هزار مکتب رفت
و ماند شیعه که «قال الامام صادق» داشت
سخن به محضرش این است ای حقیقت علم
ندیده چشم زمانه طلوع این همه حلم
کدام بغض گلوگیر در پگاهت بود؟
که رو به پنجره‌ی آسمان نگاهت بود؟
هنوز در تب شمشیر علم و حکمت توست
حریم مدرسه‌هایی که رز مگاهت بود
گواه گفته‌ام این نخل‌ها که هم‌چو علی
شب مدینه پر از بغض سر به چاهت بود
نماند جز گل لاله به باغ ابراهیم
که بین خانه فقط شعله‌ها پناهت بود
چنان به نیمه‌شب می‌شکست حرمت او
که قلب دشمن تو نیز عذر خواست بود
چه خوب بود اگر دست کم سه شمع و ضریح
به قبر ساده‌ی ارواحنا فداست بود
برای غصه‌ی تو کاش جای صبری بود
و دست کم به مزار تو سنگ قبری بود
نوشته است به قرآن و پیش از آن به زبور
که ارث می‌برد این خاک را قبله‌ی نور
مگر نداده بشارت خدا که فرزندان
کند قیام و سپس در ره است نفخه‌ی صور
مطیع منتقم خاندان پاک توام

کوه عشق

محمد جواد شرافت
دلی که زنده نباشد دلی که عاشق نیست
برای دم زدن از کوه عشق لایق نیست
دروغ بوده دروغ ادعای عاشقی ام
مرا لیاقت مدح امام صادق نیست
چرا که در دل آتش نمی‌رود دل من
بهانه جو شده، با این عمل موافق نیست
زالال حکمت او چشمه‌سار پاکی هاست
ولی چه حیف دلم تشنه‌ی حقایق نیست
خدا کند که ببینم به چشم خود روزی
دلم به عشق دچار است و مثل سابق نیست



بخش دوم

ضرورت ایجاد مدرسهٔ مدح و مرثیه

گفت و گو و نشست سهیل محمودی، استاد ابراهیمی و علیرضا پور امید درباره وضعیت مرثیه خوانی

اجرای گوشهٔ حزن آلود و حسرت ناک غزلی با شعر سعدی پرداخت که در ۸۲ سالگی تسلط ایشان بر حنجره و کنترل تارهای صوتی شگفت‌آور بود.

گفته بودم چو بیایی غم دل با تو بگویم چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی این یک قطعه از آواز مذهبی است که می‌توانند فراگیرند و اجرا نمایند، مثل این گوشه مهجور حداقل ۲۰ تا دیگر هم هست و برای چند سال آنان کفایت می‌کند.

پور امید: اجراها دچار کمبود تنوع است و برای رفع آن چقدر به ملودی پردازان و آهنگسازان نیاز داریم؟

استاد ابراهیمی: اگر آهنگ‌سازان قطعاتی بسازند و بتوانند به خواننده‌ها بیاموزند، خیلی خوب می‌شود و با استفاده از سازهای بادی مثل کلارینت (قره‌نی)، فلوت، نی و یا شیپور ...

پور امید: سازها و اجرا با سازها منظوم نیست

جوانی که گاهی لباس شیک و گاهی معمولی می‌پوشید.

سهیل محمودی: ایشان نام‌شان آقای تهرانی بود؟

استاد ابراهیمی: بله، بله، آقای تهرانی. پور امید: فکر می‌کنید جدا از وظایف اوقاف و ارشاد که فرمودید، باید عمل کنند، شما برای آموزش خوانندگان مذهبی و تعلیم ایشان آمادگی دارید؟

استاد ابراهیمی: حقیقت این که اگر چند تن از آنها بیابیند و حاضر و مصمم باشند که کار آوازی به ویژه آوازهای مغموم و مهجوری که خیلی گریه‌آور است دنبال کنند، تا حدی که می‌دانم همه را به آنان خواهیم آموخت.

پور امید: استاد به صداسازی در آواز (مذهبی یا غیر مذهبی) چقدر اعتقاد دارید؟

استاد ابراهیمی: معتقدم صداسازی امروزه بیشتر یک دکان است ولی صداسازی در اصل همان کنترل صداست. (استاد در این جا به

بخش دوم گفت و گو با استاد احمد ابراهیمی (۱) که در پی مقدمه از نظر گرامی‌تان می‌گذرد، بیشتر بر محور سخنان استاد سهیل محمودی است و البته قسمت پایانی در شمارهٔ بعدی درج خواهد شد ولی کماکان این بحث را با اهالی فن و صاحب‌نظران دنبال خواهیم کرد.

استاد ابراهیمی: ... در سال‌های قبل از انقلاب، سید جواد ذبیحی خوانندهٔ خوبی بود، اما آن‌چه را که می‌خواند، خودش نمی‌دانست که چه گوشه‌ای است که می‌خواند و بعضی را هم درست نمی‌خواند و اینها در منزل آقای عنقا- شاعر و سرسلسلهٔ درویش اویسیه- که من می‌رفتم آنجا و با آنها کار می‌کردم تا قبل از انقلاب. بعد از انقلاب عکسی و فیلمی نشان دادند و گفتند که مدرسه‌ای را به نام شهید اندرزگو باز کرده‌اند. وقتی من نگاه کردم، دیدم همان جوان است که قبل از انقلاب نزد من می‌آمد ولی نامش اندرزگو نبود و نام دیگری داشت. همان



صدا و سیما هم به زعم خود، بهترین مجالس را به تصویر می کشد. در حالی که اشکال در پخش همین کارهاست، یعنی یک اختلاف اساسی در مقوله سلیقه و عنصر زیباشناسی وجود دارد، چرا که به جهت کمی و تعداد پخش مجالس، روضه ها و مداحی ها، نمره بالایی می گیرد، اما تأثیر در حداقل قرار دارد.



نقاط دیگر ایران هم شخصیت های شاخص داریم که از نسل میانه هستند. به این مفهوم که هنوز صداها ایشان جاندار و جلوه دار است. هنوز هم می توانند مجلس گردانی کنند. یعنی نه آن قدر جوانند که بگوییم به پختگی نرسیده اند و نه آن قدر سن و سال شان بالا رفته که فکر کنیم نفس ندارند و صدایشان به اصطلاح ویزگی مجلس گردانی ندارد. یکی هم پخش نغمه ها و نوحه های اصیل؛ کار مرحوم آقا سید اسماعیل چاووشی یادم هست و مرحوم حسن آقا دولابی که تقریباً دو سال است مرحوم شده و مرحوم عباس زرییاف که کمتر از ده سال است فوت شده اند که اینها وقتی منبر می رفتند، مثلاً حسن آقا دولابی در سنین کهنسالی وقتی می خواند، صدا، صدای پیر مردی ضعیف بود اما مناسب خوانی می کرد. بیست سال غزل صائب را و از هر کدام دو سه بیت را برای آغاز منبر می خواند و یا شاهد یک غزل انتخاب می کرد و می دانست برای شوشتری مناسب است و خیلی از منبرها با شوشتری آغاز می شد و ۲۰ شاهد مثال برای هر غزل می آورد و جمعاً ۵۰ بیت خوانده می شد و مخاطب را به شغف وادار می کرد و تازه این مقدمه ای بود تا این که وارد روضه شود. و یاد در شب های احیا و قدر می دانست باید ماهور یا چهارگاه بخواند. البته بنده در بخش موسیقی اش اظهار نظر نمی کنم، اما

نمونه های موفق در آن اجرامی شود، دو کار می توانند بکنند. یکی این که تولید کنند و دیگر این که از آن چه بیرون اتفاق می افتد، استفاده کنند و در نهایت در حوزه تبلیغ استفاده شود. این را به عنوان کارشناس رسانه و فردی که سابقه ۲۹ ساله در رادیو و مطبوعات دارد و عمری را سپری کرده می گویم. معتقدم مهم ترین بخش در حوزه تبلیغات که شفاهی هم هست می تواند خود رادیو و تلویزیون باشد و بهترین وسیله برای الگوسازی و نمونه سازی موفق شود. مادر سال گذشته در رادیو پیام انواع و اقسام روضه ها و نوحه ها را پخش کردیم و همه احتیاجها را در نظر گرفته بودیم. چه در حوزه ادبیات یا صحت روایات و چه در حوزه آواز و صدا و نغمه و لحن. دو سال است که در ایام محرم و روزهای ۱۹، ۲۰ و ۲۱ ماه رمضان به برخی کارهای شایسته اشاره و تعدادی کارهای محدود عرضه می شود. مثلاً صدای حاج آقای کوثری، یا آقای بخشوو یا صدای آقای ناخدا که از خوانندگان طراز اول در منطقه بوشهر و دشتستان هستند و تعدادی جوان تر که اینها را باید حتماً جدی تر بگیریم. چرا که خواننده هایی موجه و ارجمند داریم مثل حاج آقا سازگار، حاج آقا ماه رخسار در مشهد، آقای علی انسانی در تهران، حاج اسماعیل اخباری در کاشان، احمد آقا مراتب در اصفهان و در

بلکه ضعف ملودی ها را اشاره می کنم. به عنوان مثال دقت کنیم در مراسم عز و شادی یک ملودی واحد می شنویم، با این تفاوت که در هنگام عز و ماتم، در سر ضرب ها سینه می زنند ولی در هنگام سرور و شادی در سر ضرب ها دست (کف) می زنند.

استاد ابراهیمی: درست است. اینها باید زیر نظر شورایی صلاحیت دار که در ارشاد یا اوقاف دایر می شود، اداره شود و یک خواننده خوب هم بالای سرشان نظارت کند و شعر خوب داشته باشد. مثلاً شعر فائز برای عزاداری خوب نیست.

پورامید: جناب آقای محمودی شما به جهت تنوع ارتباطات و تعدد همکاری با رسانه ها و اشرف بر حوزه های گوناگون، بیشتر و بهتر از بنده می توانید وضعیت مداحی و روش ها و شیوه ها و هر آن چه ارایه می شود، تشریح کنید و این که آیا این کار مطلوب است؟

سهیل محمودی: نظر اولیه من این است که روش های سلبی را نمی پسندم و معتقدم رفتارهای سلبی هیچ وقت نتیجه خوب نمی دهد. حالا چه در امور اجتماعی و چه در امور اخلاقی یا تبلیغی و... نتیجه نخواهد داد و اعتقاد من این است که الگوسازی های ایجابی انجام دهیم و برای این کار بزرگترین رسانه رادیو و تلویزیون است، یعنی اینها با آریه ی نمونه های موفق و پخش مجالسی که



می‌آمدند. از جوانان و جوان‌ترین‌هایش من بودم که مستمع آزاد شرکت می‌کردم و آقای محمد اصفهانی که هنر جوی جدی بودند و آقای حسام‌الدین سراج و سید عبدالحسین مختاباد که از همه جوان‌تر بود. یک بخش هم ذاکرین بنام بودند، مثل آقای حلمی که به عنوان یکی از صداهای خوب، کم‌نظیر و مسلط به ظرائف آوازی معروفند. در همین تهران جناب آقای محسن حسن‌زاده که شنیده‌ام کسالت دارند و خداوند به سلامت دارد او را که خواننده خوب مذهبی بودند، یعنی می‌دانستند در مجلسی اگر یک شعر مذهبی فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن دارد باید یا مثنوی سه‌گانه بخواند یا مثنوی افشاری. و دیگری آقای حاج علی‌فرهانی که امسال در موسم حج آوازهای دعای کمیل و دعای عرفه را ایشان می‌خواند و یا سید محمد حسینی از خوانندگان خوب کرج و نیز آقای حسن زمانی باز در کرج و... اینها مجموعه‌ای بودند که آموزش دیدند و مؤثر بوده و هستند. این کارها را کجا و کدام ارگان باید انجام دهد؟ یا مرکز موسیقی وزارت ارشاد، یا مرکز حفظ و اشاعه که زیرمجموعه صدا و سیماست یا حوزه هنری سازمان تبلیغات و...

نظرم این است که ما بیشتر از این که کار سلبی می‌کنیم، باید کار ایجابی انجام دهیم، و مرکزی در صدا و سیما ایجاد شود تا برای بخش این‌گونه آثار تصمیم گرفته و راهبردی حرکت کند.

ادامه دارد.... ■



ناصر مسعودی یعنی استاد حسین صبحدل مرکز نغمه‌های مذهبی را اداره می‌کرد. مرکزی که خیلی هم بخشنامه‌ای نبود و کارهایش سلبی نبود. استاد صبحدل بسیاری از جوانان مستعد را جلب کرده بود. برخی امروز از بهترین خواننده‌ها هستند و برخی از خوشنام‌ترین ذاکران محسوب می‌شوند. این مرکز پس از این که استاد شجریان کلاسش به دلایلی در رادیو و تلویزیون تعطیل شده بود، به شکلی دووجهی عمل کرد، یعنی هم ذاکران را آموزش می‌داد و هم خوانندگان آواز را که هفته‌ای یک یا دو روز استاد صالح عظیمی

مثلاً از شاعران معاصر و هم‌روزگاران مثل صابر همدانی و رنجی‌تهرانی یا خوشدل‌تهرانی پایین‌تر نمی‌آمد، چه رسد به این که قصیده‌عرفی یا قصیده‌های از سروش اصفهانی یا خاقانی بخواند.

نمونه بارز دیگر احمد آقا شمشیری است. یک کتابی حاج آقا مهدی آصفی که از ذاکرین با معرفت سیدالشهداست جمع‌آوری کرده به عنوان نواذر شمشیری. احمد آقا شمشیری که شعر نمی‌گفت بلکه این کتاب، حاوی شعرهایی بود که از شاعران گرفته و در بیاضش نوشته بوده است. بهترین شعرها، قصاید و مسمط‌های احمد آقا خوشدل را در آن می‌بینید. بهترین اشعار شمس اصطهباناتی یا شکیب اصفهانی یا صغیر اصفهانی، بهترین قصاید آنان را در آن مشاهده می‌کنید. در قدیم وقتی کسی می‌خواست بگوید من منبرم شکوه دارد، می‌گفت گوش کن ببین صغیر چه گفته. وقتی می‌خواست منبرش اوج بگیرد و مجلس را در دست بگیرد، یا متوجه کند و تمرکز ایجاد کند، بدین وسیله مجلس ساکت می‌شد و توجه ایجاد می‌شد و این بخش‌ها امروزه فراموش شده و یا استفاده نمی‌شود و یا حداقل این که دیده نمی‌شود.

پورامید: جناب محمودی! اینها که فرمودید، در حوزه ادبیات است و محاسن قدما و معایب امروز‌یان. در ضمن گفتید که صدا و سیما می‌تواند بهترین دانشگاه باشد و بنده نیز معتقدم اما آن چه دیده می‌شود، آن است که صدا و سیما هم به زعم خود، بهترین مجالس را به تصویر می‌کشد، در حالی که اشکال در بخش همین کارهاست، یعنی یک اختلاف اساسی در مقوله سلیقه و عنصر زیباشناسی وجود دارد، وگرنه گویا صدا و سیما به همین توصیه شما عمل می‌کنند، چرا که به جهت کمی و تعداد بخش مجالس، روضه‌ها و مداحی‌ها، نمره بالایی می‌گیرد، اما تأثیر در حداقل قرار دارد و قطعاً اشکال به کیفیت آثار بازی می‌گردد.

سهیل محمودی: عوام‌زدگی رایج است. متأسفانه در سال‌های ۶۰ و ۶۱ یکی از هم‌دوره‌های زنده‌یاد محمودی خوانساری و یا استاد

(۱) استاد احمد ابراهیمی متولد ۱۳۰۵ است و کهنسال‌ترین معلم آواز ایران محسوب می‌شوند که بیش از پنج دهه سابقه تدریس دارند.

عمر آمد و عدم عزاشد

بخش دوم

بود. پرچم‌ها مثلثی یا مستطیل شکل بود. پرچم‌های مثلثی را به یک چوب و پرچم‌های مستطیل شکل بلند را به دو چوب وصل می‌کردند. هر پرچم را دو نفر به نمایندگی دسته، پیشاپیش آن حرکت می‌دادند.

روزهای تاسوعا و عاشورا مانند اغلب بچه‌ها و مردها سر و روراگل می‌مالیدم، کشکولی حلبی پر از آب خنک در دست می‌گرفتم و در کوچه و خیابان راه می‌افتادم و به بانگ بلند می‌گفتم: «آب یخ» و به یاد لب تشنه سالار شهیدان، تشنه لبان را سیراب می‌کردم. تشنه لب ابتدا سر بالا می‌کرد، سلامی بر حسین و لعنتی بر یزید می‌فرستاد، آن‌گاه آب را می‌نوشتید. شنیده بودم این کار ثواب دارد و می‌دانستم که در ثواب این سلام و لعنتی که تشنه لب می‌فرستد، سهمیم خواهیم بود.

از یکی از این ایام خاطره ماضی هم دارم. طبق معمول همه عاشوراها قرچین سیاهی سرم گذاشته بودم و صورت‌م را گل مالیده بودم و پابرهنه، علامت در دست، در ابتدای دسته در سر سراه حمام چال و امامزاده زید منتظر عبور دسته‌هایی بودیم که از سمت چپ به امامزاده می‌آمدند. نمی‌دانم چه شد که با رسیدن دسته‌ها به هم، ناگهان شلوغ شد. جمعیت فشار آورد و ژاندارم درشت‌هیکلی را که بالباس ژاندارمی و پوتین‌های کت و کلفت جلوی من بود، به شدت عقب راند. پوتین‌های زمخت ژاندارم مثل پتک روی ناخن‌های پای چپم فرود آمد. چنان فریادی زدم که یادم هست در آن شلوغی و غوغا، همه سرها به طرف من برگشت. پوتین ژاندارم شست پایم را حسابی له کرده بود. ناخن این انگشت سال‌های سال مایه عذابم بود و سرانجام کارم به جراحی کشید. ■

جای آن دیده می‌شود. خیمه‌ها و خرگاه‌ها. همه را می‌بینم، خود را در بین آنها احساس می‌کنم. خیمه‌ها را در غروب روز عاشورا به آتش می‌کشند و اهل حرم، مردان و پسرانی در نقش زنان، نوحه‌سرای می‌کنند و خاک و کاه بر سر می‌ریزند. گر می‌آتش را حس می‌کنم، ضجه و زاری جمعیت را می‌شنوم، پرهای کاهی را که مشت مشت بر سر جمعیت می‌ریزند، بر پوست سر احساس می‌کنم. . . . قافله شترها را که بعضی از اسیران بر آنها سوارند، بدون محمل و کجاوه، با نگاه بدرقه می‌کنم. از پی‌شان می‌روم، همراه با نخل که به اطراف آن قالیچه‌ها و فانوس‌های کوچک آویخته‌اند، یک عمامه سبز هم روی هرم پیشرو نخل است، عمامه حضرت امام حسین (ع).

منبر بزرگ چوبی که طبقاتش به شمع آراسته شده و مردم به قصد بر آوردن حاجات خود به آن قفل و دخیل می‌بندند. . . . پیکرهای شهدا روی تابوت‌ها، اشقیبا با زره و چکمه، کلاه خود به سر، سرها از تن جدا و تیرها بر پیکرهای بی‌سر. اینها را دسته عرب‌ها در خیابان ناصریه (۱) به میدان آورده‌اند. شکوه و جلال تکیه دولت را در پیش رو دارم، تکیه‌ای که می‌گویند در زمان ناصرالدین شاه جلالی دیگر داشته، ساختمان سه طبقه‌ای که سقف آن را با یک چادر بزرگ پوشانده‌اند. دور تا دور این تکیه در سه طبقه اتاق‌هایی با سردرهای هلالی و آجری جدا جداست، مخصوص شاهزادگان و بزرگان شهر، و غرفه‌ای هم مخصوص شاه، وسط صحن تکیه دولت. سه چهار پله بالاتر از صحن، سکویی است که محل اجرای تعزیه و روضه‌خوانی است. یک منبر چند پله‌ای برای روضه‌خوان‌ها از سنگ مرمر کنار دیوار گذاشته‌اند. . . . (۲)

علم‌ها انواع و اقسامی داشت، هم از حیث شکل و قطع و اندازه؛ و هم از حیث شعار یا نوشته‌ای که بر آنها نقش می‌شد: یا حسین - یا حسین مظلوم - یا سالار کربلا - یا ابوالفضل - یا فاطمه زهرا، با تصاویر زرد دوزی شده صحنه‌های کربلا، دست‌های بریده حضرت ابوالفضل، ذوالجناح، خیمه‌ها، شمشیرها. بر پرچم هر محل نام حسینی‌ها یا نام محل قلاب دوزی شده

ادامه خاطرات استاد عبدالرحیم جعفری از مراسم عزاداری در ماه محرم ۹۷ سال پیش «اینها را می‌بینم. . . . از پیش چشم رژه می‌روند، با همان آیین، با همان تشریفات، با همان صورت در ابعادی و سنی بزرگتر از واقع.

لات‌های معروف و نایب محله را که انگشت‌نمای خاص و عام بودند می‌بینم، باریش و صورت‌های نتراشیده و سرهای تراشیده، سراپا سیاه پوشیده، قیافه‌های هولناکی که نرمی و رقت پذیرفته‌اند، خاکسار شده‌اند، مردم‌آزایی را به رضای دل و به نشان صدق و ارادت به اهل بیت عصمت و طهارت کنار گذاشته و حافظ نظم و ناموس محل شده‌اند!

روضه‌خوان‌ها را می‌بینم، سوار بر الاغ‌های بندری، با جلوداران‌شان که شب‌هنگام فانوس به دست، با گام‌های پرشتاب در پیشاپیش مرکب آقا می‌دوند و روضه‌خوان را با شتاب به مجلس روضه بعدی می‌برند. پرچم‌ها و علم‌های سیاه و قلاب‌دوزی شده را می‌بینم و فانوس‌هایی را که به نیت روشن کردن شب‌های تاریک دشت کربلا تا صبح بر سر در بعضی خانه‌ها روشن‌اند. رقابت شبیه‌خوان‌های دسته را می‌بینم، دسته ترک‌ها، دسته چاله‌میدان، دسته قزاق‌خانه، دسته بارفروش‌ها. . . . اسب‌ها را می‌بینم با کفن‌های سفید و خونین که چندنی قلیان را رنگ قرمز زده‌اند به نشان تیرهایی که به بدن‌شان اصابت کرده، به جای جای بدن‌شان چسبانده‌اند، در نقش اسب شهدا و با پوشش‌های الوان در نقش مرکب اشقیبا.

حجله قاسم و دست‌های بریده ابوالفضل، سرهای بریده شهدای کربلا که بر بالای نیزه‌ها کرده‌اند و گروه زنان و کودکان اسیر کربلا که سراپا سیاه‌پوشند و به شام و بارگاه یزید برده می‌شوند. شیری که بر طبقی نشانده‌اند و با دست خود کاه بر سر می‌ریزد. فضا که سیاهپوش است و راه می‌رود و دست بر سر می‌کوبد.

کلاه خودها که با پرهای شتر مرغ تزیین شده‌اند. تابوت‌هایی که رویشان کفن سفید خونین انداخته‌اند و از همان تیرها در جای

۱. خیابان ناصریه امروز به نام خیابان ناصر خسرو معروف و مشهور است.
۲. چند سطر از خاطرات استاد را که درباره مادر بزرگوارشان بود و اعتقاد و ایمان آن مرحومه به ائمه اطهار و به ویژه حضرت امام حسین (ع) و . . . به دلیل صرفه جویی در مطالب حذف کردیم.

جایگاه واقعی تعزیه در اعتقادات مردم است

پرونده تعزیه (۲)

هائیه خاکپور

اشاره: تعدد عناصر فرهنگی در ایران فرصت مناسبی را در اختیار پژوهشگران می‌گذارد تا به بررسی ابعاد مختلف این عناصر و سیر تحول و تغییرات آن بپردازند. یکی از این عناصر ارزشمند فرهنگی، تعزیه و شبیه خوانی است که طی سالیان جایگاه خود را در فرهنگ ایرانیان حفظ کرده است. تعزیه یا شبیه‌خوانی، نوعی نمایش مذهبی و سنتی ایرانی شیعی و عمدتاً درباره شهادت امام علی(ع) و امام حسین(ع) و مصائب اهل بیت است.

درباره این میراث کهن که دو ویژگی «پارسی بودن» و «شیعی بودن» را در رأس خود دارد و آنچه در گذر زمان بر تعزیه رفته، با لاله تقیان، پژوهشگر تعزیه و مسئول پیگیری ثبت پرونده تعزیه در یونسکو، به گفت و گو نشستیم:

■ آیا هر میراثی از گذشته شایسته حفظ شدن است و اساساً چرا باید به دنبال حفظ تعزیه باشیم؟

خیر. هر چیزی که از گذشته باقی مانده، الزاماً میراث فرهنگی نیست و طبیعتاً حفظ آن ممکن است به صلاح نباشد.

اما در مورد تعزیه نباید فراموش کرد که تعزیه «آیین» است ضمن آنکه تعزیه در ایران و به ویژه در منطقه آسیا جزو آیین‌هایی است که مشابهی ندارد و چون مشابه ندارد، ارزشمند است و باید آن را به نحوی حفظ کرد که یکی از راه‌های حفظ آن می‌تواند ثبت در سیستم جهانی یونسکو باشد. برای اینکه اگر روزی تعزیه در یونسکو ثبت شود، آنها برای حمایت و نگهداری از آن کمک‌های مالی خواهند کرد.



ارتباط جمعی دیگر داریم و فرصتی برای اینکه تنها تفریح و سرگرمی مردم تعزیه رفتن باشد، البته دیگر وجود ندارد، زیرا زندگی در ایران مدرن و همه چیز آن عوض شده است.

■ آیا موافق هستید که تعزیه در دوره کنونی در جایگاه خودش قرار نگرفته است؟

البته جایگاه واقعی تعزیه اعتقاد مردم است، اما اینکه کسی در دوره کنونی برای تعزیه سرمایه گذاری نمی کند تا سر و وضع آن درست شود، بحثی دیگر است و به کارکرد تعزیه ربطی ندارد.

آن یک بحث فرهنگی است مربوط به اینکه از زمانی که تشکیلات اداری در ایران قدرتمندتر شده است، هیچ سازمانی به تعزیه نگاه جدی نداشته است و برای احترام به یک چنین هنر یکتایی کار بنیادی نکرده است.

البته ما پیشنهادهای هم دادیم. مثلاً خود من در سال ۶۶، در سرمقاله شماره اول مجله نمایش پیشنهاد دادم بنیاد تعزیه در ایران درست شود تا بتواند به طور مستقل به تعزیه رسیدگی کند.

از آن موقع تا حالا بیش از بیست سال گذشته است، اما هیچ کس به آن وقتی ننهاده. بارها این موضوع در مقالات و سخنرانی های متعدد گفته شد، اما هنوز هم هیچ کس حاضر به سرمایه گذاری در این کار نشده است.

■ آیا نگرانی از بابت از بین رفتن تعزیه وجود دارد؟

خیر؛ تعزیه جای خودش را دارد. چنانکه حتی در دوره پهلوی هم که با تعزیه مخالفت می شد، تعزیه از بین نرفت و وجود داشت و تا امروز راه خودش را ادامه داد.

با این حال امروز این نگرانی بوجود آمده که تعزیه از راه اصلی اش منحرف شده است. به دلیل اینکه تعزیه خوان های امروزی، جدا از تعزیه خوانی منبع درآمد دارند و در نتیجه اگر پیش بیاید، تعزیه می خوانند و اگر هم پیش نیاید، نگران نیستند.

در چنین شرایطی تعداد تعزیه خوان های حرفه ای که جز از راه تعزیه خوانی زندگی نمی کنند، بسیار کم است.

لذا این نگرانی پیش آمده که این هنر به صورت حرفه ای در معرض خطر قرار بگیرد، بدان معنی که تعزیه از معیارهای اصلی اش منحرف شود نه اینکه از بین برود. زیرا تعزیه از بین نمی رود همان طور که دین و ایمان از بین نمی رود.

■ شما برای حفظ تعزیه، مستقل از ارگان های دولتی کاری انجام داده اید؟

ما همه تعزیه خوان ها را جمع کردیم و از آنها

نداشتند و به آن به عنوان یک هنر روستایی نگاه می کردند. اما اواخر دوره پهلوی عده ای از کارشناسان متوجه شدند که تعزیه هنر مهمی است و در جشن هنر شیراز که اواخر دوره پهلوی برگزار شد، سمینار بزرگ بین المللی با موضوع تعزیه تشکیل شد که دانسته های اکنون پژوهشگران تعزیه ما، تا حد زیادی از آنجانشات می گیرد. زیرا همه آن سخنرانی ها توسط آقای چایکوفسکی تبدیل به کتاب شد و با عنوان «تعزیه، هنر پیشرو ایران» توسط آقای حاتمی ترجمه شد.

امروزه این نگرانی پیش آمده که این هنر به صورت حرفه ای در معرض خطر قرار بگیرد؛ بدان معنی که تعزیه از معیارهای اصلی اش منحرف شود نه اینکه از بین برود.

■ امروزه ارتباط مردم با تعزیه چگونه است؟

تعزیه با ایمان و اعتقاد مردم سر و کار دارد. یعنی تعزیه به عنوان نمایش اجرایی می شود به عنوان آیین اجرایی می شود و یکی از عناصر این آیین تماشاگر است. یعنی تماشاگر می آید که با گروه تعزیه در بزرگداشت امام حسین (ع) یا دیگر کسانی که تعزیه راجع به آنها اجرایی می شود، مشارکت کند. کما اینکه الان هم اگر شیپور تعزیه در خیابانی زده شود، به اندازه تکیه دولت آدم بیننده پیدا می کند.

اما اگر منظور تان این است که تعزیه امروزه همان مخاطبی را ندارد که در دوره قاجار داشته، باید بگویم درست است، زیرا ما امروز سینما، تلویزیون، تئاتر و بسیاری وسایل

اما اینکه چرا تعزیه در نوع ارائه اش یکتا و یگانه است، باید گفت که تعزیه تنها آیینی است که «متن نوشته» دارد.

اگر شما از آیین ها و نمایش های به ویژه آسیایی مثل «وایانک های» اندونزی، «کاتاکالی» در هند و امثالهم اطلاع داشته باشید، اینها آیین هایی هستند که بر اساس آثار جاویدان اساطیری رامایانا و مهابههاراتا شکل گرفته اند و انواع نمایش ها از داستانهای این دو کتاب ساخته شده است. اما متن تعزیه به خاطر خود تعزیه نوشته شده است. متن تعزیه به شعر و منظوم است که این شیوه در هیچ کجای دنیا وجود ندارد.

به علاوه در تعزیه، موسیقی و آواز ارکان بسیار مهم و اصلی هستند که ویژگی های فرهنگ اصیل ایرانی را دارند. البته درست است که تعزیه به لحاظ مذهبی تکیه گاه تاریخی دارد ولی با موسیقی، شعر و آواز ایرانی به اجرا در می آید. یعنی تعزیه یک هنر ایرانی است که شیعیان ایران آن را خلق کرده اند. البته ویژگی های دیگری هم از لحاظ نوع بازی، نوع اجرا و دکور که همه مفاهیم و معانی خاصی دارد، نیز تعزیه را به صورت نمایش اساطیری درآورده و ساختار آن را اساطیری کرده است.

■ ما آیین های دیگری هم از گذشته داشتیم، چرا آنها حفظ نشدند، اما تعزیه حفظ شد؟

زیرا در تعزیه عناصر فرهنگ ایرانی مثل شعر ایرانی، آواز ایرانی و موسیقی ایرانی بسیار قدرتمند است و اساساً تعزیه را شیعه های ایران خلق کردند.

■ تعزیه از چه زمانی بوجود آمده است؟

آنچه که ما بر اساس مستندات تاریخی می دانیم این است که تعزیه از دوره زندیه شکل گرفته است و بر اساس برخی دیدگاه های دیگر چون مذهب شیعه در ایران در دوره صفویه رسمی شد و سینه زنی و زنجیر زنی در ایران به راه افتاد، تصمیم می گیرند قصه ها را بسازند که البته این دیدگاه را به صورت مستند نداریم و در حد فرضیه است. اما به هر حال اوج تعزیه در دوره قاجاریه و به ویژه در زمان ناصرالدین شاه بوده است که وی خیلی به تعزیه علاقه داشت و تکیه دولت در زمان وی ساخته شد.

■ کارکرد تعزیه در گذشته چه بوده است؟

در زمان ناصرالدین شاه، چون وی شخصاً علاقه مند به تعزیه بود، تعزیه مجلل تر و بزرگتر از مواقع دیگر اجرایی می شود ولی کارکرد تعزیه همان است که امروزه شاهد آن هستیم.

در دوره پهلوی هم که اصلاً علاقه ای به تعزیه

خواستیم تشکلی درست کنند و شاید بعد پذیرند که از درآمد تعزیه خوانی، یک درصد به این تشکل و انجمن کمک کنند تا انجمن سرپا باشد و در ازای آن، انجمن برای آنها کار پشتیبانی انجام می دهد. مثلا کلاس های آموزشی تشکیل می دهد تا مثلا تعزیه خوان هایی که آواز را بد می خوانند و دستگاه های موسیقی ایرانی را بلد نیستند، در این کلاس ها آموزش ببینند.

یا نسخه های تعزیه ای را که اضافه دارد و در مناطق مختلف به صورت متفاوت وجود دارد را تصحیح کند و در اختیار تعزیه خوان ها قرار دهد.

حتی این انجمن اگر بتواند پول بیشتری جمع کند، در نظر دارد فضایی برای تعزیه خوانی ترتیب دهد و مثلا تکیه ای بسازد یا اجاره کند تا تعزیه خوانی در آن به طور مداوم و هفته ای اجرا شود.

به طور کلی ما متعهد شدیم در چنین مواردی پشتیبان تعزیه خوان ها باشیم و بقیه اش هم که خوشبختانه دست خود تعزیه خوان هاست که خودشان برای خودشان تصمیم می گیرند.

■ تا چه اندازه با ورود دولت برای حمایت و پشتیبانی از تعزیه موافق هستید؟

به نظر من صلاح نیست. چه نیازی است که الان مثلا وزارت ارشاد یا سازمان تبلیغات تصمیم بگیرد برای حفظ تعزیه یک بنیاد درست کند. زیرا متاسفانه در ایران رسم شده که هر جایی بخواهد برای کاری سرمایه گذاری کند، اجازه دخالت در آن کار را هم به خود می دهد، در نتیجه بهتر است برای تعزیه سرمایه گذاری نشود تا دخالتی هم در آن نشود. اینکه تا امروز هیچ پشتیبانی از تعزیه نشده البته از این جهت بهتر است که به تعزیه خوان ها اجازه می دهد کار خودشان را بکنند. اگر تعزیه خوان را به حال خود بگذارند، آنها هم از آنجا که خوشبختانه با پژوهشگران تعزیه میانه خوبی دارند و حتی تعدادی از خودشان هم تعزیه شناس هستند، می توانند تعزیه را سامان دهند.

■ چه می شود که به یک هنر توجه بیشتری می شود و به هنری دیگر کمتر؟ به نظر شما چرا هنرهای دیگر مثلا نقاشی یا تئاتر دچار مشکل مشابهی که برای تعزیه بوجود آمده است، نشدند؟ چرا آنها به مرحله ای نرسیدند که در جامعه این دغدغه بوجود آید که این هنر به تدریج دارد به محاق فراموشی فرو می رود؟

تقابل خبر و شر را به اجرا در می آورد. آیا تعزیه غیر از بازآفرینی حوادث و وقایع تاریخی، کار دیگری هم انجام می دهد؟ یعنی آیا مسایل اجتماعی هم می تواند در تعزیه وارد شود؟

هر چیز سنتی چارچوبی دارد و آن چارچوب باید حفظ شود. تعزیه هم نمایش سنتی است و سنت را نمی توان عوض کرد، زیرا هر تغییری در سنت، آن را خراب می کند.

تعزیه به دلیل آنکه استمرار دارد و هر روز عوض نمی شود، آیین است. تعزیه یک آیین در سنت ایرانی است و بنابراین غیر قابل تغییر است.

البته تعزیه خوان ها فقط در چارچوب قصه های تاریخی نمانده اند. تعزیه خوان ها از قصه های دیگر هم استفاده می کنند و در لابه لای آن، به ضرورت به صحرای کربلا گریز می زنند. یعنی داستان چیز دیگری است اما در زمانی که تعزیه خوان فکر می کند مناسب است، یکی از شخصیت ها می گوید «حالا گوش کن ببین در کربلا چه اتفاقی افتاده است» و این یکی از معیارهای اصلی این سنت است.

همچنان که شکستن زمان و مکان جزو عناصر اصلی تعزیه است. یعنی ممکن است اگر واقعه تعزیه در امروز می گذرد، ناگهان شما در یک صحنه به ۱۰ قرن پیش بروید.

در تعزیه چنین امکاناتی وجود دارد و اینهاست که ساختار آن را اساطیری و تک و محکم می کند. البته ذکر تمام ویژگی ها و جزئیات تعزیه در این مقال نمی گنجد.

■ در مورد سانسور تعزیه در گذشته و اکنون کمی توضیح دهید؟

در گذشته اگر کسی می خواست تعزیه بخواند، مثل امروز لازم نبوده مجوز بگیرد. در دوره رضاشاه هم که فشار زیادی وارد می کردند که تعزیه اجرا نشود به دلیل این نبود که تعزیه مشکل آفرینی می کرد، تنها به خاطر این بود که رضاشاه قدم در راه مدرنیته گذاشته بود و تنها به این دلیل با آن مخالفت می کرد. وی معتقد بود هنرهای جدیدی که در دنیا رایج است آنها را بیاورد تبلیغ و منتشر کنید و تعزیه را که یک هنر قدیمی است کنار بگذارید و الافی نفسه، با خود تعزیه مشکلی نداشت.

لذا در گذشته به این مفهومی که ما الان از سانسور می شناسیم، سانسور تعزیه وجود نداشت ولی اکنون باید این پرسش را با شورای مرکزی نظارت مطرح کنید. ■

هیچ سازمانی به تعزیه نگاه جدی نداشته است و برای احترام به یک چنین هنر یکتایی کار بنیادی نکرده است.

در مورد تئاتر باید بگویم که با وجود پول بسیار اندکی که دولت برای تئاتر خرج می کند، در محاق فراموشی است.

نقاشی هم که یک هنر فردی است و با یک نفر خلق می شود. به استثنای نقاشی مدرن که وارد ایران شده و نقاشان مدرن هم در ایران زیاد هستند.

وزارت ارشاد از اینها نیز پشتیبانی مالی نمی کند بلکه تنها آنها را ساماندهی می کند.

مادر وزارت ارشاد معاونتی به نام معاونت هنری داریم که زیر مجموعه های آن عبارتند از مرکز هنرهای تجسمی، مرکز هنرهای نمایشی، مرکز موسیقی و مرکز مطالعات هنری. در نتیجه برای همه هنر هادر کشور متولی وجود دارد. اما از آنجا که تعزیه آیین است و در هیچ یک از این هنرها گنجانده نمی شود، با مشکل روبه رو شده است.

■ بنا به اظهار برخی پژوهشگران، تعزیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

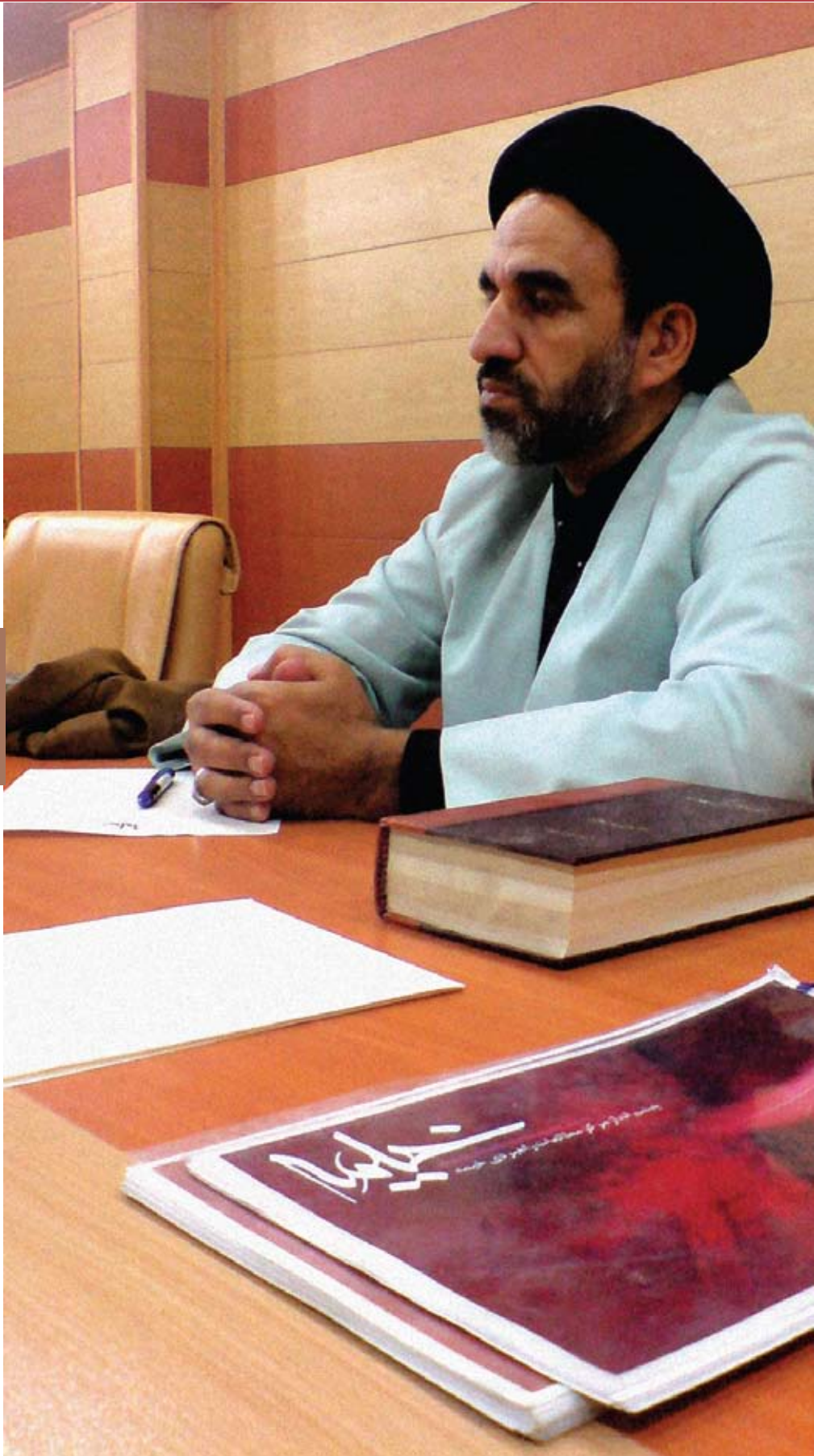


تاریخ و اندیشه



اشاره:

طرح به زمین مانده دایره المعارف بزرگ امام حسین (ع)، کار را به جایی رساند که ژرفا، مدیر علمی این مجموعه، پس از گذشت سال ها وقتی از آن کار صحبت می کند، حسرت و دریغی را همواره در کلام خود به همراه داشته باشد. در گفت و گوی این بخش، این بار مجموعه ناتمام دایره المعارف امام حسین (ع) مورد بررسی قرار گرفت و به همین بهانه پرداختیم به دانشنامه نویسی و اصول آن و مجموعه ای از سوالات دیگر در این خصوص. ژرفا نیز ضمن پاسخ به این نوع سوالات، روند شکل گیری گروه مولفان دایره المعارف را بازگویی کند و تا حدی مشکلات و موانع پیش رویشان را بیان می کند، تا دیگری همت کنند و باقی راه را بپیمایند.



■ آیا درست است که اصل کتاب شیوه نامه دایره المعارف نویسی امام حسین (ع)، کار مشترکی بین شما، آقای اسفندیاری، محدثی، صحتی و سایر استادان بوده است و قرار بوده با همکاری مرکز تحقیقات سپاه انجام شود، ولی به نتیجه مطلوب نرسیده است؟ ضمن آن که درباره شیوه نامه تالیفی خودتان و آن چه اشاره شد توضیح بفرمایید، آیا شیوه نامه شما خروجی همان کاریست که قرار بود انجام شود یا مستقل از آن کار است؟

دوستان در مرکز تحقیقات سپاه بنا داشتند یک کار کلان استراتژیک پیرامون تحقیقات عاشورایی انجام دهند. اینها به دو بخش مجزا تقسیم شده بود. یکی کارهای تک انگاشتی بود که پیش از ما انجام شده بود و مجلداتش هم درآمد، از جمله کارهای قابل اعتنا ترش کار آقای «اسفندیاری» با نام «کتاب شناسی تاریخی عاشورا» بود که یکی از کارهای ماندگار در عاشورا پژوهی است. در کنار این کارها قرار بود یک دایره المعارفی تدوین شود شامل مهمترین مدخل ها و سرفصل های تحقیقات عاشورایی. وقتی به کار ملحق

دایرة المعارف عاشورا

«دایره المعارف سه جلدی فارسی مصاحب» را نوشت این کار در ایران هم شروع شده است. بعد از انقلاب خیلی استخوان دار و محکم این کار پیگیری شده و تبلور اصلی آن در «دایره المعارف بزرگ اسلامی» و در حد ضعیفی در «دایره المعارف تشیع» و در حد نسبتاً قابل قبولی در «دایره المعارف بزرگ قرآن» که تا شش-هفت جلد هم آمده و کار در خور توجهی هم می شود، دیده می شود. در مورد عاشورا و امام حسین و تحقیقات پیرامونی، حتماً باید کار

چنین نتیجه ای می رساند که اقدام به تألیف دایره المعارف امام حسین (ع) کنیم؟ بر خلاف برخی روحانیان که این توپ را به میدان دیگران از جمله مداحان، شاعران و اهل سیاست می اندازند، من فکر می کنم این توپ مال میدان خودمان است. یعنی عمده آفت هایی که در باز خوانی فرهنگ عاشورا وجود دارد، مربوط به ساحت خود اهل علم است. اگر بنا باشد اصلاحی در این مقوله صورت گیرد باید خود عالمان شروع کنند.

شدیم، استاد محدثی و استادان دیگر، از پیش جلساتی تشکیل داده بودند و مدخل هایی را استخراج کرده بودند، اما کار متوقف شده بود. در زمانی که ما وارد کار شدیم، آقای محدثی دیگر نیامدند. بنده در خدمت استاد اسفندیاری و صحتی و چند نفر دیگر که شاخص ترینشان آقای «علی رفیعی» که از مردان استخوان دار دایره المعارف نویسی در ایران هستند هیأت علمی این کار شدیم. می توان گفت حقیر دست کم ۲ سال به

گفت و گو با حجت الاسلام ابوالقاسم حسینی (زرفا) در مورد شیوه نامه دایره المعارف نویسی امام حسین (ع)

حسین سخنور

دانشنامه انجام شود، چون مجموعه منابع ما حرفهای متفاوت دارد. چه در مسایل شالوده ای و بنیادی مثل اهداف قیام و چه در مسایل مصداقی و موردی. مثل این مورد که آیا امام حسین در آن روز به سپاه دشمن رو کرد و گفت به من آب دهید یا نه؟ مجموعه ای از این مسایل در منابع تحقیقاتی ما مترجم شده که هم تناقض در آن هست و هم پراکنده است، لذا دادن یک تصویر روشن از عاشورا و امام حسین محال شده است. این کار مداح و نوحه خوان ما نیست که بگوییم برو مطالعه کن. چه چیز را مطالعه کند؟ کتاب مرحوم مطهری را مطالعه کند، یک در پیچه به رویش باز می شود. کتاب مرحوم قاضی طباطبایی را مطالعه کند یک در پیچه باز می شود. کتاب غیر تحقیقی هم که الی ماشاء الله لا طائلات در آن ریخته شده است. راهش این است که علما جمع شوند و دانشنامه ای متقن ارائه دهند، به طوری که این دانشنامه کار یک کتاب مرجع و مادر را ایفا کند تا محققان، نویسندگان، شاعران و نمایشنامه نویسان بتوانند از این متن تحقیقی

مادام که درباره تحریفات و خرافات عاشورا بتویسیم و جنجال راه بیندازیم و مداحان و دیگران را متهم کنیم، هیچ فایده ندارد. خود

عمده آفت هایی که در باز خوانی فرهنگ عاشورا وجود دارد، مربوط به ساحت خود اهل علم است. اگر بنا باشد اصلاحی در این مقوله صورت گیرد، باید خود عالمان شروع کنند

عالمان باید راه اشتباه را برگردند. راهی که از صفویه اوج گرفته و بانیانش هم خود عالمان بوده اند. بهترین شیوه برای این برگشت تنظیم دانشنامه های علمی است، یعنی کاری که غربی ها از حدود دو بیست سال پیش به صورت علمی باز حمت بسیار انجام داده اند. به طوری که امروز وقتی می خواهیم در مورد اسلام تحقیق کنیم می رویم سراغ دایره المعارف هایی که در لیدن و امثال آن کار شده و از آنها استفاده می کنیم. ۷۰-۶۰ سال است که با تلاش مرحوم «مصاحب» که

عنوان مدیر علمی مجموعه، روز و شب وقت گذاشتم. دوستان هم خیلی زحمت کشیدند. تقریباً همه مدخل ها فراهم شد. بخشی از پرونده علمی مداخل تنظیم شد. واگذاری و اسپاری مقالات هم شروع شد. تقریباً هشت مقاله از کار درآمد، اما به مرحله ویرایش نرسید. کار هماهنگی خوبی پیدا کرده بود و اگر این کار انجام می شد، کارستانی بود در عاشورا پژوهی. دوستان سپاه در تهران، گویا به یک تجدید نظر هایی رسیدند و متأسفانه یک بخش مترجمی از زحمات علمی خوب در این زمینه ناتمام و بی ثمر ماند و بعداً هم آن مجموعه از هم پاشید و بخشی از آن مقالات در تحقیقات تک نگاشتی ادامه یافت. در بعضی از مجموعه های تحقیقی، دوستان فکر می کنند کتاب پنج یا شش جلدی «من المدینه الی المدینه» که ترجمه هم شد، همان کار است، در حالی که این دو کار، هیچ ارتباطی به هم ندارند.

■ **ضرورت های تنظیم و گردآوری دانشنامه ای در مورد امام حسین و قیام عاشورا، از کجا نشات می گیرد؟ آیا رویکردی صرفاً علمی ما را به**

مادر استفاده کنند. طبعاً برای نگارش یک مقاله درباره اربعین و این که آیا کاروان به کربلا بازگشت یا نه؟ قطعاً به صدها ساعت کار تحقیقی نیاز دارد. آن هم کار تحقیقی از جانب محققانی که به راستی محقق باشند. با دیدن دست کم شصت - هفتاد متن تحقیقی اصیل که نوعاً مال قرن چهار و پنج قمری و قبل از آن است. این کار، کار نویسندگان معمولی، مداح و امثال آن نیست. یک کار دانشنامه‌ای است و هزینه و توان و بنیة دانشنامه‌ای می‌خواهد. این کار در زمین ماند و امیدوارم یک روز این بار از روی زمین برداشته شود.

■ اشاره شد، عمده‌ترین دلیل انجام رساندن این دایره المعارف روشن شدن زوایایی که تاریخ مانده و یا با ادبیات‌های مختلفی انجام شده است. اگر به عاشورا نگاه ایمانی نداشته باشیم و آن را به عنوان یک پدیده تاریخی که در سال ۶۱ رخ داده، با مؤلفه‌های خودش و فراز و نشیب‌هایی که داشته در نظر بگیریم. آیا اساساً برای یک پدیده تاریخی همچون عاشورا، نیازی به دایره المعارف هست یا نه؟ شاید بگویید این ماجرا خیلی درگیر عقاید روزانه مردم شده است و ضرورت تالیف این دانشنامه را از اجتماع و تأثیرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن بگیرید، که یک بحث است، اما بحثی دیگر عاشورا بما هو عاشورا است. علاوه بر آن اگر ضرورت دارد، آیا ابزارهای لازم برای جمع‌آوری فاکت‌های این واقعه را داریم؟

قبل از این که پاسخ را عرض کنم، چون سؤال بسیار محکمی است، دونکته‌رامی‌گویم: اولاً ماجرای کربلا یک رویداد پدید آمده صرف تاریخی نیست. همه گفته‌اند نوشته‌اند ولی تکرار دلپذیر و غیر قابل تشکیکی است که واقعاً ماجرای کربلا نقطه عطف اصلی مجموعه حرکت انبیاست. تقریباً همه محققانی که به واقعه



کربلا پرداخته‌اند، چه مخالف و چه موافق و حتی آنهایی که به اصل هدف قیام تشکیک‌هایی دارند، روی این تم و شعار متفقند که اسلام «محمد یالحدوث و حسینی البقا» بود. یعنی واقعا واقعه کربلا نقطه عطفی است که حرکتی و نهادی دینی و تاریخی به نام اسلام اصلاً توانسته پا بگیرد و حدودش را مربوط به بعثت پیامبر می‌دانند و جان گرفتن و پایداری‌اش را مال کربلا می‌دانند. بنابراین با بسیاری از وقایع دیگر که با همه اهمیتشان با آن‌ها به عنوان یک پدیده بر خورد می‌کنیم و می‌گوییم این پیش زمینه‌هایش بود و این هم توابعش بود و خیلی هم ممکن است اتفاقات مهمی باشند، خیلی فرق دارد؛ مثل قیام زید بن علی که اتفاق کمی نبود ولی به هر حال این قیام، یک حادثه است و روی کار آمدن عباسیان و امثال آن که حوادث بسیار مهمی در تاریخ اسلام بوده‌اند. ماجرای کربلا در این تحلیل یک حادثه صرف نیست. در حقیقت

به نظر خیلی‌ها تبلور اسلام است که اگر نبود نمی‌توانستیم درباره اسلام قضاوت درست و صحیح و علمی داشته باشیم. به عبارت دیگر، اگر به عاشورا و کربلا نگاه نکنیم، اساساً در مورد چیزی به نام اسلام نمی‌توانیم قضاوت کنیم. نکته دیگر این که مرز مدخل‌ها و سرفصل‌های تاریخی و غیر تاریخی در کار ما خیلی واضح بود. در پرسش شما عمده فشار روی مدخل‌های تاریخی است، در حالی که ما در آن کار تبیین کرده بودیم که مثلاً قریب به بیست درصد سرفصل‌ها و مدخل‌های تاریخی بود و بقیه کلامی، فرهنگی و هنری بود. برای مثال خود تعزیه به عنوان یک پدیده تاریخی در کشور ما، به نظر خیلی‌ها روی هنر اروپایی اثر گذاشته و متقابلاً از هنر اروپایی اثر گرفته و خاستگاه خیلی از کنش‌ها و روابط هنری در جامعه ما شده است و بعد مشروطه خود را نشان داده است. این باید در کجا کار شود. ممکن است بگویند تعزیه یک جلوه هنری است که دستمایه‌اش عاشورا است و خود یک پدیده هنری است. اما در واقع این گونه نیست. وقتی می‌خواستیم در مورد متون تعزیه کار کنیم دیدیم این بینهایت با تاریخ و فرهنگ عاشورا گره خورده است، یعنی قبل از این که به عنوان یک کار هنری در ایران نگاه شود به عنوان یک پدیده کاملاً تبلیغی برای انتقال فرهنگ از آن استفاده شده است. پس ما ناچار بودیم که در دل یک کار تحقیقی و سترگ به نام دانشنامه به تعزیه پردازیم. وقتی با متخصصان این زمینه‌انس گرفتیم دیدیم واقعا راه را درست رفتیم. یعنی درباره تعزیه نمی‌توان در یک کتاب هنری و فرهنگی به قضاوت نشست و دقیقاً تعزیه را باید از چشم یک محقق عاشورایی نگاه کرد البته محقق عاشورایی که به مباحث هنری و ادبیات نمایشی هم تسلط دارد.

■ لزوماً این چنین نیست. برعکس دیدگاه شما

برخی هنرمندان با نگاهی هنری به تعزیه سعی کرده اند آن را در کشورهای مختلف اکران کنند و واکنش مردم به دیالوگ ها را پیگیری کنند. این نگاهی است که بیش از گذشته رشد کرده است. از این گذشته، با نوع نگاه شما در نوشتن یک دایره المعارف درباره امام حسین (ع) چگونه می توان یک قضاوت منصفانه و علمی داشت، طوری که خروجی ها مورد استفاده محققان اعم از شیعه و سنی و حتی غیر مسلمانان قرار گیرد؟ آیا نوع دیدگاه شما باعث پالایش مطالب نمی شود و از دقت کار نمی کاهد؟

این بحث بیشتر مربوط می شود به درون خود اثر. اصلی ترین چالش هر دانشنامه همین نکته رعایت اصل بی طرفی است. در چندین جای این شیوه نامه به بی طرفی آن به عنوان یک اصل اشاره کرده ایم. مقاله دایره المعارف باید بی طرفانه تنظیم شود و در آن از هر گونه داوری شخصی خودداری شود. در توضیح هم گفته ایم که باید همه دیدگاه های مطرح و مهم در هر موضوع عرضه شود. همان موقع هم خیلی از عالمان به ما ایراد می گرفتند که شما چگونه می توانید به یک مقوله ای که با دین مردم آمیخته شده، علمی و بی طرفانه و غیر ایدئولوژیک برخورد کنید. اتفاقاً تأکید من و امثال من برای تنظیم دانشنامه همین است که تنها بستری که در آن می توانیم نگاه منصفانه به کربلا و عاشورا را رایج دهیم، همین دانشنامه است. هیچ جای دیگری نمی توان با جرأت این کار را انجام داد. در پاسخ به این که آیا می شود چنین کاری کرد یا نه؟ باید گفت بله، و راهکار دارد. ما در آن دو سال اتفاقاً این را تجربه کردیم، اگر این تجربه را پشت سر نگذاشته بودیم الان نمی توانستیم به جرأت به پرسش شما جواب دهیم. دیدیم در کلیدی ترین و اختلاف برانگیزترین مسائل می توان نگاه علمی کرد. یعنی دیدگاه ها، اقوال، رویکردهای کاملاً متفاوت را از غریبان،

علما باید دانشنامه ای متقن ارایه دهند، به طوری که این دانشنامه کار یک کتاب مرجع و مادر را ایفا کند تا محققان، نویسندگان، شاعران و نمایشنامه نویسان بتوانند از این متن تحقیقی مادر استفاده کنند

شرقیان، مسلمان و غیر مسلمان باقید نظرات مطرح و مهم مطرح کرد. در باب هر مساله های از جمله همین تعزیه خیلی دیدگاه هست. هر فنی محقق خودش را دارد. از یک فیزیکدان بپرسید دیدگاه های مطرح در مورد پیدایش جهان چیست. او همه دیدگاه ها را به شما نخواهد گفت. طبعاً چند دیدگاه را اسم می برد و آن را تحلیل می کند. در ماجرای امام حسین و قیام عاشورا هم همین طور است و لذا در بخش تاریخ بهترین محققان تاریخ را گذاشته بودیم و در انتخاب هیأت علمی بنایمان همین بود. ده-پانزده گزینه از افراد مطرح در تاریخ اسلام داشتیم، ولی عمداً سراغ افرادی رفتیم که همین دیدگاه را داشته باشند و هیچ قضاوتی نکنند. مثالی می زنم. با این که هنوز بساط دایره المعارف به آن شکل مطلوب پا نگرفته بود و مقاله ای منتشر نشده بود، به جهت این که خودمان یک آزمون داشته باشیم، یک گروهی را مقرر کردیم که بروند و آن چنار زرآباد را بررسی کنند و بیاورند. چند تن از دوستان ملبس و دیندار فرستادیم و گفتیم به آنجا بروید، به عنوان یک انسانی که فقط می خواهد یک پدیده را ببیند و لا غیر. فرض کنید یک تور یست و محقق خارجی هستید و می خواهید این ماجرای خون آمدن را ببینید. ذهنیات خود را کنار بگذارید. این که مرحوم مرعشی تأیید کرده، علماً تأیید کرده اند. در این سال های اخیر

بالغ بر یک میلیون زائر به آنجا می رود و امثال آن را کنار بگذارید. این کار بسیار نتیجه خوبی برای ما داشت. این افراد همه دارای پیشینه ایدئولوژیک بودند و آمدند و گفتند خونی در کار نیست. چیزی هست، اما ارتباطی با این ماجرای خاص ندارد. این سمغ درخت است و باورهای مردم از آن چیزی ساخته است که الان به مقدس ترین سنبل عاشورایی در کشور ما تبدیل شده است. اما چرا این کار را کردیم؟ چون مدخلی به نام چنار زرآباد داشتیم. شاید خیلی ها باورش نشود. مقاله آن مدخل در دست تهیه بود و می خواستیم خیلی محکم و علمی پدیده ای به نام چنار زرآباد را بنا بر گزارش های صرفاً علمی بررسی کنیم و در آنجا نه تنها گزارش کنیم از اصل ماجرا، بلکه از زمینه هایی که موجب رشد این دیدگاه ها هست صحبت کنیم. به هیچ وجه خودمان را در همین یک مدخل نه از قبل موافق و نه از قبل مدافع می دانستیم. البته شما حق دارید سؤال کنید که این حقایق از کجا به دست می آید. خود این حقایق قابل بحث است. در همه چیز همین طور است ولی گروه علمی گذاشته بودیم و با یکدیگر پیمان بسته بودیم و خودم خیلی مداومت می کردم و آقای اسفندیاری از من خرده می گرفتند که این قدر هم سخت نگیر، من می گفتم نه، باید سخت گرفت. مرحوم مصاحب وقتی دانشنامه سه جلدی را تنظیم می کرد، کسی را مأمور کرده بود که مدخل ورود متفقین به ایران را بررسی کند. او هم نوشته بود که متفقین در روز فلان وارد ایران شدند. مصاحب خط کشیده بود زیر کلمه روز و گفته بود این روز فلان سند می خواهد، کاری که ما هم می کردیم. یعنی هر گونه ادعا با سند خود یا تاریخی یا کلامی باشد. ابتدا همه به حرف مصاحب خندیده بودند، وقتی تحقیق بیشتری کرده بودند، فهمیدند در شب بوده و روز نبوده است. خیلی چیزها در یک پدیده

و مفهوم کلامی هست که ابتدا خیلی بدبھی و واضح به نظر آید ولی ما حتی در این اندازه بنا داشتیم کار متقن و علمی پیش رود و بدون هیچ نگاه ایدئولوژی یک، اصلاً به نتایج کار نظر نداشتیم.

■ **نمی ترسید این حرکت روی ایمان مردم تاثیر بگذارد؟**

نه، چون ما این راه را در یک گستره ای رفته ایم و روز به روز هم بیشتر می شود. اگر دین بدون هیچ پیرایه ای عرضه شود، اتفاقاً ایمان آفرین تر از این است که مدام چیزهایی در کیسه دین بگذارید. به همین یک دلیل هر چه سعی کرده ایم به نام دین خرج کنیم، دین نحیف تر شده است. با تبلیغ دینی، دین رشد نمی کند. تبلیغ هیچ گاه در خدمت دین نبوده است. ولی اگر دین همه ابعادش نشان داده شود، حتی توده مردم در درازمدت بیشتر به دین اقبال می کنند. البته من حق ندارم همه چیز را در منبر بگویم. چون منبر جای برخی حرف های دانشنامه ای نیست. در دانشنامه شما می توانید تحقیق کنید، نظر استادان و مستندات را ببورید و خیلی وقت ها هم لازم نیست جمع بندی کنید. اصلاً کار دانشنامه با جمع بندی منافات دارد. ما یکی از دعوایی که بارفقا داشتیم این بود که نباید ذیل مقاله نتیجه گیری کنیم. کار علمی نتیجه گیری نیست. شما دیدگاه های مهم مطرح علمی را نشان می دهید. وقتی نشان دادید فلان و فلان این را گفته اند من در قرن ۱۴ قمری کاره ای نیستم که بخواهم نتیجه ای بگیرم. این خود به خود یک پیامد علمی دارد و رفته رفته می تواند حتی باورهای ایدئولوژی یک

مردم را تصحیح کند.

■ **شیوه جمع آوری مقالات و سرفصل ها و مدخل ها چگونه بوده است؟ آیا معیار و الگوی خاصی داشتید و یا یک شیوه جدیدی را متناسب با بحث امام حسین (ع) تدوین کردید؟**

در ساختار عمومی کار خیلی اصرار داشتیم که از خودمان اختراع نکنیم. به همین جهت ماه های زیادی وقت صرف کردیم و گروه های علمی دایره المعارف اسلامی را دیدیم و ساعت ها با آنها جلسه داشتیم و مشورت کردیم. حتی چندین جلسه آنها به قم آمدند و رفتند. همین که آمدند و رفتند معلوم بود آنها هم جدی گرفته بودند. چون آنها افرادی نبودند که به خاطر فلان تومان حق الزحمه ساعتی بیایند. افراد شاخصی بودند. ما در ساختار می خواستیم از تجارب دیگران، چه غربی و چه ایرانی، استفاده کنیم. عمده تجارب خوب متمرکز در همین دایره المعارف بزرگ اسلامی است. در دایره المعارف های دیگر افت و خیزهای علمی زیاد دیده شده است و نوعاً هم ناتمام مانده است. ما از اینها استفاده کردیم و نظام مدخل یابی را متناسب با همانی که باید در یک دایره المعارف به شیوه علمی باشد گذاشتیم. الان البته آن پیشینه در دسترس نیست و مقدار زیادی وقت گذاشته شد تا برسیم به آنکه آن الگوی نرمال را چگونه اجرایی کنیم. ده نفر همکار داشتیم و هفت نفر هیأت علمی داشتیم: صحتی، اسفندیاری، رفیعی، مرودشتی، علوی از محققان خوب تاریخ، بنده و آقای عارفی که دبیر سرویس مدخل ها بودند و

بیشتر در کار اجرایی بودند. تیم بدی نبود و تیمی بود که جمع آوری اش سخت بود. به هر حال ما برای زیر مدخل ها هم معیار گذاشته بودیم. مثلاً برای این که کدام کتاب را در این دایره المعارف مدخلش را ببوریم یا نه، واقعاً ده ها ساعت بحث می کردیم و وقتی به معیار می رسیدیم، در تطبیق مصادیق با معیارها بی نهایت سخت می گرفتیم. مثلاً برای کتاب ها چهار- پنج معیار گذاشته بودیم که اینها باید همه در یک کتابی جمع می شد تا آن را در دانشنامه معرفی کنیم. اصلاً هم مهم نبود که با این معیارها پنجاه کتاب می شود یا پانصد یا ده تا. گفتیم کتابی که ارزش پیدای کند اسمش را در این دانشنامه ببوریم، باید این معیارها را داشته باشد و در بقیه موارد هم همین گونه. شیوه این بود که الگوهای مطرح و «نرمیک» در مدخل نویسی در دنیا را جمع آوری و بومی کردیم، مطابق با سرفصل های خودمان کردیم، سرفصل ها را تعریف کردیم و برای هر سرفصل سوتیتر و زیر عنوان تهیه کردیم. این کار حتماً باید انجام می شد، چون بسیاری از مدخل های ما تداخل موضوعی پیدای کرد و با این کار می خواستیم تداخل موضوعی پیدا نکند. بعد هم پرونده علمی برای آن تهیه می کردیم و محقق را در بعضی مدخل ها نمی شد تنها گذاشت چون منابع کم بودند. افرادی را مأمور می کردیم که بروند و مقالات، کتب و نوشته هایی که به زبان های مختلف





هست فهرست کنند و نسخه تهیه کنند. پرونده علمی این مداخل تهیه شد و حتی چند مقاله هم گرفتیم که کار ناتمام ماند.

■ در مورد روند عاشورا پژوهی در ایران آیا کار علمی در این زمینه صورت گرفته است یا نه؟ و اگر شده نتایجش در چه کتاب ها و قالب هایی بوده و فکر می کنید ادامه این بحث یعنی عاشورا پژوهی با توجه به این راهی که آمده ایم، به چه شکل باید باشد و مجموعه هایی مثل خیمه چقدر می توانند در این راه کمک کنند؟

عاشورا پژوهی در کشور مادر ۹۰ تا ۹۵ درصد مواقع مترادف با نگاه ایدئولوژیک در مورد عاشورا است. چون کسانی در ایران به عاشورا پژوهی می پردازند که مبلغ هستند، حال چه روحانی، چه استاد دانشگاه. کسانی که در ایران تحقیق می کنند، خانه آخرشان این است که بروند و در صدا و سیما با مردم حرف بزنند. اینها چگونه می توانند با مردم ارتباط داشته باشند، در حالی که عاشورا پژوهی می کنند؟ مگر این که خود را سانسور کنند که محقق معمولاً این کار را نمی کند. نتیجه این که کسانی مثل سید جعفر شهیدی را در کشور به تعداد انگشتان یک دست هم نداریم. شهیدی خود را مبلغ نمی دانست. خیلی زحمت کشید ولی نگاهش تبلیغی نبود. می گفت بناست که در

مورد امام حسین تحقیق کنیم و این تحقیق را در بستر تاریخی انجام می داد. خیلی ها او را متهم می کردند که دیدگاهی داشته و می خواسته آن را اثبات کند ولی واقعاً این گونه نبوده و اگر در آثارش نگاه کنید، می بینید این گونه نیست. ایشان با دیدگاه سراغ عاشورا نیامده است، چرا چون بعداً هم ملتزم به هیچ چیز نبوده است. اگر نتیجه اش هر چه می شد به آن پایبند بود. تعهد واقعی این است. شما دنبال چیزی می روید و نتیجه هر چه شد بگویند چشم. از اول بنای چیزی را نگذارید. نوعاً محققان ما چنین دیدگاهی ندارند، می خواهند با مردم سخن بگویند و با مردم سخن گفتن تبعات خاص خودش را دارد. شما نمی توانید با مردم طوری صحبت کنید که شما را از آن بالا پایین بکشند یا با مردم طوری صحبت کنید که در اصل باورهای دینی شان تشکیکی حاصل شود. نوع کار عاشورا پژوهان در ایران مبتنی بر تحقیق نیست، چون پژوهش یعنی این که شما می خواهید به حق برسید. ما معمولاً قضاوت هایی داریم که متأثر از فرهنگ و تربیت اجتماعی ماست و اگر با اینها برویم سراغ عاشورا، اسم آن دیگر پژوهش نیست. نکته دوم این که الان هر کار خوب اگر بخواهد در این زمینه انجام شود باید نگاه ایدئولوژیک از آن حذف شود، حال به هر شکلی که می خواهد خروجی داشته باشد. حذف ایدئولوژیک به معنای ضعیف کردن بنیة دین نیست. یک خدمت بزرگ به دین است که شما قضاوت را بگذارید در قالب دین صورت گیرد، بدون هیچ پیشوند و پسوندی. نکته سوم این که اصولاً کار تحلیلی در مورد عاشورا در ایران کم شده است. معمولاً

کارها توصیفی است. طرف کلی تحقیق می کند تا ببیند روز ۱۰ محرم سال ۶۱ در چه روز شمسی بوده است. این کارها توصیفی است و نهایتش این است که هوا چقدر گرم یا سرد بوده است. اما آنچه لزوم دارد این است که در تبیین و تحلیل ماجرای امام حسین کار شود. مثل مرحوم شهیدی که پنجاه سال کار کرده که اصلاً از سال ۱۳ هجری تا ۶۱ چه اتفاقاتی افتاد. دیدن آن اتفاقات و قیام به صورت علمی کار خیلی دشواری است. شهیدی از معدود افرادی بود که این گونه به ماجرای عاشورا نگاه کرد. کسانی کار کرده اند اما همیشه این کار تکی بوده است. دایره المعارف انسان را مجبور به کار جمعی می کند. کار جمعی به معنی دقیق این است که واقعه انسان خبره در فلان موضوع با ده دیدگاه و تجربه متراکم این کار را بکنند. کار هیأت علمی این است. گاهی در مورد یک جمله سه چهار ساعت بحث می کردیم. به خاطر همین کار دایره المعارف خیلی مهم است، چون اگر کار درست انجام شود، بر آیند این چندین قرن که از واقعه گذشته در اثر جمع می شود. یعنی ما هر کدام نماینده یک طرز تفکر در تاریخ شیعه بودیم و هر کدام آن طرز تفکر را حمایت می کردیم و استدلال می کردیم و برای این که زمین نخوریم، ناچار بودیم تحقیق کنیم. اما مرحوم شهیدی یک نفر بود. این مختصات باید در عاشورا پژوهی مد نظر قرار گیرد. ■





بیابان های تاریکی کاروان می آرایند ...
شمرها بنده عادات خویش اند ...

«امام» بر قامت اسلام و «باور» مسلمانی
بر خواسته است و افواج رحمت امام از عمق
«باور» به دین می جوشد و دین باوری امام
است که آوای آرامش را بر مهاده زمین تلاوت
می نماید.

امام دین را به باور می رساند و شمرها به
عادت ... ■

فرزند انسان میانه میدان را به قامت نماز
آراسته بود؛ تسبیح می گفت از لیت باران را
و قامت می بست مشارق آسمان ها را ... تهلیل
می کرد ولایت آب را و شکر خند ملاحمت می زد بر
چهره خاک ...

«امام» نماز می خواند و شمرها شیهه جهاد
سر می دادند؛ جهاد اصغر! ... امام نماز
می خواند و شمرها بر طبل مسلمانی خود
می کوفتند ... امام نماز می خواند و شمرها
شهوت شمشیرهای مسلمانی شان را تکبیر
می دادند.

شمرها مسلمان بودند! شمرها مسلمان
هستند! ...

مسلمانی شمرها و اسلام شان «عقده
عقیده» است. آنان لوای دین را به قامت کریمه
خود پوشیده و در تاروپود «عادت» تنیده شده
اند.

شمرها چشم بسته گان دل کور کوچه های
تاریکی اند، دین را تعبیر به عقیده کرده و
عقده را به عقیده ناپاک و جاهلانه خویش
آمیخته اند.

شمرها عقده عقیده شان را به صیقل «عادت»
آراسته و مستحکم می کنند و در پس این
عادت است که شیهه مسلمانی سر داده و در

عقده
شمرها

حامد بهشتی

مبانی و منابع عاشورا پژوهی



بخش اول: ضرورت و جایگاه عاشورا پژوهی

حجت الاسلام سید محمد مهدی میر باقری

تفقه در باب شخصیت سیدالشهدا (ع) و ولایتی که آن حضرت نسبت به تاریخ و بلکه همه عوالم اعمال کرده اند، حتما از فقه موجود سنگین تر نیز خواهد بود و نیازمند جهد و کوشش هاست. کشاندن عرصه تفقه دینی به جایی که محوری ترین «عبادت» و کانونی ترین «فعل» تاریخ را مورد دقت قرار دهد حتما کاری سطحی، عادی و دم دستی تلقی نخواهد شد، بلکه نیاز به گستره وسیعی از فعالیت های مداوم، درازمدت، دقیق، عمیق و متقن دارد تا آنچه تاکنون صورت پذیرفته است تکامل بخشد و راه را برای آینده بگشاید.

۱. چشم انداز عاشورا پژوهی

به طور قطع بهترین روش تحقیقی عاشورا پژوهی همانا جد و جهد فقیهانه ای است که حوزه های علمیه بدان تمسک جسته اند. جهدی عالمانه و فقیهانه در باب موضعی که اهم از موضوعات فقه اصغر است و با مقایسه ای اجمالی بین

در ذیل عاشورا شناخت و از آن در خدمت دین بهره برد.
از اصلی ترین عوامل پویایی بیشتر فقه اصغر (علم به احکام شرعی) در مقابل فقه اکبر به اصول اعتقادی شاید همین تلاش برای هر چه قاعده مندتر شدن جریان علمی پویندگان آن باشد. اگر چه علم و بینش در حوزه هایی از اعتقادات مثل شناخت خدا و صفات او در حوزه های کلامی و فلسفی تلاش هایی صورت پذیرفته است، اما هر چه به لایه های دیگر اعتقادی نزدیک می شویم، کمتر به آن ژرف اندیشی ها بر می خوریم. در حالی که مثلا مقام ولایت و اثرات آن و همین طور صاحبان این مقام که همانا چهارده معصوم (ع) هستند، دارای جایگاهی بسیار پر اهمیت تر و تاثیر گذارتر در شناخت حقایق دین هستند و این کم کاری در باز شناخت عالمانه و برپایی حوزه های فقیهانه در منظومه اعتقادی می تواند تاثیرات نامطلوبی در طی کردن گردنه های صعب العبور آینده بگذارد.

قیام امام حسین (ع) و مسئله عاشورا همواره به عنوان یکی از مهمترین برگ های تاریخ قلمداد شده است و از همین رو یکی از مهم ترین وقایع تاریخی - چه در جزئیات واقعه و چه در تحلیل آن - بدون تردید قیام حضرت سیدالشهدا (ع) و ابعاد شخصیتی و آثار حرکتی آن بوده است. اما تلاش در جهت تحلیل قیام عظیم عاشورا برای پیروان مکتب اهل بیت (ع) همواره جایگاه خاصی داشته است و به اعتراف بسیاری از جامعه شناسان یکی از ارکان اصلی پابرجایی مکتب اهل بیت (ع) تاثیرات پیدا و پنهان عاشورا است. با تمام این اوصاف و در طول صدها سال تلاش روشن اندیشان مکتب اهل بیت (ع) برای واکاوی هر چه بیشتر حوزه تحقیقی متقن و پویا در شناخت ابعاد عاشورا، هنوز سطوح رویی و لایه های باطنی آن در پژوهش های ما شناسایی و طبقه بندی نشده اند تا بتوان یک جریان عظیم علمی و سپس اجتماعی را



ابواب فقهی رایج در حوزه‌های علمیه و همین‌طور تفقه صورت گرفته در فعل عظیم امام حسین (ع) روشن خواهد شد که هنوز فاصله زیادی حتی بین این دو وجود دارد، چه رسد به اینکه بخواهیم تفقه‌ی در شأن و منزلت عبادت کانونی و محوری عالم شکل دهیم.

البته روشن است که هر تلاش علمی، بضاعتی می‌طلبد که باید تدریجاً آن را تحصیل کرد. اما همیشه و از بدو شروع تحصیل علوم دینی باید این موضوع را در ذهن پرواندا تا در آینده از ثمرات این توجه مدام فکری بهره‌مند شد و به مدد الهی به سطوح مغفول این قیام عظیم دست یازید.

۱/۱- پیشینه عاشورا پژوهی

در گذشته علمای شیعه تلاش‌های پیگیری انجام داده‌اند که می‌توان آنها را در سه دسته تقسیم بندی کرد:

۱- کتب تاریخ عاشورا و احوال قبل و بعد آن؛ مهمترین آنها مقاتل هستند و پس از آن کتبی که در باب احوال زمانه عاشورای امام حسین (ع) جمع‌آوری شده‌اند و احوال قیام‌های خونخواهی عاشورا را نیز در بر می‌گیرد.

۲- گردآوری معارف اهل بیت (ع) و مجامع روایی؛ مثل کتاب شریف کامل الزیارات، معارف مربوط در بحار الانوار علامه مجلسی (ره) یا کتاب شریف کافی که به گستره این معارف به طور مفصل خواهیم پرداخت.

۳- تحلیل قیام عاشورا؛ تحلیل‌هایی که گهگاه در نوع خود بسیار مفید نیز هستند، اما معمولاً از پشتوانه فقیهانه‌ای برخوردار نیستند و لذا دارای نگاهی جامع به مقامات تکوینی اولیای خدا تا جریان ولایت ایشان در بستر تاریخ و جامعه نیستند.

شاید بتوان تمام آنچه را امروز موجود است به عنوان سرمایه اولیه پژوهش دانست و نتوان در میان آنها کاری همه‌جانبه جست؛ این است که تلاش مجدانه را از باب علم و معرفت طلب می‌کند تا بتوان هر چه بیشتر از این عبادت عظیم برای سلوک فردی و اجتماعی جامعه بهره برد.

۱/۲- گذری بر آینده عاشورا پژوهی

باید دانست که کارهای زیادی زمین مانده است، مثل تفقه در باب ولایت الهیه و شئون آن؛ اینکه جریان ولایت الهیه در عالم تکوین و سپس تاریخ و جامعه (تکوین، تاریخ، جامعه) چگونه اتفاق می‌افتد. در پی این شناخت به تصرفات و عبادت‌های اولیاء معصوم (ع) خواهیم رسید که عاشورا از مهمترین آنهاست. شاید کانونی‌ترین عبادت تاریخ که مبدأ تصرف در تکوین و تاریخ و جامعه قرار گرفته است،

ایشان با بقیه نظام خلقت و مخلوقات را شامل می‌شود.

دوم: جایگاه فعل معصومین (ع) در نظام خلقت؛ که مسایلی همچون ارتباط فعل معصوم با عبودیت، دایره تصرفات این فعل در عالم خلقت، تحلیل عاشورا به عنوان فعل معصوم در زمان و مکان و حتی فلسفه تاریخ، حق و باطل و نسبت عاشورا و ظهور را از این زاویه باید بررسی کرد.

سوم: مطالعه تطبیقی این معارف در تاریخ عاشورا.

ب- چگونگی بهره‌مندی از عاشورا عاشورا محل بروز بلاها و کربات عظیم است. لذا بهره‌مندی از عاشورا ریشه در بهره‌مندی از این ابتلائات عظیم دارد. بعضی از پیش نیازهای بهره‌مندی از این بلا عظیم‌رامی توان به طور خلاصه این گونه فهرست کرد:

معنای بلاء ولی...، رضا و سلوک عباد با آن و همین‌طور نقش سلوک با این بلا در تهذیب فردی و جمعی و تاریخی عالم.

۱/۳- برنامه‌ریزی برای عاشورا پژوهی

قطعاً شکل‌گیری یک جریان پژوهشی جدید، آن‌هم با قاعده‌مندی ای همچون جریان فقهات شیعه، حتماً نیازمند شکل‌گیری یک جریان گسترده، هم در کمیّت و هم در کیفیت است. لذا از حیث مدیریت پژوهش، حتماً به دورنما و برنامه آموزشی و پرورشی روشن و قابل‌هدایتی نیازمندیم که به تربیت مناسب سرمایه انسانی منجر شود تا در نهایت این مجموعه و موضوع تفقه آن به یکی از مهمترین موضوعات فقه شیعه تبدیل شود.

سطوح فعالیت چنین پژوهشگاهی را می‌توان به سه سطح تقسیم کرد:

یکم: آموزش دستاوردهای گذشتگان در این حوزه و تدوین و انتظام دوباره آنها بر اساس ضرورت‌های جدید. اهم دستاوردهای مادر حوزه شناخت ولایت معصومین و عاشوراشناسی، مجموعه روایی، زیارات و تفاسیر روایی است که به محوریت جایگاه اهل بیت (ع) تالیف شده‌اند.

دوم: مطالعات تطبیقی منابع و اندیشه‌های که در دوره تحلیل عاشورا ایجاد و گسترش یافته است.

سوم: ورود به یک فعالیت گسترده، دامنه‌دار و به تبع آن زمان‌بر و گروهی که حتماً باید از همین ابتدا آغاز شود.

در فصل‌های بعد به صورت مفصل‌تر به بسط و گسترش آنچه در بالا آمد، به حدّ بضاعت این مجموعه خواهیم پرداخت. ■

عبادت سیدالشهدا در روز عاشورا باشد. تحلیل عاشورا، تحلیل واقعه‌ای با چنین گستره و ابعادی است و بدون شناخت شأن ولایت الهیه و ولایت معصومین (ع) و همچنین جایگاه ایشان در نظام خلقت ممکن نیست. اگر عبادت سیدالشهدا (ع) را این چنین محوری و تاریخ‌ساز معرفی کنیم، بدون شناخت صحیح از جبهه حق و باطل و به تبع آن نحوه درگیری آنها با یکدیگر نیز می‌توان پا در این وادی نهاد؛ چرا که حادثه عاشورا یکی از محوری‌ترین کانون‌های درگیری میان حق و باطل است و بدون شناخت این شأن نمی‌توان به تحلیل عاشورا پرداخت. رابطه باطنی سیدالشهدا (ع) با خدای متعال،

شاید کانونی‌ترین عبادت تاریخ که مبدأ تصرف در تکوین و تاریخ و جامعه قرار گرفته است، عبادت سیدالشهدا (ع) در روز عاشورا باشد

رابطه سیدالشهدا (ع) با عوالم - عالم ملکوت تا عالم جهاد و نبات و... - نیز باید بررسی شود و بدون مجموعه این شناخت‌ها نمی‌توان عاشورا را تحلیل کرد و فهمید که عاشورا چه بوده است؟ چه اغراض و اهدافی داشته است؟ چگونه در عالم واقع شده است؟ چه مقدمات و نتایجی داشته است؟ تکلیف ما با چنین حادثه عظیمی چیست؟ جویندگان معارف اهل بیت (ع) که در این نقطه از تاریخ مشغول به انجام رسالت خود هستند چه مسئولیتی دارند؟

سرفصل‌های کلی قیام عاشورا

به طور خلاصه تحلیل قیام عاشورا ۲ سرفصل کلی دارد:

الف - تحلیل واقعه عاشورا:

در ۳ محور کلی بررسی می‌شود.

یکم: معرفت نسبت به ولی الله؛ که مسایلی همچون ارتباط معصومین (ع) با خداوند متعال، جایگاه ایشان در نظام خلقت و نسبت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جامعة





منتخبان مردم بر هیأت‌ها نظارت کنند

جواد آریان منش *

به معروف و نهی از منکر وارد عمل شوند و امر نظارت و هدایت را به صورت کامل انجام دهند. نظارت مستقیم دولت و تکیه بر قدرت نیروی انتظامی و متوسل شدن به تهدید و رعب، از آنجایی که تداعی کننده بر خوردهای پلیس با قشرها و گروه‌های مذهبی مردم در دوران طاغوت است، نمی‌تواند اثر مطلوبی بر جاگذارد.

بی‌شک زمانی که دولت به طور نامحسوس وارد عمل شود و به جای کنترل مستقیم، نقش‌های حمایتی را بر عهده بگیرد، نقش موثرتری در این زمینه خواهد داشت. در سال‌های اولیه انقلاب، هنگامی که بحث از این‌گونه حمایت‌ها و کمک‌های دولت به هیأت‌های مذهبی پیش می‌آمد، عده‌ای آن را نامطلوب قلمداد می‌کردند و بر این باور بودند که وابستگی هیأت‌های مذهبی به دولت، تا اندازه بسیار زیادی استقلال این نهادها را مردمی را با مشکل مواجه می‌کند، اما واقعیت امر این است که فعالیت‌های مذهبی هم مانند سایر فعالیت‌ها نیازمند حمایت‌های مالی از سوی دولت است. دولتی که از دل مردم برخاسته، می‌بایست همواره قسمتی از ثروت ملی را برای ارضاء نیازهای مذهبی و فطری آنها اختصاص دهد.

متأسفانه در حال حاضر سهم فرهنگ در جامعه ما کمتر از ۵ درصد بودجه کشور است، در حالی که این میزان باید حداقل چیزی حدود ۱۰ درصد باشد و بخش قابل توجهی از این اعتبارات نیز جهت توسعه فعالیت‌های دینی به کار گرفته شود.

البته نباید از این مهم غافل شد که حمایت‌های دولتی از این‌گونه نهادها نباید به شیوه‌ای باشد که آنها را وامدار دولت کند. استفاده دولت‌ها از هیأت‌های مذهبی برای رسیدن به مقاصد سیاسی خاص، با اهداف والای آنها مغایر است. دولت‌ها تغییرپذیرند، اما این هیأت‌های مذهبی هستند که باید روند تکاملی و سیر صعودی خود را حفظ کنند و خود ناظری بر عملکرد دولت باشند. ■

* نایب‌رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

سلامت مداحی‌ها همراه باشد تا بتواند موثر واقع شود. تامین منابع مالی مناسب برای تغذیه فکری دست‌اندرکاران برگزار هیأت‌های مذهبی، فراهم کردن کتب و اشعار مناسب برای دخالت‌ها و کارشکنی‌های مأموران وابسته به حکومت شاه و رشد فعالیت‌های تحریف‌گونه آنان برای از میان برداشتن یا خدشه‌دار کردن باورهای عمیق دینی مردم مسلمان، حتی پس از پایان یافتن عمر سلطنت پهلوی هم خاموش نشد. چنانچه اکنون پس از گذشت حدود ۳۰ سال از عمر پربرت انقلاب اسلامی، همچنان شاهد این‌گونه سوگیری‌ها و جهت‌گیری‌های جاهلانه برای به انحراف کشیدن دین و مذهب و پیوند آن با خرافه‌پرستی هستیم.

استفاده از نمادها و سمبل‌های بی‌پایه و اساس، بیان اشعار و مداحی‌های نابجا و گسترش خرافات، عادات و باورهای غلط میان مردم، از جمله فعالیت‌های خطیری است که این سال‌ها از سوی تعدادی از هیأت‌های مذهبی جدیدالتاسیس در حال اجراست.

نظارت مستقیم دولت و تکیه بر قدرت نیروی انتظامی از آنجایی که تداعی کننده بر خوردهای پلیس با گروه‌های مذهبی مردم در دوران طاغوت است، نمی‌تواند اثر مطلوبی بر جاگذارد

استفاده در مداحی‌ها و تلاش برای پالایش آنها از عناصر فاقد صلاحیت از جمله مهمترین اقدامات حمایتی دولت در این زمینه است. حالا این پرسش اساسی پیش می‌آید که حد و حدود نظارت دولت بر هیأت‌های مذهبی تا کجاست؟

به اعتقاد بنده، بهترین راه برای نظارت بر این هیأت‌های مذهبی تقویت شوراهای انتخاب شده از سوی خود هیأت‌ها است؛ به این معنا که منتخبان هیأت‌ها با کمک سازمان تبلیغات اسلامی، خود بر این نهادها مذهبی نظارت داشته باشند.

از آنجایی که شورای هیئات، برخاسته از میان خود مردم هستند و عملکردی کاملاً مردمی دارند، بهتر می‌توانند بر اساس شیوه‌های امر

هیأت‌های مذهبی از زمان شکل‌گیری تاکنون همواره به عنوان مهمترین نهاد فرهنگی و البته فرهنگ‌ساز جامعه مورد توجه بوده‌اند، از این رو نظارت، هدایت و حمایت همه‌جانبه بر آنها، ضرورتی انکارناپذیر تلقی می‌شود.

حفظ مصونیت و تداوم فضای سالم و معنوی هیأت‌های مذهبی در هر برهه‌ای از تاریخ به علت نفوذ و رفتار مغرضانه عده‌ای سودجو یا نابلد، همواره با مشکلات و خطراتی همراه بوده است.

استفاده از نمادها و سمبل‌های بی‌پایه و اساس، بیان اشعار و مداحی‌های نابجا و گسترش خرافات، عادات و باورهای غلط میان مردم، از جمله فعالیت‌های خطیری است که این سال‌ها از سوی تعدادی از هیأت‌های مذهبی جدیدالتاسیس در حال اجراست. بی‌شک فراگیر شدن این باورهای نادرست و درگیر شدن عامه مردم در دام خرافه‌پرستی، نتیجه‌ای جز انحراف کامل دین به همراه نخواهد داشت. از این رو، بحث نظارت و هدایت بر عملکرد این‌گونه هیأت‌ها بیش از پیش لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

درست است که از چند سال پیش با کمک و حمایت‌های سازمان تبلیغات اسلامی، نظارت بیشتری را بر فعالیت و عملکرد هیأت‌های مذهبی در مقایسه با گذشته شاهد بوده‌ایم، اما هنوز ساختاری کاملاً مناسب برای هدایت کامل آنها در دستور کارمان قرار نگرفته است. سیاستگذاری در این زمینه آن‌گونه که از رهنمودهای مقام معظم رهبری برمی‌آید، باید با افزایش سطح آگاهی‌های مدیران هیئات مذهبی، تغذیه فکری و



وظیفه دولت در قبال نهادهای مردمی

مسعود جاوری*

کار مشخص شود و بدانیم که وظیفه هر نهاد و سازمانی چیست. برای مثال هنگامی که با قمه زدن به عنوان یک عمل خلاف برخورد می‌شود، این مسئله تنها به صورت یک دستور کلی عنوان می‌شود و جزئیات آن برای عناصر این نهاد که مسئولان اجرایی به حساب می‌آیند، واضح و مشخص نیست. بنابراین آنها به محض برخورد با دسته‌های قمه‌زنی به خاطر عدم آگاهی دقیق به سرعت وارد گروه آنها می‌شوند و گاه حتی باز دو خورد افراد را متفرق می‌کنند. این کار ممکن است باعث ایجاد نوعی سوگیری در میان گروه‌های قمه‌زنی و حتی تماشاچیان ماجرا شود. به هر حال آنچه واضح است باید فرایندها به طور دقیق و کامل توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و نهادهای فرهنگ‌ساز تدوین و وظیفه هر بخش اعم از نیروهای قهریه، مطبوعات، صدا و سیما، تشکل‌های مذهبی و غیره عنوان شود تا هر فردی تکلیف خود را بداند.

مسئله دیگری که در باب حمایت دولت وجود دارد این است که گاه باید صلاحیت مداحان و حتی روحانیونی که قصد رفتن به منبر دارند، مورد ارزیابی قرار گیرد و دولت می‌تواند به شکل غیرمستقیم در این امر شرکت کند. مثلاً آشنایی با احوالات معصومین و خاندان عترت (ع)، آشنایی با وضعیت جغرافیایی عتبات مقدس و مشاهد منوره، آشنایی با روخوانی و روان‌خوانی قرآن، آشنایی با روخوانی و روان‌خوانی ادعیه، زیارت و احادیث معصومین (ع)، آشنایی، آگاهی و التزام به احکام شرعی، آشنایی با ادبیات فارسی یعنی حداقل صحیح‌خوانی اشعار و متون مداحی اهل بیت (ع)، اشتها به صلاح، سداد و تقوی و برخورداری از ظاهر مناسب و درخور شأن مداحی از شرایط اعلام صلاحیت مداحان برای مداحی به شمار می‌رود. باید معیارهایی هم برای روحانیون در نظر گرفته شود تا از این راه، افراد اصلح مشخص و برای سخنرانی انتخاب شوند. ■

* مدیر عامل بنیاد دعبیل

بعضی از افراد که به نام مداحی یا مرثیه‌خوانی شروع به سوءاستفاده از احساسات مردم می‌کنند مانند کف روی آب، مقطعی و زودگذر است، چرا که آنها در حال استفاده ابزاری، از بعضی مسایل هستند که این کار نه شایسته آن ابزار است، نه شایسته آن مسایل و نه حتی شایسته جایگاهی که فرد از آنجا این سوءاستفاده را آغاز می‌کند. در واقع دین و مذهب بر نمی‌تابند که باز چه یک تفکر سیاسی و یا اجتماعی قرار گیرند و به همین خاطر این شکل استفاده‌ها همواره ناپایدار و زودگذر است. دولت در این زمینه هم می‌تواند وارد عمل شود که بی‌شک باید بسیار دقیق و ظریف عمل کند تا ناخواسته باعث موضع‌گیری مردم و ایجاد حالت تدافعی در

وظیفه اصلی دولت در قبال نهادهای مردمی باز شناساندن آنها به خودشان است تا از این طریق، باورهای اساسی را در آنها تقویت کند و مانع هر گونه کجروی و انحراف در آنها شود

میان عوام نشود.

از سوی دیگر، نباید نقش آموزش را در جلوگیری از انجام برخی از رفتارهای غلط مذهبی نادیده گرفت.

در واقع بهتر است دولت در ابتدا با استفاده از تمام امکانات، دست به فرهنگ‌سازی گسترده بزند و مردم را با دلیل و برهان نسبت به رفتار غلط خود آگاه و سپس متقاعد کنند. در واقع با متقاعد کردن مردم نیمی از راه رفته شده و شرایط تغییر خواهد کرد. در این زمان می‌شود با افرادی که هنوز بر انجام رفتارهای مذهبی نادرست خود اصرار دارند - که بی‌شک تعدادشان بسیار اندک خواهد بود - به گونه‌ای دیگر برخورد کرد.

به هر حال برای جلوگیری از شکل‌گیری این دست مشکلات لازم است که حتماً میناهای

تشکل‌های مذهبی که از میان مردم بر خواسته‌اند، در کشور ما از دیرباز دارای پیشینه و ساختارهایی بسیار استوار و عظیم بوده‌اند، به گونه‌ای که حکومت و حاکمیت هرگز نتوانسته است به عنوان تصمیم‌گیرنده در اصل آنها نفوذ کنند. بنابراین با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد این گروه‌ها، دولتی کردن این نهادها آفت آنها محسوب می‌شود که بی‌تردید ضربه زدن به این گروه‌ها نه خواسته مردم و نه خواسته دولت است. این هیات‌ها نهادهایی مردمی هستند و با توجه به این که امروزه در جهان NGOها (تشکل‌های مردم‌نهاد) و نهادهای مردمی حرف اول را می‌زنند باید توجه ویژه‌ای به آنها داشت، چرا که این گروه‌ها به خاطر باورهای دینی، آرمان‌های مشترک و هماهنگی در ساختارها بدنه‌ای غیر قابل نفوذ و قوی دارند.

البته اینها به معنای این نیست که دولت کنار بنشیند و تصمیم‌گیری‌های این نهادها را نظاره‌گر باشد، بلکه نقش دولت در این میان نقشی روشن‌تر است که می‌تواند پیشینه و گذشته این تشکل‌ها را به خودشان معرفی کند. برای مثال کسی که به عنوان یک عنصر مذهبی در یک هیات فعالیت می‌کند، در اغلب موارد به دلیل محدودیت‌های متفاوت در دسترسی به اطلاعات و حتی بی‌توجهی به این امر، آگاهی درستی از پیشینه هیات خود و دلایل شکل‌گیری آن ندارد، اما دولت می‌تواند این اطلاعات را جمع‌آوری کند و بدون هیچ نوع تحلیل جانبدارانه‌ای پیشینه هیات را در غالب بروشور و کتابچه‌هایی در اختیار اعضا بگذارد تا بتوانند خودشان را باز شناسایی کنند.

در واقع وظیفه اصلی دولت در قبال این نهادها، باز شناساندن آنها به خودشان است تا از این طریق، باورهای اساسی را در آنها تقویت کند و مانع هر گونه کجروی و انحراف در آن هیات شود. با توجه به این که ما در کشورمان هیات‌های با قدمت حتی بیش از ۲۰۰ سال داریم، این کار می‌تواند با نشان دادن قدمت و عظمت هیات، مانع هر گونه پراکندگی و بدعت افراد شود.

ناگفته نماند که از نظر من وجود و حضور

تهدیدها و فرصت‌های نظارت حاکمیت بر هیات‌های مذهبی

ستار هدایت‌خواه *



هیات‌های مذهبی در ایران ریشه تاریخی دارند و نقش بسزایی در حفظ اندیشه‌های دینی و ترویج آن عهده‌دار هستند. این نقش چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن، همواره وجود داشته است و تأثیرات فرهنگی آن در تمام ادوار به استناد تاریخ قابل بررسی است. این ویژگی‌ها که نشانگر میزان بالای اهمیت هیات‌های مذهبی است دلیل موجهی برای وجود حمایت از سوی حاکمیت بر آنها است، چرا که این نهادها اغلب به صورت خودجوش و مردمی هستند و اگر حمایت نشوند به دلیل نداشتن منابع مالی کافی نمی‌توانند انتظارات را برآورده کنند.

از سوی دیگر، این هیات‌ها نیاز به نظارت دارند تا از بدعت‌ها و انحراف‌ها در این تشکل‌های مردمی جلوگیری شود. همچنین نگرانی دیگری که در مورد هیات‌های مذهبی به صورت جدی وجود دارد، خطر افتادن آنها در دام جریان‌های سیاسی است که امروزه نیز

مصادیق بسیاری از آن در جامعه وجود دارد. بعضی از جریان‌های سیاسی با نگاه طمع‌آمیز به سمت این هیات‌های مردمی رفته و گاه در کار خود موفق شده‌اند. نمونه‌های زیادی از موضع‌گیری‌های سیاسی له یا علیه اشخاص یا جریان‌ها در سال‌های اخیر وجود داشته است. به هر حال در طول تاریخ هر حرکت ارزشمندی مورد طمع یا کینه و دشمنی قرار گرفته است و همین طمع و دشمنی درباره نهاد‌های مذهبی و هیات‌ها که دارای ارزش و اهمیت بالایی هستند، به شکل‌های مختلف بروز پیدا کرده است. مسئله اصلی اینجاست که اگر این اتفاق در مورد هیات‌های مردمی بیفتد، این حرکت فرهنگی به ضد خود تبدیل می‌شود و گاه مورد بدبینی مردم قرار

**در بحث نظارت با شمشیری
دولبه مواجهیم که یک سر آن
اصلاح و هدایت است و لب بسیار
بُران دیگرش دام بی‌اعتمادی
مردم به نهادی است که سال‌ها،
صد در صد مردمی بوده است**

می‌گیرد. چنانچه مردم در دوره‌هایی از تاریخ ایران نسبت به آنها بی‌اعتماد بوده‌اند. اصولاً در چنین مواردی این امکان وجود دارد که آسیب‌های ایجاد شده از بی‌اعتمادی به سختی درمان شوند؛ ضمن آن که عادی شدن این انحرافات، خود خطر همه‌جانبه دیگری

است که باید جدی گرفته شود. حال که الزام و جود حمایت و نظارت حاکمیت بر این نهادها روشن شد، چگونگی انجام این حمایت و نظارت‌ها مطرح می‌شود. بی‌شک برای انجام حمایت، داشتن شیوه و روش خاصی لازم نیست، چرا که حاکمیت با ارایه کمک‌های مالی و اعتباری به این نهادها می‌تواند آنان را از دیگران بی‌نیاز کند و در واقع دست طمع بدفکران و فرصت‌طلبان را کوتاه کند، اما در بحث نظارت باید دانست با شمشیری دو لبه مواجهیم که یک سر آن اصلاح و هدایت است و لب بسیار بُران دیگرش دام بی‌اعتمادی مردم به نهادی است که سال‌ها صد در صد مردمی بوده و حالا زیر چتر حمایت و هدایت دولت قرار می‌گیرد. بی‌تردید حاکمیت باید در اغلب موارد به شکلی غیرمستقیم وارد عمل شود. برای مثال باید تلاش کند تا با تأثیر بر روی رهبران نهادها و ارتباط با روحانیون، آنها را از خطرات احتمالی آگاه کند. باید سعی کند با آموزش و تقویت باورهای دینی افراد و همچنین رهبران نهادها مانع پیوستن و یا همراهی هیات‌ها با افراد بدعت‌گذار و انحرافی شود.

البته چون بعضی رفتارها و عمل‌ها از سوی خارج از کشور و عنادورزان هدایت و سازماندهی می‌شود، گاهی نیاز به حضور قوه قهریه و بکارگیری اجبار است، اما به طور کلی استفاده از قوه قهریه در امور فرهنگی بسیار ناپسند است و اصل بار رفتارهای هدایتی و ارشادی است که بسیاری از افراد ناآگاه را به راه صحیح هدایت می‌کند. در انتها اگر کسی



میثم نیلی؛ مشاور جوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

الگوسازی برای همه عوامل هیات‌ها

محرم ۶۱ هجری قمری آغاز شده است. کاروان اسرای کربلا به محض ورود به کوفه در میان مردم عهدشکن و غفلت‌زده شهر، خود را باز معرفی کردند و داستان فاجعه‌بار قتل‌عام فرزندان و خاندان رسول خدا (ص) و شهادت جانشوز حسین بن علی (ع) را برای مردم بازگو کردند. شرح مصائب و نقل داستان عاشورا موجب گریه و شیون مردم می‌شد و احساسات آنان را - که خود عامل این حادثه بودند - تحریک می‌کرد؛ اما این تمام قضیه نبوده است.

بدون شک نقل مصائب کربلا هدفی والاتر از تحریک احساسات داشته است. منطق بی‌ظنیر و سخنان پرمغز حضرت زینب (س) و امام علی ابن‌الحسین (ع) در کوفه و شام و سپس در بازگشت به مدینه، درس اسلام‌آموزی بود؛ اسلامی که تنها ۵۰ سال پس از وفات پیامبر (ص)، آن چنان وارونه جلوه داده شده بود که جامعه مدینه و کوفه و... بدعت‌ها و فسق‌های آشکار معاویه بن ابوسفیان را برمی‌تافتند و او و فرزندش را امیر المومنین می‌خواندند.

اسلام ناب محمدی و علوی و معارف ناب قرآن کریم به مرور دستخوش تحریفات

محسن خانعلی؛ مشاور جوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را باید آن دسته از جوانانی دانست که به واسطه حضور چندین ساله در هیات‌های مذهبی، مشکلات و چالش‌هایشان را با پوست و استخوان درک کرده و امروز که به عنوان مشورت‌دهنده نخستین مسئول فرهنگی دولت به ساختمان میدان بهارستان رفته، تلاش می‌کند تا سر و سامانی به این بخش بدهد. «میثم نیلی احمدآبادی»، در طول مصاحبه گاهی نقش منتقد را بازی می‌کند و از پیرایه‌های به وجود آمده سخن می‌گوید و گاهی هم در نقش یک حامی، هیات‌ها را نیازمند آسیب‌شناسی می‌داند و معتقد است که گاهی از این آسیب‌شناسی‌ها برداشت سیاسی می‌شود. نیلی در مصاحبه با ماهنامه «خیمه» برخی از برنامه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را برای هدایت هیات‌های مذهبی تشریح کرد که مهمترین آنها تدوین بسته‌های فرهنگی برای عوامل یک هیات است.

■ نقطه آغاز تشکیل هیات‌های مذهبی را کجا و در چه زمانی می‌دانید؟
عزاداری برای اباعبدلّه دقیقاً از روز یازدهم

بر اشتباه خود تظاهر کرد و اصرار ورزید، می‌توان از قوای قهریه برای تنبیه او بهره برد. بُعد نظارتی علاوه بر شرکت در این زمینه‌ها باید به نوعی صلاحیت رهبران هیات‌های مذهبی را احراز کند. نیاز نیست که تشخیص این صلاحیت‌ها مستقیم از سوی حاکمیت انجام شود، بلکه با سپردن این وظیفه به گروه‌های مردمی که از افراد کاردان و کارشناس تشکیل شده‌اند، کار به شکلی کامل و صحیح انجام خواهد شد. در واقع حاکمیت باید با آموزش ویژه از طریق مطبوعات و رسانه‌ها، مردم را آگاه کند تا آنها خود برای رهبران هیات‌های خود تصمیم بگیرند. در اینجا باید به نکته بسیار ظریف دیگری توجه داشت که در صورت مکتوم ماندن در دستگاه‌های نظارتی و حمایتی، می‌تواند خطر پنهان اما بسیار جدی دیگری ایجاد کند؛ چنانچه آموزش و راهنمایی بخواهد منحصر از جانب یک طرز تفکر حاکم بر این دستگاه‌های حمایتی و نظارتی بر خیزد با از بین بردن تکثر که خود باعث پیشرفت است، به ایجاد فضایی کُرخت و یکنواخت حتی با اشتباه‌های یکسان منجر می‌شود و مانع بزرگی خواهد بود بر سر راه تعالی روح معنوی هیات‌های مذهبی.

نگاه دیگری که لازم است در بررسی هیات‌های مذهبی مورد توجه قرار گیرد، رویکرد کارکردگرایانه به این نهادهای اجتماعی است. قطعاً به جز برگزاری مراسم‌های مذهبی، این گروه‌ها می‌توانند کارکردهای بااهمیت دیگری چون ایجاد همبستگی‌های گروهی بین افراد، آموزش، الگوسازی و غیره را عهده‌دار شوند و نقش مهمی در رشد فرهنگی جامعه بازی کنند. در حال حاضر، گاه دیده می‌شود که مداحان هیات‌ها از اشعار و سبک‌هایی برای عزاداری استفاده می‌کنند که نوعی بدعت است و نیاز به تذکر و مراقبت دارد. برای مثال من سازمانی دیده‌ام که با تلاش یکی از مداحان کهنه‌کار و قدیمی مداحان را شناسایی و جمع کرده تا برای آنان دوره‌های آموزشی برگزار کند. این دوره‌های آموزشی که در همه زمینه‌ها برگزار می‌شود، نوعی حرکت اسلامی است که هیات‌های امروز به آن نیاز دارند. ■



معرفتی قیام عاشورا هدف مهمی است که در عزاداری‌ها نهفته است، اما به نظر می‌رسد که مدتی است توجه به این بخش مهم، به حاشیه رانده شده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد که کارکرد هیات‌ها نیز دستخوش تغییر شود. نگاه دولت و به‌ویژه بخش فرهنگی آن به هیات‌های مذهبی چگونه است؟ آیا وظیفه‌ای در قبال آنها برای خود متصور است؟

توجه داشته باشید که یکی از موثرترین شاخص‌های فرهنگ عمومی ما و یکی از متداول‌ترین آیین‌های سنتی عمومی ما، آیین بزرگداشت واقعه عاشورا است. تمام اقوام و سلاطین در این مورد مشترک هستند. اگر فرهنگ عمومی را مجموعه‌ای از شیوه‌های زندگی، عقاید، ارزش‌ها، آیین‌ها و رفتارهای مردم یک جامعه بدانیم، عزاداری عاشورا مصداق بارز یک موضوع بااهمیت در فرهنگ عمومی ما به حساب می‌آید. تفاوت سلیقه‌ها، تفاوت در گرایش‌ها، تفاوت در قومیت‌ها و تفاوت در میزان پایبندی به احکام اسلامی، هیچ‌کدام مانع علاقه‌مندی، اشتیاق و شور عمومی مردم در پرداختن فردی، خانوادگی و اجتماعی به این مقوله نبوده و نیست. این مقوله در عین عمومیت، دارای درجه بالایی از قداست و عظمت معنوی است که این مسئله در فرهنگ عمومی جامعه ایران در کمتر مسئله‌ای مشابهت دارد.

با پذیرش این مطلب این پرسش مطرح می‌شود که آیا دولت اسلامی مسئولیتی در

متأسفانه تا بحث حمایت دولت از هیات‌ها مطرح می‌شود، بیشتر نظر‌ها متوجه حمایت‌های مالی می‌شود؛ در حالی که نیاز به حمایت معنوی بسیار بیشتر از حمایت مادی احساس می‌شود

ملت ایران از ابتدای قبول دین اسلام، همواره ارادتمند و علاقه‌مند به اهل بیت پیامبر (ص) بوده‌اند و شاید یکی از عواملی که موجب رواج مذهب تشیع در ایران شده است، تاکید و تلاش بی‌شائبه علما، بزرگان و حتی شاعران ایرانی به مطرح شدن و زنده ماندن پرچم عزاداری حسینی بوده است. اقدامات و مجاهدت‌های دانشمندان دینی و فرهیختگان در ادوار مختلف برای مردمی شدن فرهنگ عزاداری حسینی در میان جوامع شیعی باعث شد تا نهضت تشیع همواره زنده و پویا بماند و هر سال به اقتضای زمان و زمانه، درس‌های ناب از مکتب امام حسین (ع) بیاموزند.

پیامد و یکی از مهمترین درس‌های عاشورا در انقلاب اسلامی ایران متجلی شد و عبرت‌های عاشورا هنوز مانند دریایی بیکران، برای ملل آزاد دنیا پیام دارد.

■ شما تاکید داشتید که توجه به مسایل

آشکار شده بود و معروف‌ها جای منکرات و منکرها جای معروف‌ها نشسته بود. مردی فاسد، شرابخوار، اهل فسق علنی و «زن باره» بر جایگاه پیامبر تکیه زده و ظلم و بی‌عدالتی را در تمام بلاد گسترده مسلمانان نهادینه می‌کرد. در این شرایط امام حسین (ع) از بیعت با او سر باز زده و به قصد امر به معروف و نهی از منکر و بانیت اصلاح امت پیامبر (ص) و ترسیم مجدد خط اسلام ناب، قیام کرد.

نقل حادثه جانسوز کربلا توسط اهل بیت و برگزاری جلسات عزاداری در منازل خود، لباس عزابه تن کردن، تشویق شعرا و مداحان و... توسط ایشان مبنی بر بازگو کردن مصائب کربلا، علاوه بر تحریک عواطف اهل اسلام، بهانه‌ای بود برای انتقال پیام‌های عاشورا. بنابراین جنبه معرفتی و فرهنگی قیام کربلا همواره مورد نظر بوده است. از این منظر، بزرگان دین اسلام و مکتب تشیع در طول قرن‌های متمادی با توجه توأمان به ابعاد عاطفی و انسانی و نیز ابعاد عقلانی، معرفتی و حماسی حادثه کربلا ۶۱، اسلام حقیقی را در میان مردم ترویج کرده‌اند. آنها در مقابل جریان ظلم، ستمگری و بی‌عدالتی، جریان مقاومت را پایه‌گذاری و ارشاد کرده‌اند.

■ این مراسم در ایران همواره با شکوه بیشتری نسبت به سایر کشورها برگزار شده است. می‌توان تحلیل تاریخی در این مورد ارائه داد؟



صحبت شود. بر خورد باید و نبایدی خیلی جوابگو نیست، چه بسا که به جواب‌های عکس هم منجر شود. این که یک نکته حکم خداست، حکم مراجع تقلید است راهیاتی‌ها خوب درک می‌کنند و در مقابل آن مقاومت نمی‌کنند.

■ **با وجود این آگاهی و اعتقاد در بیشتر مسئولان فرهنگی، هنوز هم میزان برخوردهای سلبی بیشتر است؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گامی در این جهت برداشته است؟**

در دولت نهم و با حمایت رئیس جمهوری، ستادی به نام عاشوراایان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شده است که با همکاری سازمان‌های دیگر از جمله سازمان تبلیغات اسلامی و برخی دستگاه‌ها و تشکل‌های مردمی، مأمور حمایت و هدایت هیات‌های مذهبی شده است؛ البته با تاکید بر حمایت‌های معنوی. هر چند که نمی‌خواهم حمایت‌های مادی را نیز به طور کلی تخطئه کنم، زیرا در مواردی باید این‌گونه حمایت‌ها نیز صورت گیرد. از اجرای این طرح که جزو برنامه‌های موفق وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی هم بوده است، دو سال می‌گذرد.

به عنوان مثال، در رابطه با شمایل‌گرایی در هیات‌ها، ما از سال ۸۵ تعداد قابل توجهی از بنرهایی که حاوی تصاویری از مرقد‌های شهدای کربلا بود، با طرح‌های گرافیکی خوب و کیفیت مطلوب به هیات‌ها اهدا کردیم. یعنی با آغوش باز و لبخند، خوراک خوب را توزیع کردیم. در این فضا جریانی در کل شهرستان‌ها ایجاد شد که هیات‌ها به جای تصاویر غیرواقعی، تصاویری از گنبد و بارگاه شهدای کربلا را استفاده کردند. این فرایند در کوتاه‌مدت جواب می‌دهد.

ما نمی‌توانیم با هیاتی‌ها با اخم و برخورد مواجه شویم. هیاتی‌ها بهترین‌های جامعه ما هستند. از این افراد مومن‌تر چه کسانی را می‌شناسیم؟ کسانی که تنها با انگیزه‌های الهی و کاملاً آرمانی به میدان آمده‌اند و فعالیت می‌کنند. «یا لیتنی کنا معک» می‌گویند؛ «انی

بر خورد سلبی با هیات‌ها فقط باید جایی باشد که حکم شرعی وجود دارد، اما جایی که حریم سلبی است باید احتیاط کرد. بر خورد باید و نبایدی خیلی جوابگو نیست، چه بسا که به جواب‌های عکس هم منجر شود

محتوایی را رایه دهیم تا منجر به اصلاح رفتار شود. اصلاح رفتار نیز به جز اصلاح در اندیشه و مبانی فکری امکان‌پذیر نیست. اگر هم باشد، نتایجی زودگذر دارد. باید نوع نگرش عوض شود. ما باید محتوای سالم و خوب را به مردم برسانیم. باید بر اساس مبانی دقیق دینی به همه ارکان یک هیات، الگوی مناسب را رایه دهیم تا خروجی همه هیات‌ها با هم همگن باشد.

■ **اما به نظر می‌رسد قصور دستگاه‌های فرهنگی منجر به برخوردهای غیر فرهنگی با هیات‌ها شده است؟**

من معتقدم برخورد سلبی نسبت به هیات‌ها جواب نمی‌دهد. برخورد سلبی فقط باید جایی باشد که حکم شرعی وجود دارد. حکم شرعی تعارف ندارد. آنجا که حدود دین است باید برخورد شود، اما جایی که حریم سلبی است باید احتیاط کرد. باید باز بان ارشاد

قبال فرهنگ عمومی دارد یا نه؟ جواب واضح و روشن است. به اعتقاد من، مهمترین وظیفه یک دولت و حکومت اسلامی، ارتقای سطح فرهنگ عمومی جامعه است.

■ **با این حساب، سازمان خاصی مسئول مستقیم نظارت و هدایت این بخش از فرهنگ عمومی نیست؟**

کلیت نظام سازمان مشخصی را مسئول نظارت مستمر بر هیات‌ها به عنوان مجموعه‌های مردم‌نهاد کرده است. در نتیجه حمایت، هدایت و نظارت همراه و همقدم هستند. پدر خانواده را تصور کنید که زمانی که می‌خواهد فرزندان را هدایت کند، ابتدا باید رابطه حمایتی خود را با آنها تعریف کند و در ضمن، نظارت دائمی هم بر رفتار فرزندان داشته باشد. بنابراین مکانیزم نظارت بر این تشکل‌ها تعریف شده است و سازمان تبلیغات اسلامی هم موظف است در این زمینه کار کند، اما همان‌گونه که گفتم فرهنگ‌سازی بخشی از فرهنگ عمومی کشور است و همه دستگاه‌های فرهنگی در قبال آن مسئول هستند.

■ **این یک اصل پذیرفته شده است؛ آنچه مهم است، راه‌ها و روش‌هایی است که باید برای حمایت و ارتقای سطح این فرهنگ برگزیده می‌شود؟**

متأسفانه تا بحث حمایت دولت از هیات مطرح می‌شود، بیشتر نظرها متوجه حمایت‌های مالی می‌شود، در حالی که بیشتر راه‌های حمایت و ارتقای این فرهنگ، نیازی به پول و حمایت مادی ندارد. نیاز به حمایت معنوی، بسیار بیشتر از حمایت مادی احساس می‌شود.

■ **بیشتر توضیح می‌دهید؟**

ببینید ما بایستی نقش و تاثیر گذاری همه عوامل هیات را که به شکل گسترده در ارتباط و تعامل با یکدیگر هستند، به خوبی شناسایی کنیم تا متوجه شویم بیشترین آسیب‌ها از کدام بخش وارد این تشکل‌ها می‌شوند. بعد به فکر این باشیم که برای هر کدام چه

و کتاب‌های خوب تولید کنیم. کتاب‌های با مضامین معرفتی به عناصر برجسته فکر و اندیشه‌ای سفارش بدهیم و بعد آنها را در اختیار اهل منبر قرار دهیم. به همین ترتیب برای مداحان باید عمل شود. بحث‌های خیلی جدی آسیب‌شناسی مداحی که به‌ویژه در ۴-۵ سال اخیر رونق گرفته است، باید مورد توجه قرار گیرد. هر چند که در حوزه این بحث‌ها باید مراقب حساسیت‌زایی‌ها

هم بود. به نظرم برای مداحان که رهبر انقلاب هم بارها نسبت به عملکردشان تذکر دادند، باید بسته‌های الگویی تهیه شود. باید یک جلسه مداحی را بنا بر اشارات رهبر معظم انقلاب، تفکیک و برای هر قسم الگو و خوراک ارائه دهیم. رهبر انقلاب فرموده‌اند که یک جلسه مداحی اولاً باید با توبه شروع شود. بخشی از یک دعا خیلی می‌تواند کمک کند. بخش دیگر توصیه‌های اخلاقی است، آن هم نه به صورت مستقیم؛ مثلاً اشعاری که یک پند اخلاقی در آن نهفته است و یا داستان‌هایی از این قسم. حضرت آقا در این بخش شعرهای صائب را توصیه کردند که پندهای اخلاقی عمیقی در آن وجود دارد. بعد وارد روضه، گریز، سینه‌زنی و دعا شوند که البته خیلی هم نباید طول بکشد. اولویت باید با مباحث معرفتی باشد. ما برای حاصل شدن این نتیجه باید بهترین مواد اولیه را در اختیار مداحان بگذاریم. حتی باید ملودی‌های مناسب برای اشعار آنها تنظیم کنیم، زیرا تجربه این چند سال نشان می‌دهد ملودی‌هایی که برخی از مداحان استفاده می‌کنند، در شأن اشعار هم نیست.

دستگاه‌های فرهنگی ذیل حاکمیت دینی اگر از این راه‌ها استفاده کنند، می‌توانند بدون امر و نهی کردن با ارائه بهترین‌ها میزان جذب قابل توجهی داشته باشند و پیرایه‌ها را کنار بزنند. حُسن دیگر این کار این است که دیگر حجت بر همگان تمام می‌شود. از آن پس هر که خلاف کند، مسئول است. دیگر

سلم لمن سالمکم» می‌گویند. این عنصر قابل توجهی در جامعه ما محسوب می‌شود. مقابله با این تشکل‌ها به این معناست که شاخص‌ها و معیارها دچار مشکل شده است. البته نمی‌خواهم هرگونه اعمال سلبی را رد کنم. در مواردی که عناد ورزیده می‌شود، برخورد قهری و سلبی ضروری است، اما تعداد این افراد خیلی کم است. اصلاح برخی کژروی‌ها با حساسیت‌زایی‌های سیاسی درست نیست، به گونه‌ای که ما باید یک آسیب‌شناسی برای آسیب‌شناسی در هیات انجام دهیم. امروز تحت‌تأثیر این تبلیغات هر فردی که وارد هیات می‌شود، دائم نگران است که هر چه می‌شنود دروغ است.

البته در مقابل تحریفات که صورت می‌گیرد سکوت هم جایز نیست. برنامه‌ای برای مقابله با این تحریفات وجود دارد؟ یعنی راهی هست که همان نظارت معنوی در ارکان داخلی هیات‌ها مانند مداحی‌ها و ... هم اعمال شود؟

همان ستاد عاشوراییان از دو سال قبل مسئول تدوین بسته‌های فرهنگی برای هیات‌ها شده و موظف است برای همه ارکان هیات، از روحانی، مداح، رئیس هیات و حتی سینه‌زن بسته‌های فرهنگی حاوی بهترین منابع دینی تهیه کند.

بهترین کار این است که حکومت اسلامی، منابع صحیح و مورد اتفاق علمای آماده و توزیع کند. یا در بخش مسایل معرفتی، بحث‌های شناختی از معارف عاشورا، درس‌های عاشورا

کسی نمی‌تواند بهانه کند که بی‌اطلاع بوده و شناختی نسبت به مسایل نداشته است. به نظرم فضا خیلی روشن‌تر می‌شود. ما باید حتی برای رئیس هیات، نوجوان هیاتی، یک جوان و پسر غلام هیاتی هم الگو تعریف کنیم. اگر این مسیر را به درستی طی کنیم، نتیجه کلانی خواهیم گرفت.

گفتید که به طور کلی مخالف کمک‌های مادی به این تشکل‌های مردم‌نهاد نیستید؛ می‌شود مصداق موارد موافقت خود را بگویید؟

سیاست کلان دولت این است که حداکثر مشارکت مردمی را در همه امور، حتی امور مربوط به خود را جلب کند، یعنی تا آنجا که مردم توانایی مشارکت دارند، از این ظرفیت استفاده کند و توان خود را صرف هدایت، توسعه و راه‌اندازی کارهای جدید کند. اما مثلاً در مورد همین هیات‌های مذهبی در نقاط محروم، حواشی شهرها و مواردی که مردم توان مشارکت ندارند، دولت موظف است که برای حمایت از فرهنگ عمومی کشور وارد عمل شود و مانع از این شود که فرهنگ عزاداری منزوی شود؛ یا در مورد دیگر، یکی از فعالیت‌های ستاد عاشوراییان که رشد و توسعه‌تأثیرات‌های مذهبی است که مخاطب هدفش نیز عام‌تر از هیات‌ها است. این برنامه نیز تا زمان رشد و توسعه نیاز به حمایت دارد. ■



نگذاریم فرصت‌ها به تهدید تبدیل شوند

گفت و گویا «ابراهیم علیپور»: از بنیانگذاران هیات انصارالحسین (ع)

در خصوص عزاداری صحیح برای ائمه معصومین در هیات‌ها آستین بالا زده تشکر کرد ولی می‌گفت کمی دیر شده و ما باید از حالا به فکر ۵ یا ۱۰ سال آینده هیات‌هایمان باشیم تا انجام برخی اعمال غیر مذهبی نظیر قمه‌زنی به بهانه عزاداری برای ائمه، بهانه‌ای در دست غرب برای تبلیغ از اسلام به عنوان دینی خشن نداده باشیم.

همه این اظهارات و دیدگاه‌ها متعلق به «ابراهیم علیپور» است که خود از اعضای هیات امناء و بنیانگذاران هیات انصارالحسین (ع) است. با علیپور که دیروز، رزمنده سال‌های دفاع مقدس بوده و امروزه به کارشناس مسایل اجتماعی تبدیل شده و حتی در کارنامه فعالیت‌های اجتماعی خود عنوان شورابار نمونه شهر تهران را نیز دارد، در خصوص نقش هیات‌ها، مداحان ائمه و نقش دولت در حمایت و هدایت هیات‌ها به بحث و گفت‌وگو نشستیم. آنچه در پی می‌خوانید، حاصل گفت‌وگوی دو ساعته ما با اوست.

محمدصادق امینی

اشاره: می‌گفت‌گره کوری که در این مساله افتاده، ناشی از بی‌توجهی مسئولان به این مساله مهم است و این‌طور استدلال می‌کرد که چطور برای یک مانتوز نانه چون آرم دارد یا تنگ و کوتاه است، تمام نهادها دست به دست هم می‌دهند ولی برای موضوعی به این مهمی که با دین در ارتباط است، یک کار کارشناسی صورت نگرفته است. بسیار شیوا سر این صحبت را باز کرد که هنگام تصمیم‌گیری برای هیات‌ها و مجالس عزاداری ائمه صحیح نیست که از فرهنگ «باید و نباید» استفاده کنیم. در لابه‌لای حرف‌هایش می‌توانستی ضرورت آسیب‌شناسی در حوزه عزاداری ائمه اطهار (ع) را به خوبی احساس کنی. ضرورتی که مقام معظم رهبری، مراجع عظام تقلید و سایر روحانیون نسبت به عواقب بی‌توجهی به آن ابراز نگرانی کرده‌اند ولی به اعتقاد او صدا و سیما به عنوان یک رسانه فراگیر ملی هنوز نتوانسته با یک فرمول حساب شده برای آن فرهنگ‌سازی کند. در ابتدای سخنانش حتی از نشریه «خیمه» به عنوان اولین نشریه‌ای که برای فرهنگ‌سازی

■ همان طور که می‌دانید چند سالی است گفت‌وگو‌هایی در سطح جامعه از سوی علما و کارشناسان مسایل مذهبی در خصوص نحوه عزاداری صحیح برای ائمه اطهار آغاز شده و در نتیجه در خصوص رواج خرافات در نتیجه بی‌توجهی به بیان روایات غیر مستند و برخی روضه‌خوانی‌ها برای ائمه نیز هشدارهایی داده شده است. با توجه به این مسایل، شما چالش‌های فعلی جامعه ما در خصوص نحوه عزاداری برای ائمه اطهار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

چالش‌هایی که ما امروزه در سطح جامعه با آن مواجه هستیم، بی‌هیچ تعارفی نتیجه عدم فرهنگ‌سازی مناسب، برای عزاداری درست برای ائمه معصومین است. به نظر بنده، صداوسیما به عنوان یک رسانه ملی که بیشترین مخاطب را در سطح جامعه دارد، نباید پوشش رسانه‌ای خود از فعالیت‌های مذهبی را محدود به دهه محرم و سایر مناسبت‌های مذهبی کند. من فکر می‌کنم از آنجایی که عزاداری صحیح برای ائمه اطهار موضوعی است که به دین مبین اسلام مربوط است، رسانه ملی می‌تواند در طول سال برنامه‌های دنباله‌داری را پخش کند (حتی هفته‌ای یک بار) و در این برنامه‌ها، علما و مراجع به بیان احادیث و روایات مستند در خصوص مسایل اسلامی به‌ویژه روایات مرتبط با ائمه اطهار بپردازند. این موضوع علاوه بر اینکه باعث می‌شود که مردم روایات و احادیث مستند را از روایات و احادیث غیر مستند تشخیص دهند، باعث افزایش آگاهی عمومی مردم در خصوص مسایل دینی نیز می‌شود و دیگر کسی نمی‌تواند در مجالس ائمه هر چه خواست بیان کند یا انجام دهد. برای مثال ما شاهد آن هستیم که به‌رغم منع شرعی قمه‌زنی از سوی مقام معظم رهبری و سایر مراجع تقلید، بعضاً در سطح کشور این کار صورت می‌گیرد. به نظر من اگر صداوسیما، قبل از ماه محرم با عزمی جدی به سراغ این موضوع برود و در مجموعه برنامه‌هایی نظر علما و مراجع تقلید را در خصوص این کار به اطلاع مردم برساند، دیگر کمتر کسی تحت تاثیر این اقدامات غیر شرعی قرار می‌گیرد، چون وقتی که مردم از غلط بودن کاری آگاه باشند با آن مقابله می‌کنند. مساله دیگر این که صداوسیما با این کار مانع از این می‌شود که در شرایط فعلی جهان امروز



که دستگاه‌های عظیم اطلاع‌رسانی غرب در تلاش برای ارائه تصویری خشن از دین اسلام هستند، بتوانند اقدام به تهیه تصاویر و فیلم‌هایی از این اقدامات و نمایش آنها در غرب برای تبلیغ اسلام به عنوان دینی خشن کنند. تاکید بنده بر نقش مهم صداوسیما بدان جهت است که همه مردم ایران کتاب یا روزنامه نمی‌خوانند ولی همه آنها تلویزیون را می‌بینند و در صورتی که در رسانه ملی به آنها آموزش درستی در خصوص مسایل مذهبی، حتی گوش کردن به آهنگ‌های مذهبی داده شود، ما دیگر شاهد استقبال مردم از لوح‌های فشرده‌ای که در آنها عزاداری توأم با موسیقی است، نخواهیم بود. شاید شما هم دیده باشید که در حال حاضر یک سری نوحه‌ها در فروشگاه‌های محصولات فرهنگی فروخته می‌شود که در آنها از موسیقی‌های شاد استفاده شده است. آیا این آهنگ‌ها برای فردی که می‌خواهد برای اهل بیت عزاداری کند، حزن و اندوه می‌آورد یا بیشتر دغدغه فروش مدنظر تهیه‌کنندگان آنها بوده است؟

■ با توجه به مسایلی که به آنها اشاره کردید، شما به عنوان یک دست‌اندرکار مسایل مذهبی چه راهی را برای جلوگیری از انجام اقدامات و سخنرانی‌های اشتباه در مراسم عزاداری ائمه اطهار پیشنهاد می‌کنید؟

من فکر می‌کنم که باید در وهله اول هر مسئولی، در هر جا و مکانی و هر قلم به دستی، به این موضوع توجه کند که اصلاً هدف از برپایی هیات و برگزاری عزاداری برای اهل بیت چیست؟ آیا ما می‌خواهیم دین را همان طور که حضرت امام (ره) فرمود: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگاه داشته است»، زنده نگاه داریم و از اسلام پشتیبانی کنیم؟ آیا ما نباید از خودمان بپرسیم که در محرم و صفر چه اتفاقی می‌افتد که اسلام را زنده نگاه می‌دارد؟ این اتفاق از نظر بنده، همین برگزاری هیات‌ها و مراسم عزاداری است. امروز ما در شرایطی هستیم که مردم مومن و دیندار ایران از آغاز تا آخر سال با مناسبت یا بی‌مناسبت، اقدام به برپایی هیات و برگزاری مراسم عزاداری یا شادی برای اهل بیت می‌کنند و اصل موضوعی که ما امروز در مورد آن صحبت می‌کنیم، به همین موضوع بر می‌گردد. برگزاری انبوهی از مجالس برای اهل بیت

در حال حاضر یک سری نوحه‌ها فروخته می‌شود که در آنها از موسیقی‌های شاد استفاده شده است. آیا این آهنگ‌ها برای فردی که می‌خواهد برای اهل بیت عزاداری کند، حزن و اندوه می‌آورد یا بیشتر دغدغه فروش، مدنظر تهیه‌کنندگان آنها بوده است؟

در گوشه و کنار محلات در سراسر کشور نشان می‌دهد که جامعه ساکن نیست. اگر ما می‌گوییم که عصر، عصر فناوری است، مذهب هم از این موضوع نمی‌تواند مستثنا باشد و باید در همین مسیر توأم با پیشرفت حرکت کند.

■ منظور تان از اینکه مذهب نباید از پیشرفت مستثنا باشد، چیست؟

اجازه بدهید مثالی بزنم. زمانی که مرحوم «کافی» سخنرانی می‌کردند، یک نفر صحبت‌های ایشان را ضبط می‌کرد و صدای سخنرانی ایشان به زحمت به دست چند نفر می‌رسید. آن موقع مثل امروز امکانات وسیع ضبط و تکثیر وجود نداشت، ولی امروزه ۵۰ جوان که دور هم جمع می‌شوند و برای خودشان هیأتی راه می‌اندازند، با آخرین سیستم صوت و تصویر برنامه‌های خود را ضبط می‌کنند؛ به سرعت تکثیر می‌کنند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن لوح فشرده آن توزیع می‌شود. همین مطلب باعث شده که قشرهای مختلف به این حوزه نگرش ویژه‌ای داشته باشند.

■ منظور تان از نگرش ویژه چیست؟

انسان همیشه طالب پیشرفت است و «شهرت» و «ثروت» همیشه عواملی برای حرکت انسان به سوی موفقیت هستند. همه دوست دارند که مشهور و ثروتمند شوند و هر جایی که چنین شرایطی فراهم کند، قطعاً مورد توجه اشخاص مختلف قرار می‌گیرد. مثلاً وقتی یک کاندیدا چند روز فرصت تبلیغات دارد، تمام توان و تلاش خود را به کار می‌گیرد که عکس، صدا و دیدگاه‌های خود را به گوش مخاطبان خود برساند. حالا شما حساب کنید که در مراسم عزاداری برای ائمه یک فرصت استثنایی پیش می‌آید که یک مبلغ مذهبی یا مداح اهل بیت، صدا و تصویر خود را به گوش مخاطبان برساند و احیاناً لوح فشرده همین مجلس‌ها نیز محل به محل یا منزل به منزل پخش می‌شود و در اختیار همگان قرار می‌گیرد. موضوعی که من می‌خواهم حالا مطرح کنم این است که آیا این کار بد است؟ نه، اصلاً این طور نیست، بلکه یک فرصت است ولی نباید اجازه دهیم که این فرصت به تهدید تبدیل شود. مسئولان و دست‌اندرکاران باید تلاش کنند که این فرصت را همچنان به عنوان «فرصت» نگاه دارند تا همیشه بتواند از کنار آن فرصت‌های

دیگر نیز به دست آید. یعنی ماحصل این عزاداری‌ها این بشود که جوان ما دیندار واقعی و اهل نماز باقی بماند. این موضوع از این جهت حائز اهمیت است که امروزه در کشور ما یا در سایر نقاط جهان، مناسبات بسیار پیچیده شده‌اند. دیگر این طور نیست که ما یا هر فرد دیگری با یک نسخه بتوانیم یک موضوع را به صورت متحدالشکل حل کنیم. حتی الان دیگر محله به محله نگرش‌ها به مسایل مختلف فرق می‌کند و حتی در شهر تهران که ۳۷۴ محله دارد، به جرات می‌توانم بگویم که نمی‌توان گفت که این ۳۷۴ محله تمام مسایل‌شان با هم مشترک است. یعنی بر سر بعضی بدیهیات اشتراکاتی دارند ولی موضوعات و مسایل

امروزه ۵۰ جوان که دور هم جمع می‌شوند و برای خودشان هیأتی راه می‌اندازند، با آخرین سیستم صوت و تصویر برنامه‌های خود را ضبط می‌کنند؛ به سرعت تکثیر می‌کنند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن لوح فشرده آن توزیع می‌شود

خود آنها بسیار گسترده و متفاوت است.

■ آیا این محلات در مورد عزاداری ائمه نیز متفاوت عمل می‌کنند؟

بله، هیأت‌های مذهبی نیز از این موضوع مستثنا نیستند. مثلاً ما بحث قومیت‌ها را در عزاداری‌های مذهبی داریم. آیا عزاداری ترک‌ها با فارس‌ها یکسان است. مثلاً در مجالس عزاداری ترک‌ها، به زبان ترکی شعر، مدح و روضه خوانده می‌شود و سخنرانی وجه غالب مجلس است و بعد زنجیرزنی می‌شود. آنها با احترام خاصی برای اهل بیت عزاداری

می‌کنند و حتی زنجیری که پدر با آن به شانه خود می‌کوبد، به پسر به ارث می‌رسد و از پسر نیز به نوه ارث می‌رسد. این خیلی خوب است و نشان می‌دهد که عزاداری با سبک و سیاق مشخصی انجام می‌شود. ولی شما می‌بینید که در هیأت‌های دیگر اصلاً این طور نیست و هیچ فرمول خاصی وجود ندارد. موضوعی که می‌خواهم بگویم دوباره همان فرمایش حضرت امام را حل در خصوص زنده ماندن اسلام در محرم و صفر است. در مجالسی که عزاداری اصیل وجود دارد، فهم و درک بر شور عزاداری برتری دارد ولی در بعضی هیأت‌ها و به ویژه هیأت‌های جوانان بالعکس است و شما بهترین سخنران را هم که در مجلس بیاوری، استقبال چندانی از آن نمی‌شود. یعنی زمان سخنرانی خلوت و زمان عزاداری و سینه‌زنی شلوغ است. تعبیر من از این موضوع «شور و شعور» است. جوانان از قسمت شور خیلی استقبال می‌کنند. شما اگر دقت کنید می‌بینید که در این لوح‌های فشرده‌ای هم که به دست مردم می‌رسد، اصلاً قسمت سخنرانی وجود ندارد و قسمت شورش که همان سینه‌زنی است، گلچین می‌شود. حتی از روضه هم در این لوح‌های فشرده خبری نیست. همه‌اش سینه‌زنی ریتمی است. این همان فرصتی است که با بی‌توجهی در حال تبدیل شدن به یک تهدید است، چون باعث می‌شود که جوانان امروزی، ماهیت واقعی عزاداری و

کرده‌اند. اجازه بدهید مثالی بزنم: یک دانشجو را تصور کنید که در یک دانشگاه پای درس استاد می‌نشیند، اما بیشتر به دنبال نمره قبولی و مدرک است، چون به فکر آینده‌اش است. ولی همان دانشجو شب می‌تواند در محله خود در یک هیات شرکت کند. اینجا دیگر اجباری در کار نیست و کاملاً اختیاری است و همین جوان آمده است تا از یک مجلس مذهبی یک استفاده معنوی ببرد. خیلی از شبهاتی که در احکام برای جوانان مطرح است باید در همین مجالس و هیات‌ها گفته شود. چرا بعضی از مجالس عزاداری که در بعضی از محلات تهران برگزار می‌شود، مورد استقبال بیشتری قرار می‌گیرد؟ ما حدود ۵۰ مجلس عزاداری در تهران داریم که در آنها استقبال چند هزار نفری وجود دارد. خوب این نشان می‌دهد که هر کجا که کار درست باشد، استقبال هم به خوبی انجام می‌شود. به نظر من دلیل چنین استقبالی این است که مسئولان تکایا و علمای مساجد در سایر مناطق نتوانسته‌اند مجالس خوبی برگزار کنند که مردم از محلات خود به محلاتی دیگری برای حضور در مجالس عزاداری می‌روند. در مجموع، اعتقاد من این است که بعضی از علما و روحانیون به هیات‌ها با دید خیلی خوبی نگاه نکرده‌اند.

■ منظور تان چیست؟

مثلاً اگر ما می‌خواهیم که در یک هیات مذهبی یک سخنران خوب دعوت کنیم اول باید به فکر پاکت آن سخنران باشیم. اگر آن مبلغ خاص را نتوانیم تامین کنیم، ایشان هیچ وقت در مجلس ما شرکت نمی‌کند. همین موضوع باعث شده که بعضی هیات‌ها نتوانند از سخنرانان خوب برخوردار شوند و محدود به عزاداری و سینه‌زنی می‌شوند. این موضوع اگر برای چند بار باشد، اشکالی ندارد ولی اگر قرار باشد در یک مجلس عزاداری همیشه سینه‌زنی باشد و یک عالم روحانی در آن شرکت نکند، ما چطور می‌توانیم توقع داشته باشیم که جوانانی که در این هیات‌ها شرکت می‌کنند، احادیث درست و دارای سند را بشنوند. از طرف دیگر می‌بینیم که خیلی از بچه‌هایی‌ها با شعور و شغف هستند ولی در زمان سخنرانی زیاد استقبال نمی‌کنند و یا اینکه می‌بینی بعد از عزاداری بیکار سر کوچه ایستاده‌اند. محرم و صفر زمانی برای فرهنگ‌سازی و اصلاح اشتباهات است تا جوانان را هدایت

پیام واقعی اسلام را درک نکنند.

■ مسئولان چطور می‌توانند جلوی این

روند را بگیرند؟

به نظر من جلوی این روند باید از قبل گرفته می‌شد، البته نه به معنای بازدارندگی، بلکه به معنای هدایت. ببینید ما در حال طی کردن جاده‌ای هستیم که اگر در آن تابلو و نشانه‌های هدایت‌گر وجود نداشته باشد، سر از بیراهه در می‌آوریم. مثلاً ما وقتی می‌خواهیم از تهران به مشهد مقدس برویم، باید در طول راه نشانه‌هایی باشد که مطمئن شویم در حال طی کردن مسیر درستی هستیم ولی اگر تابلو یا نشانه‌ای نباشد که نشان دهد چند کیلومتر تا مشهد فاصله داریم، چطور می‌توان مطمئن بود که راه درستی را انتخاب کرده‌ایم. هدف من از بیان این مثال این است که عزاداری برای ائمه باید با علم و آگاهی باشد و اگر دولت، وزارتخانه‌ها و ریش‌سفیدان هیات‌ها و تکایای مذهبی جوانان امروزی را درست هدایت نکنند، چطور می‌توان از آنها انتظار داشت که در آینده به شیوه درستی برای ائمه معصومین عزاداری کنند؟ موضوعی که من می‌خواهم بیان کنم این است که ما در هیات‌های مذهبی علایمی نداریم که آینده هیات‌های مذهبی را به سمت مشخصی هدایت کند.

■ منظور تان از علایم هدایت‌گر چیست؟

مساله هیات‌ها و عزاداری‌ها که ما در حال صحبت درباره آن هستیم، دو بخشی است. یعنی یک بخش اعظم و غالب مردم هستند و یک بخش هم مسئولان هستند. متأسفانه ما در هنگام تصمیم‌گیری‌ها مردم را اصلاً به حساب نمی‌آوریم و فکر می‌کنیم وقتی ما تصمیمی می‌گیریم و آن تصمیم

در بیشتر لوح‌های فشرده‌ای که بدست مردم می‌رسد، اصلاً قسمت سخنرانی وجود ندارد و قسمت شورش که همان سینه‌زنی است، گلچین می‌شود. حتی از روضه هم در این لوح‌های فشرده خبری نیست. همه‌اش سینه‌زنی ریتمی است

در قالب بخشنامه و دستورالعمل از صدا و سیما پخش می‌شود، بقیه موظف‌اند که از آن پیروی کنند. به افکار عمومی در موضوع عزاداری‌ها احترام نمی‌گذاریم و کاملاً مشخص است که در تصمیماتی که در مورد نحوه، سبک و سیاق برگزاری این مجالس و عزاداری‌ها گرفته شده، هیچ نظری از هیات‌ها پرسیده نشده است و در عوض از نیروی انتظامی برای هدایت هیات‌ها استفاده می‌شود! یکی از مشکلات ما در هیات‌های مذهبی این است که استادان دانشگاهی در این حوزه اصلاً ورود نکرده‌اند، در صورتی که هیات یک کار علمی است.

■ از چه نظر؟

از این نظر که از سخنرانی و اطلاع‌رسانی تشکیل می‌شود. من همیشه از خودم می‌پرسم که چرا یک صاحب‌نظر علمی ما نباید در هیات‌هایی حضور پیدا کند که بهترین مخاطبان در آنجا حضور دارند؟ مخاطبانی که با قصد و نیت، حضور پیدا

کنیم و به آنها انگیزه پیشرفت بدهیم. در همین هیات‌ها باید به این جوانان درس زندگی داد. البته این هدف وقتی محقق می‌شود که دولت و مردم وظایف خود را به درستی انجام دهند. دولت و مردم دو وجه رسمی‌اند، ولی مردم در بیشتر موارد جدی دیده نمی‌شوند. وقتی کار در ظاهر بیخ پیدا می‌کند ما فقط به سرعت می‌خواهیم با بخشنامه و تهدید مسیر غلطی را اصلاح کنیم. این کار باعث می‌شود که کار بیشتر به انحراف و خرافات کشیده شود. آیا نتیجه چنین کارهایی، برای جامعه اسلامی ما مفید است؟ این یک فرآیند است و همه از دولت گرفته تا رسانه‌ها و مراجع، باید دست به کار شوند.

■ در اظهارات شما می‌توان نوعی تاکید بر ضرورت آسیب‌شناسی در نحوه برخورد فرهنگی با مسایل مذهبی را احساس کرد. به نظر شما، این آسیب‌شناسی را چگونه می‌توان انجام داد؟

باید با اطلاعات کافی و نگاهی واقع‌بینانه نسبت به شرایط امروز جامعه تصمیم‌گیری کنیم. من معتقدم که تصمیماتی که تا به امروز برای این مسایل گرفته شده از جامعیت لازم برخوردار نبوده است و خیلی سطحی بوده‌اند. چنین تصمیماتی باید توأم با تدبیر باشد و نباید برخوردهای حساب‌نشده انجام داد. به نظر بنده، وقتی که ما می‌خواهیم درباره هیات‌ها تصمیم‌گیری کنیم حداقل باید یک شورای تصمیم‌گیری متشکل از مسئولان هیات‌های مذهبی در سطح هر استان داشته باشیم. در حال حاضر قوی‌ترین تشکلی که در زمینه هیات‌ها در حال فعالیت است، هیات رزمندگان اسلام است. این هیات کار خودش را خوب سر و سامان می‌دهد ولی در قبال هیات‌های دیگر هیچ احساس مسئولیتی نمی‌کند. پس بقیه هیات‌ها چه می‌شوند؟ آیا بقیه هیات‌ها هم این توان را دارند که مثل هیات رزمندگان کار قوی‌ای انجام دهند؟

اگر ما از مسئولان هیات‌ها مشورت بخواهیم و از دیدگاه‌های آنها استقبال کنیم، آیا زمینه بهتری برای ظهور تصمیمات بهتر و پذیرش تصمیمات اتخاذ شده در سطح هیات‌ها بوجود نمی‌آید؟ این کار بهتر است یا اینکه با اشاره به این که قبلاً در تلویزیون اعلام شده که نباید تصاویر منتسب به ائمه را در جلوی هیات‌ها آویزان کرد، بریزیم و شبانه آنها را

عزاداری برای ائمه باید با علم و آگاهی باشد و اگر دولت، وزارتخانه‌ها و ریش‌سفیدان هیات‌ها و تکایای مذهبی، جوانان امروزی را درست هدایت نکنند، چطور می‌توان از آنها انتظار داشت که در آینده به شیوه‌ای درست برای ائمه معصومین عزاداری کنند؟

پاره کنیم؟ نمونه دیگر بحث علامت‌کشی در هنگام محرم است. چند سالی است که این کار از نظر قانونی قدغن شده ولی معلوم نیست که علت چیست؟ اگر قرار بر نیاوردن است، مردم بدانند بهتر است یا ندانند؛ چون آن وقت دیگر جای شبهه‌ای باقی نمی‌ماند. باید به گونه‌ای عمل کنیم که حتی اگر کسی کاری انجام می‌دهد، علت انجام آن را بدانند و کار را با معرفت انجام دهد. علامت‌کشی هر چند حالا از نظر قانونی قدغن است ولی شما می‌بینید که باز بعضی هیات‌ها همچنان به این کار ادامه می‌دهند و حتی اعلام کرده‌اند که حتی اگر ما را بکشید، باز این کار را ادامه می‌دهیم. خوب چرا باید طوری باشد که شخصی اعلام کند اگر من را هم بکشید، باز به این کار ادامه می‌دهم؟

این شورای سیاستگذاری باید از نخبگان و دلسوزان و کسانی که ذهن روشنی دارند تشکیل شود. یکی از مشکلاتی که من احساس می‌کنم وجود دارد، این است که بعضی از اشخاص در هنگام تصمیم‌گیری



برای هیات‌ها با ذهنیت بسته‌ای وارد می‌شوند و می‌خواهند بر اساس تجربه‌ای که دارند، عمل کنند و شرایط امروز را درک نمی‌کنند. ولی اگر ما می‌خواهیم کار شورایی کنیم، باید به‌خرد جمعی احترام بگذاریم.

■ به نظر شما آیا یکدست‌سازی عزاداری آئمه کار درستی است؟

منظور من این نبود که باید همه به یک شکل و سیاق عزاداری کنند. این کار نه درست و نه امکان‌پذیر است. همان‌طور که گفتم ما باید تابلوراهنما و کار هدایت را به درستی انجام دهیم. به جای یکدست‌سازی باید حمایت و پشتیبانی کنیم. اگر هیاتی که به خیابان آمده، راهنمایی و رانندگی و نیروی انتظامی از آنها حمایت کند تا مراسم عزاداری بهتر صورت می‌گیرد، اگر صداوسیما هم بیاید و حتی از هیات‌های محلی گزارش تهیه کند، فرهنگ‌سازی بهتری انجام می‌شود ولی شما می‌بینید که صدا و سیما فقط در هیات‌های خاصی که بزرگان در آنجا حضور دارند، حاضر است. ما فقط تاکنون با سیاست باید و نباید با هیات‌ها برخورد کرده‌ایم و نتیجه نشان می‌دهد که این سیاست بازدهی نداشته است.

■ شما می‌گویید که برخورد باید و نبایندی موثر نیست. به نظر شما دولت چگونه حمایتی باید از هیات‌های مذهبی به عمل آورد؛ حمایت مادی یا حمایت معنوی؟

به نظر من حمایت مادی در سال‌های اخیر جز ضرر چیز دیگری برای هیات‌ها در پی نداشته است.

■ چرا؟

چون هر جا که پول باشد، فساد هم هست. متأسفانه پای پول که در میان باشد افراد فرصت طلب هم پیدا می‌شوند، کما این که یک‌دفعه هیات‌های زیادی شکل گرفت و دلسوزان زیادی پیدا شد! هر چند این کمک‌ها حالا شکل و روند خاصی پیدا کرده ولی برخورد‌های این‌طوری آسیب‌های زیادی در پی دارد. به نظر بنده، هیات‌های مذهبی باید مستقل باشند و وقتی کمکی به آنها صورت می‌گیرد، بایستی باز خورد آنها به خوبی سنجیده شود. یکی از مشکلات فعلی ما این است که همین کمک‌ها منجر شده که مردم دیگر به هیات‌ها کمک نکنند،

بحث‌های عمرانی و سایر مسایل مهم مملکتی چشم‌انداز ۲۰ ساله داریم، باید برای مباحث مذهبی نیز آینده‌نگری و برنامه‌ریزی‌های طولانی‌مدت داشته باشیم. به نظر بنده، یکی از اقدامات حمایتی دولت می‌تواند این باشد که سازمان ملی جوانان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان امور مساجد را در زمینه برگزاری هیات‌ها فعال کند. وقتی که دولت نظارت هوشمندانه خود را افزایش دهد، مردم و دلسوزان اهل بیت راه درست را پیش می‌گیرند و کمتر کسی مرتکب خطا می‌شود.

■ نظارت هوشمندانه بر هیات‌ها چگونه باید باشد؟

ما باید در درجه اول تعاریف و چارچوب‌ها را به درستی مشخص کنیم، سپس نیازهای جامعه را در بحث کتب، فناوری و سایت‌های مختلف اینترنتی فراهم کنیم و سپس فلسفه تعریفی هیات‌ها مشخص باشد؛ اینکه هیات مدنظر هیات هفتگی، عزاداری یا هیات تلاوت قرآن است. این تفکیک قبل از انقلاب وجود داشت ولی الان همه چیز با هم آمیخته شده است. بالاخره ما یک چارچوب اصلی را باید به جوانان بدهیم و یک نوع حمایت فکری و معنوی از آنها داشته باشیم. مساله دیگر این است که نباید هیات‌ها را محدود به دهه محرم کنیم. اگر صداوسیما فصلی با این موضوع کار کند، علما توجهی نکنند و دولت تصمیم مقطعی بگیرد، مگر ما می‌توانیم بگوییم بهترین هیات‌ها را داریم؟ ما باید در مورد هر موضوع مذهبی مربوط به سال آینده، از امسال برنامه داشته باشیم. باید با نگرش کلی جامعه را هدایت کنیم و کاری کنیم که خود مردم ناظر و عامل اصلی این مسایل باشند و نباید بگذاریم حالت بی‌تفاوتی ایجاد شود. مساله دیگر بحث نوار و لوح‌های فشرده‌ای است که تکثیر و توزیع می‌شود. من فکر می‌کنم یکی از عواملی که باعث ایجاد چالش‌های اخیر شده، ورود موج گسترده‌ای از نوارها و لوح‌های فشرده بدون نظارت علمی بر محتوای آنهاست. هر چیزی که از هیات‌ها بیرون می‌آید و در سراسر جامعه پخش می‌شود باید با نظارت باشد تا معلوم شود که چه محتوایی در آنها وجود دارد. نباید طوری باشد که هر کسی که جلسه عزاداری برگزار کرد، بتواند یک لوح فشرده از آن مجلس را تکثیر کرده و در سراسر بازار توزیع کند. ما در این بخش‌ها

هیات‌های مذهبی باید مستقل باشند و وقتی کمکی به آنها صورت می‌گیرد، بایستی باز خورد آنها به خوبی سنجیده شود. کمک‌های دولت به هیات‌ها منجر شده که مردم دیگر به هیات‌ها کمک نکنند، چون می‌گویند که دولت در حال حمایت از شماست

چون می‌گویند که دولت در حال حمایت از شماست ولی این کمک‌های دولتی می‌توانست خیلی حساب‌شده‌تر صورت بگیرد. کار بدون برنامه محکوم به شکست است. متأسفانه این‌طور است که ما اول کاری می‌کنیم و بعد دنبال آسیب‌شناسی می‌رویم. به نظر من حالا که نشریه خیمه تصمیم به تهیه گزارشی در این مورد گرفته هر چند کار خوب و شایسته‌ای است ولی کمی دیر شده است. ما باید از حالا به فکر ۵ یا ۱۰ سال آینده هیات‌هایمان باشیم و همان‌طور که برای

وجود دارند که پارچه‌ای در کف زمین پهن کرده‌اند، نشست‌اند و روضه می‌خوانند و هیچ کسی هم چیزی به آنها نمی‌گوید.

■ آیا این کار به نظر شما ایرادی دارد؟

به نظر من این کار دامن زدن به خرافاتی است که امروزه ما در سطح جامعه شاهد آن هستیم. به نظر من به این شیوه برای اهل بیت عزاداری کردن نوعی کم‌توجهی به مقام والای آنهاست. شأن کار باید حفظ شود. من شخصا افرادی از این قبیل را دیده‌ام که لباسی که بر تن می‌کنند و اقدام به نوحه خوانی برای ائمه می‌کنند، چند ماه است که نشست‌اند و بوی بد بدن شان را نمی‌توان تحمل کرد. آیا درست است که چنین شخصی اقدام به عزاداری برای ائمه کند؟ حتی مطالبی را هم ندارند و چند بیت شعر را همیشه تکرار می‌کنند. این کار شأن عزاداری برای ائمه را زیر سوال نمی‌برد؟ همه می‌دانند که حرمت ائمه بر همه ما واجب است ولی اگر کسی هم نسبت به کار این اشخاص سودجو اعتراضی بکند، دیگران جبهه می‌گیرند که شما چکار دارید. بگذارید کار خودش را بکند. شما فکر کنید یک توریست که این صحنه را می‌بیند، چه تصویری می‌کند. متأسفانه این کار تبدیل به نوعی کاسبی تحت لفافه عزاداری برای ائمه شده است.

■ به نظر شما با چنین مداحانی و سایر مداحانی که اقدام به بیان روایات غیر مستند می‌کنند، چطور باید برخورد کرد؟

مردم باید این فرهنگ را داشته باشند که از این افراد استقبال نکنند. از جراید، علما و صداوسیما باید استفاده کرد. فرصت‌های زیادی در اختیار داریم که روی این موضوعات کار کنیم. اگر با برنامه‌ریزی از همین امسال کار کنیم، سال بعد شاهد نتایج آن خواهیم بود. باید سازمانی با حضور خود مداحان قدیمی و با سابقه شکل بگیرد و این کار یک متولی داشته باشد تا حداقل معلوم شود در جامعه چند هزار مداح داریم. می‌توان یک اطلاعات اولیه‌ای در مورد مداحان جمع کرد. مثلاً همین کار در بهشت زهرا صورت گرفته و سازمانی پیدا کرده است. این طور نیست که هر کسی بیاید و در آنجا مداحی کند. در مورد آنها تحقیق شده است و صحت عملکرد آنها مورد تایید قرار گرفته است. چه اشکالی دارد که ما یک دانشگاه مداحی داشته باشیم و استادان مداحی در آنجا تدریس

نظارتی نداریم و کار به امان خدایا شده است. تا وقتی هم که این وضعیت باشد، همه دوست دارند که مشهور شوند.

■ منظورتان چیست؟

مشهور شدن عیب نیست ولی به چه قیمتی؟ اگر به این موضوع بی‌توجهی شود ممکن است سبب انحراف یک جماعت شویم؛ آن وقت دیگر چطور و با چند برنامه و سخنرانی می‌توان این اشتباه را از ذهن مردم پاک کرد. ما الان سیستم حساب شده‌ای برای مداحی نداریم و معلوم نیست که آیا شخصی که این کار را می‌خواهد انجام دهد، اصول این کار را می‌داند یا خیر.

■ مداحی اهل بیت (علیه‌السلام) در گذشته به چه صورتی بوده است؟

قبلاً اگر کسی می‌خواست مداحی بیاموزد زیر دست استادان باید شاگردی می‌کرد، ولی متأسفانه امروزه این کار به یک لوح فشرده و یک جزوه آموزشی محدود شده و دیگر لازم نیست کلاس بروید و فقط با تماشای آن لوح فشرده و خواندن جزوه مذکور، سبک را می‌آموزی و لزومی ندارد پای درس هیچ عالم روحانی شرکت کنی! خوب وقتی این طوری هر کسی اجازه دارد که مداحی کند و فقط به تن صدا و ریتم خواندن اهمیت داده می‌شود، چطور می‌توان انتظار داشت که زمینه را برای بیان احادیث و روایت‌های غیر مستند بست؟ نباید این طور باشد که همه دست روی دست بگذارند و منتظر شوند یک نفر یا یک نهاد دیگر دست به کار شود. این مسایل به عزم ملی نیاز دارد.

■ آیا کسانی که در حال حاضر مداحی می‌کنند، کارت دارند؟

نه؛ حکمی وجود ندارد ولی بالعکس وجود دارد و مداحانی کارت و ویزیت در شمارگان بالا چاپ کرده و پخش می‌کنند. من شخصا به افرادی که با اعتقاد به ائمه مداحی می‌کنند، ارادت خاصی دارم و همیشه در تلاشم تا در کنار سایر مسئولان هیات انصارالحسین از بهترین مداحان برای برگزاری هر چه بهتر مجالس عزاداری ائمه معصومین استفاده کنم، ولی احساس می‌کنم که ما علاوه بر آسیب‌شناسی در حوزه عزاداری برای ائمه، به آسیب‌شناسی در حوزه مداحی نیز نیاز داریم.

هر چیزی که از هیات‌ها بیرون می‌آید و در سراسر جامعه پخش شود باید با نظارت باشد تا معلوم شود که چه محتوایی در آنها وجود دارد. نباید طوری باشد که هر کسی که جلسه عزاداری برگزار کرد، بتواند یک لوح فشرده از آن مجلس را تکثیر و توزیع کند

■ منظورتان را کمی شفاف‌تر بیان کنید؟

اجازه دهید یک مثال بزنم. در گذشته بعضی از اشخاص از روی اعتقادات پنج‌شنبه‌ها یک بلندگو دست می‌گرفتند و در محلات می‌چرخید و روضه اهل بیت می‌خواند. ولی الان این کار متأسفانه تبدیل به یک کاسبی برای بعضی از اشخاص شده و شما در هر روز هفته و در هر جایی از کنار پیاده‌رو گرفته تا سر چهارراه می‌بینید که اشخاصی



در مجالس بیان می‌شود؟

به هر حال مادر حد توان خودمان این کار را در هیات خودمان کرده‌ایم و با مشارکت روحانی مسجد، هیات امناء و سایر مسئولان هیات تلاش می‌کنیم تا مداح خوب بیاوریم، از روحانی خوب برای سخنرانی دعوت کنیم تا اجازه ندهیم که محتوای نادرست به گوش مردم برسد. ما حتی مداحان جوانی تربیت کرده‌ایم که در کشور به مقام‌های بالایی دست یافته‌اند و در بیت رهبری نیز مداحی کرده‌اند. این بر می‌گردد به تدبیر کسانی که هیات‌ها را اداره می‌کنند. خوشبختانه ما در هیات‌مان کار تیمی داریم و نوآوری‌های داشته‌ایم که در سطح کشور رواج پیدا کرده است. کسی که می‌خواهد هیات‌داری کند باید آداب هیات‌داری را بداند و بزرگ و کوچک هیات مشخص باشد تا کسی نتواند هر کاری که دلش می‌خواهد انجام دهد. هیات اگر ساختار و انسجام داشته باشد زمینه برای بروز اشتباهات خیلی کمتر می‌شود. ■

یکی از زنان مومن به‌تازگی به من گفته که در یکی از هیات‌های زنانه، یک «خانم جلسه‌ای» گفته اگر مشکلی دارید ۲۰۰ عدد تسبیح بخرید و پخش کنید تا گره کارتان باز می‌شود. در کدام کتاب یا حدیث چنین روایتی نقل شده است؟

معلوم نیست حاج خانمی که در این مجلس عزاداری روضه می‌خواند، بر اساس کدام کتب اسلامی و احادیث چنین اظهاراتی را بیان می‌کند. یکی از زنان مومن به‌تازگی به من گفته که در یکی از هیات‌های زنانه حاج خانمی گفته اگر مشکلی دارید ۲۰۰ عدد تسبیح بخرید و پخش کنید تا گره کارتان باز می‌شود. من می‌خواهم بدانم در کدام کتاب یا حدیث چنین روایتی نقل شده که

کنند، چه شیوه‌های مداحی را و چه منابع مذهبی که مداحان باید از آنها استفاده کنند. چرا مداحی باید یک کار غیررسمی باشد؟ الان دیگر معلوم شده که نمی‌توان به آسیب‌هایی که از این حوزه وارد دین می‌شود، بی‌توجه بود و نمی‌توان به این امید که کار درست صورت می‌گیرد، بدون ساختار کار کرد. وقتی قرار است راجع به دین صحبت شود باید مشخص شود که چه کسی می‌خواهد صحبت کند و آیا این شخص خود اطلاعات کافی دارد که بتواند به پرسش‌های چند شخص دیگر جواب درست بدهد. یکی از آسیب‌هایی که چند وقتی است سبب نگرانی من و همکارانم در هیات انصارالحسین شده اظهاراتی است که برخی از «خانم جلسه‌ای»‌ها در هیات‌های زنانه می‌کنند. این موضوعی است که هنوز ما از آن غافلیم و آنچه به گوش ما رسیده، حاکی از این است که خرافات زیادی در این مجالس پخش و منتشر می‌شود و هیچ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش و خبر



آیت الله مکارم شیرازی:

خرافات در مراسم عزاداری به دین ضربه می زند
آیت الله مکارم شیرازی طی سخنانی در سلسله مباحث خود در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س)، با بیان این که «نباید هر کسی بنا به سلیقه خود برای عزاداری و یا جشن اهل بیت (ع) آدابی درست کند»، افزود: «برای حضرت رقیه نیز یک آداب خاصی تعیین می کنند و در مراسم ختم انعام نیز خرافات را به حد بالایی رسانده اند؛ نباید اجازه دهیم آداب عبادت با خرافات خراب شود.»

این مرجع تقلید همچنین به ایرانی های خارج از کشور هشدار داد که مراقب فرزندان و اعتقادات مذهبی و دینی نسل های بعد از خود باشند. در مراسم شب احیاء بیست و سوم ماه مبارک رمضان در مدرسه امیرالمومنین (ع) قم نیز آیت الله مکارم شیرازی، نسبت به فعالیت های گسترده مدعیان دروغین امام زمان (عج) هشدار داد. وی اظهار داشت: «این اشخاص منحرف با حضور در اطراف مسجد مقدس جمکران و کوه خضربی خود را به دروغ رابطان آن حضرت معرفی می کنند.» این مرجع تقلید با بیان اینکه «این افراد دروغ می گویند و هدفی جز انحراف جوانان ندارند»، افزود: «این افراد مسایل اخلاقی فراوانی را در حال انتشار دارند و در واقع همان دجال های قبل از ظهور حضرت ولی عصر (عج) هستند.» آیت الله مکارم شیرازی، این موارد را ناشی از توطئه های آمریکا برای ضایع کردن اسلام و مکتب تشیع دانست.

آیت الله سبحانی:

گفتار مداحان دور از اندیشه باطل باشد
استاد حوزه علمیه قم گفت: «مداح زبان گویای قیام حضرت امام حسین (ع) است و باید معنای قیام واقعی این امام را درک کرده و به درستی تشریح کند.» آیت الله جعفر سبحانی در ادامه سلسله مباحث تفسیری خود با اشاره به جایگاه مداحان گفت: «مداحان از جایگاه بسیار بالایی برخوردار بوده و باید قدر این جایگاه را بدانند.» وی با بیان این که «گفتار مداحان باید به دور از اندیشه باطل باشد»، تصریح کرد: «مداحان نباید در گفتار خود به خواب و رویا اکتفا کنند، بلکه باید در گفتار آنها حقیقت و اشعار صحیح، یافت شود.» استاد حوزه علمیه قم به وجود برخی عقاید باطل در دیگر ادیان اشاره کرد و اظهار

داشت: «این خرافات در زندگی ادیان یهود و نصارا زیاد است و این خرافات در قرآن به غل و زنجیر تشبیه شده است.» وی با بیان این که «امروزه نیز پس از گذشت چندین سال هنوز این عقاید در این ادیان وجود دارد»، گفت: «امروز نیز بعد از گذشت قرن ها مخترعان، کاشفان و مهندسان یهودی به این عقاید باطل و خرافه اعتقاد دارند.» استاد حوزه علمیه قم افزود: «خرافات مانع پیشرفت و ترقی در دین و مذهب است که باید نسبت به آن توجه داشت.»

صدور حکم اعدام برای ۷ نفر از متهمان حادثه تروریستی شیراز

سخنگوی قوه قضاییه در حالی این خبر را اعلام کرد که چندی پیش حجت الاسلام سید محمد انجوی نژاد از روند کند رسیدگی به این پرونده گلایه کرده بود. وی گفته بود: «برای شناسایی عوامل توطئه به درخواست مسئولان قوه قضائیه، پرونده به تهران ارسال شد؛ هم اکنون سه گروه مظنون این اقدام تروریستی دستگیر شده اند؛ اول گروهی که بمب را به حسینیه سیدالشهدا انتقال دادند، جاسازی کردند و پس از آن بمب را فعال و منفجر کردند، گروه دوم کسانی هستند که دست اندر کار تهیه و ساخت بمب بودند و مواد مورد نیاز را تامین کرده و بمب را ساختند و در اختیار گروه اول قرار دادند و گروه سوم نیز افرادی هستند که از موضوع قبل از اقدام اطلاع داشتند.» انجوی نژاد گفت: «همه اعضای گروه اول و دوم دستگیر شده اند، اما مسئولان مرتبط گستره گروه سوم را بیشتر کرده اند و همین باعث تاخیر در تنظیم پرونده شده است. اهمال بزرگی صورت گرفت که جنازه بمب گذار اصلی به آن شکل به خانواده اش تحویل داده شد و آنها هم به راحتی مراسم تشییع و تدفین گرفتند، ما همچنان نسبت به این موضوع معترض هستیم.» وی ادامه داد: «مسئولان اعلام کرده اند که قرار است هفته آینده دادگاه مربوط به این جنایت در تهران برگزار شود.»

انجوی نژاد خاطر نشان کرد: «دولت در همان ابتدا تصویب کرد که یک میلیارد تومان در اختیار جانبازان و خانواده شهدای این حادثه قرار بگیرد و وزیر وقت کشور هم قول پرداخت ۱۵۰ میلیون تومان دادند و به من گفتند همین فردا صبح ۱۵۰ میلیون تومان تحویل بگیر و صرف هزینه های این اقدام تروریستی کن.» مدیر کانون رهپویان وصال افزود: «با وجود

گذشت ۴/۵ ماه از این حادثه هیچ پولی به خانواده شهدا و جانبازان پرداخت نشده و این در حالی است که وقتی می خواهند یک سریال بسازند، اول پولش را می گیرند و بعد می سازند ولی برای خون شهدا کسی فکری نمی کند.»

در ۲۴ فروردین ماه در اثر انفجار تروریستی در حسینیه سیدالشهدا (ع) کانون رهپویان وصال در شیراز ۱۴ جوان این شهر هنگام برگزاری مراسم مذهبی به شهادت رسیدند و بیش از ۲۰۰ نفر نیز مجروح شدند.

گزارش دیدار رهبر معظم انقلاب با شاعران

در شب میلاد کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی (ع)، جمعی از شاعران پیشکسوت و جوان کشور در حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی، سروده های خود را با مضامین دینی، اخلاقی، حماسی و اجتماعی قرائت کردند.

به گزارش خیمه، رهبر انقلاب شعر را ثروتی ملی، عظیم و پر ثمر برای کشور دانستند و تصریح کردند: «باید با ایجاد این ثروت بزرگ، روز به روز آن را افزایش داد و برای نیازهای کشور از آن استفاده بهتر و برتر کرد.»

حضرت آیت الله خامنه ای به رشد و گسترش دامنه شعر پس از انقلاب اسلامی اشاره و خاطر نشان کردند: «بهترین شعرای قبل از انقلاب که در قله شعر زمان خود بودند، در عزلت و انزوا قرار داشتند و مجال ارایه شعر خود را پیدا نکردند، اما امروز به برکت انقلاب اسلامی این میدان برای جوانان باز است تا اشعار خود را عرضه کنند.»

رهبر انقلاب اسلامی به ضرورت سنجش واقعی و علمی برای افزایش کیفیت شعر اشاره کردند و افزودند: «اشعار سروده شده جوانان در مقایسه با ۱۵ سال پیش، صیقل یافته است و مضامین خوبی در آن مشاهده می شود.»

حضرت آیت الله خامنه ای گسترش شعر را از وظایف دستگاه های مسئول و شعرا بر شمردند و با تأکید بر تأمین نیازهای فرهنگی و اخلاقی کشور با زبان هنر و شعر، داشتن صفا، یکرنگی، روحیه اخوت و برادری، قدرت ابتکار و شجاعت نوآوری، خطر پذیری، ترحم به یکدیگر و امید به آینده را اخلاقیات مورد نیاز جامعه امروز بر شمردند که با زبان هنر می توان فضای جامعه را با این ویژگی ها پر کرد و آن را به صورت اخلاق ملی در آورد و

راه تکامل را پیمود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای به شعر پر مضمون اخلاقی و شعرهای همراه نصیحت و پند سعدی، فردوسی، نظامی، سنایی، ناصر خسرو، جامی، واعظ قزوینی، صائب و بیدل در تاریخ ادبیات کشورمان که از لحاظ هنری در قله شعری قرار دارند، اشاره کردند و خواستار گسترش مضمونی شعر آیینی و ارایه مضامین عالی عرفانی و معنوی در این عرصه شدند.

ایشان با اشاره به خلاءهای موجود در عرصه شعر سیاسی و انقلابی، توجه بیشتر به پیام عدالت و معنویت انقلاب اسلامی و ارایه اصیل آن را در قالب شعر مورد تأکید قرار دادند و تصریح کردند: انقلاب اسلامی با ارایه حرف نودر دنیا، قدرت‌های بزرگ را به چالش گرفته و در مقابل زیاده خواهی استکبار ایستاده است.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به طبیعی بودن گرایش ذوقی هر شاعر، بر خارج نشدن فضای کلی شعر از حالت اسلامی و ایرانی تأکید کردند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در پایان این دیدار یاد و خاطره مرحوم قیصر امین پور را نیز گرمی داشتند.

رئیس سازمان حج و زیارت کشور:

مردم با کاروان‌های دارای مجوز به عراق سفر کنند

مصطفی خاکسار قهرودی با اشاره به این که «تعداد زیادی از ایرانیان زندانی در عراق، کسانی هستند که خارج از نظام مرسوم اعزام زائر به این کشور سفر کرده‌اند»، گفت: «ما نمی‌توانیم جلوی مردم را بگیریم. تقاضا برای سفر به شکل طبیعی وجود دارد و ما مسئولیم آن را مدیریت کنیم؛ چون اگر مدیریت و نظارت نباشد، زائران تلاش می‌کنند به شکل غیرقانونی از کشور خارج شوند که در این صورت اگر در آن کشور با مشکلی مواجه شوند، قادر نیستیم به آنها کمکی کنیم.»

رئیس سازمان حج و زیارت کشور با اشاره به نارضایتی برخی از زائران عتبات عالیات از خدمات کاروان‌های زیارتی افزود: «با آژانس‌های مسافرتی متخلف برخورد می‌کنیم و علاوه بر جریمه نقدی، ممکن است فعالیتشان را نیز به حالت تعلیق درآوریم، اما بخش عمده‌ای از نارضایتی زائران عتبات عالیات مربوط به مسایل و مشکلات داخلی عراق است و ربطی به کاروان‌های زیارتی ندارد.»

۴ هزار نفر متقاضی برای بازسازی عتبات

عالیات ثبت‌نام کردند

نماینده دفتر فنی کربلا گفت: «غرفه ستاد بازسازی عتبات عالیات از ابتدای آغاز به کار نمایشگاه قرآن تاکنون از چهار هزار متقاضی برای اعزام به کشور عراق و بازسازی عتبات عالیات ثبت‌نام کرده است. بیشتر متقاضیان از افراد عادی هستند که تخصص آنها در حوزه خدمات ساختمانی مانند کاشی کاری، قالب بندی، سنگ کاری و... است.»

۱۰۰ میلیون دلار برای توسعه حرمین کربلا

اختصاص یافت

نخست وزیر عراق با اختصاص مبلغ ۱۰۰ میلیون دلار برای توسعه مرقد مطهر امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) و ساخت صحن‌های جدید برای افزایش ظرفیت پذیرش زائر موافقت کرد.

دوربین‌های مراقبت در کربلا نصب می‌شود

عضو شورای عالی استان کربلا از خرید دوربین‌های مراقبت در این استان خبر داد

خبرنامه

پست جواب قبول نیازی به چسباندن تمبر ندارد

هزینه پست بر اساس قرارداد شماره ۳۷-۳۷۱۸۴ پرداخت شده است.

سندوق پستی: تهران، ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

مشخصات فرستنده

نام و نام خانوادگی: استان: شهرستان: آدرس دقیق پستی

کد/سندوق پستی: شماره تماس:

نوری الطیف گفت: «این شورا با یک شرکت آلمانی قراردادی برای خرید دوربینهای مراقبت در راستای کاهش نقاط ایست و بازرسی در این استان و محدود کردن آن به جاده‌های ورودی منعقد کرد.»

رئیس کمیسیون امنیتی کربلا افزود: «شورای عالی استان در نظر دارد تدابیر امنیتی که باعث کاهش سرعت زائران و تأخیر آنان در مبادی شهر است، کاهش دهد.»

سفرهای هوایی به عتبات عالیات پس از ماه رمضان آغاز می‌شود

معاون سازمان حج و زیارت در امور عتبات عالیات افزود: «فعالیت‌هایی که سازمان حج و زیارت به منظور آغاز سفرهای هوایی زائران به عتبات عالیات انجام می‌دهد پس از ماه رمضان از طریق امضای تفاهم‌نامه‌ای میان کشور عراق و ایران به نتیجه می‌رسد.»

معاون سازمان حج و زیارت در امور عتبات عالیات با بیان این که «تازمان مذکور روزانه دو هزار و ۲۰۰ نفر به عتبات عالیات مشرف می‌شوند»، افزود: «تمام ثبت‌نام‌هایی که در سراسر کشور انجام شده، اینترنتی بوده است.»

سامرا در فهرست جهانی یونسکو ثبت شد

کمیته میراث جهانی وابسته به یونسکو در سی و یکمین نشست خود در نیوزیلند، ثبت اسم شهر سامرا را در فهرست میراث جهانی تصویب کرد.

هم‌اکنون ۸۵۱ منطقه جهان از جمله ۶۰۰ مرکز فرهنگی در فهرست میراث فرهنگی یونسکو ثبت شده‌اند. مرقد منور امامین عسکریین (ع) در شهر سامرا قرار دارد.

کتاب «امام حسین (ع)؛ مظهر اقتدار و عزت» منتشر شد

کتاب «امام حسین (ع) مظهر اقتدار و عزت» تألیف میثم رضایی نوری توسط انتشارات طالب آملی منتشر شد. مؤلف این کتاب در پنج بخش به زندگی امام حسین (ع)، ویژگی‌های بزرگ اخلاقی او، واقعه کربلا و پیام نهضت حسینی پرداخته است.

کتاب مقتل الحسین (ع) به زودی منتشر می‌شود

کتاب «مقتل الحسین (ع)» نوشته السید عبدالرزاق الموسوی المرقم با ترجمه مهدی الانصاری القمی توسط انتشارات دلیل ما به زودی منتشر می‌شود.

این کتاب تحقیق و بررسی روی یکی از معتبرترین کتاب‌های مقتل امام حسین (ع) است که به مقتل «مقرّم» معروف است. در این اثر، نویسنده کوشیده است با استناد به معتبرترین منابع، اطلاعاتی درباره قیام عاشورا، شهادت پرچم‌دار کربلا و یاران با وفای ایشان در اختیار خوانندگان قرار دهد.

فراخوان سوگواره پوستره‌های عاشورایی مهرماه منتشر می‌شود

دبیر سومین سوگواره پوستره‌های عاشورایی گفت: «قصد داریم برای این سوگواره در کنار موضوع اصلی عنوانی خاص نیز در نظر بگیریم که در دوره‌های آینده نیز به شخصیت شهدا و ایثارگران واقعه کربلا می‌پردازد.»

وی تصریح کرد: «از دیگر برنامه‌های این دوره ارائه پوستره‌های عاشورایی به نهادهایی است که در ایام محرم اقدام به ارائه موارد تبلیغی می‌کنند.»

فرم اشتراک

هزینه اشتراک ماهیانه خیمه

- پست سفارشی شش شماره ۷۵۰۰۰ ریال
- پست عادی شش شماره ۵۱۰۰۰ ریال
- دوازده شماره ۱۵۶۰۰۰ ریال
- دوازده شماره ۱۰۲۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراک را مطابق جدول بالا به شماره حساب سیبا (بانک ملی) **۰۱۰۱۲۸۹۵۵۴۰۰۱** به نام مرتضی وافی، قابل پرداخت در تمام شعب سراسر کشور واریز کنید. فرم اشتراک را به دقت تکمیل نموده، و به همراه اصل رسید بانکی برای ما ارسال کنید.
صندوق پستی: تهران ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵